

خلاصه‌ی گزارش

در اواخر سال 1952 روشن شد که حکومت مصدق در ایران از رسیدن به یک توافق بر سر نفت با کشورهای غربی ذینفع ناتوان است^[۱۴] و این حکومت به شیوه‌ای غیر قانونی تا مرحله خطرناک ناتوانی در تأمین کسر بودجه پیش رفته است. مشروطیت ایران بخاطر ادامه نخست وزیری مصدق بی اعتبار گشته بود. همه این‌ها بخاطر تمایل او به قدرت شخصی بود. کشور که با سیاست‌های غیرمسئولانه مبتنی بر هیجان اداره می شد شاه و ارتش ایران را بحد خطرناکی ضعیف کرده بود. حکومت او با حزب توده (کمونیست) ایران همکاری نزدیکی پیدا کرده بود.^[۱۵] با توجه به این عوامل به این ارزیابی رسیدیم که ایران در خطر رفتن به پشت پرده آهنین قرار دارد.^[۱۶] اگر چنین می شد یک پیروزی بزرگ برای شوروی در جنگ سرد و یک عقب‌نشینی بزرگ برای غرب در خاورمیانه تلقی می گردید. جز طرح و اجرای برنامه مخفی سرنگونی دیگر هیچ کاری برای ترمیم وضعیت موجود امکانپذیر نبود.

هدف نقشه تی.پی.آژاکس سرنگونی حکومت مصدق و برقراری دوباره حیثیت و قدرت شاه و جایگزینی حکومتی دیگر به جای حکومت مصدق بود که ایران را با سیاست‌هایی سازنده اداره کند. هدف، بخصوص، بر سر کار آوردن حکومتی بود که به

14- نظرات موجود در این گزارش مبتنی بر نظریات افسر مسئول سیاست و طبیعتاً نوعی یکجانبه گرایی است و نظرات منفی سیا در خصوص نهضت ملی ایران را باز گو می کند.

15- این ادعا حتی با محتوای خود سند نیز همخوانی ندارد.

16- دست آویز «سقوط ایران به دست کمونیست‌ها و رفتن ایران به پشت پرده آهنین» دروغ بود. در همان زمان آمریکا و همدست انگلیس آن می دانستند که این پیش‌بینی‌ها همه دروغ و نوعی فریبکاری برای انحراف اذهان عمومی بر علیه مصدق است. مردم ایران و افکار عمومی جهان نیز کودتا بر علیه مصدق و برچیدن بساط مردمسالاری با هدف غارت ثروت یک کشور را بر دولت‌های آمریکا و انگلیس نبخشیدند. بدین قرار پوزش خواهی خانم آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا، نزدیک به نیم قرن پس از کودتا نوعی پوزش خواهی از مردم ایران و نیز جهانیان بود.

16..... سرنگونی دولت مصدق

توافق منصفانه‌ای بر سر نفت نائل آید. چنانکه ایران از نظر اقتصادی دارای وضعیتی مناسب و از نظر مالی قادر به پرداخت تعهدات خویش باشد، حکومتی بر سر کار خواهد آمد که بتواند حزب کمونیست را که به طور خطرناکی قوی شده بود کاملاً سرکوب کند.

در مارس 1953 [اسفند 1331]، یعنی زمانی که به طور قطع مسلم شد منافع آمریکا ایجاب می‌کند که مصدق بر سر قدرت باقی نماند، وزیر امور خارجه [آمریکا] سیا را از این امر آگاه کرد. سیا دست به تهیه نقشه‌ای زد که بر طبق آن از طریق عملیات مخفی حکومت مصدق سرنگون می‌شد. یک بررسی تحت عنوان «عوامل دخیل در سرنگونی مصدق» در 16 آوریل 1953 [27 فروردین 1332] بعمل آمد. این بررسی نشان می‌داد که سرنگون کردن حکومت مصدق با استفاده از عملیات مخفی امکان پذیر است. در آوریل مقرر شد که سیا با انتلیجنس سرویس تماس بگیرد و طرح و اجرای نقشه را دو سازمان با همکاری یکدیگر انجام دهند. در اواخر آوریل مقرر شد که سیا و انتلیجنس سرویس در قبرس نقشه را طرح و به تصویب هر دو مرکز مذکور و همچنین وزارتخانه‌های خارجه آمریکا و انگلستان برسانند. در سوم ژوئن 1953 [13 خرداد 1332] سفیر آمریکا در ایران لوی وسلی هندرسون¹⁷ وارد آمریکا شد. او به طور کامل نسبت به نقشه و هدف‌های آن و همچنین قصد سیا برای تدارک وسائل مخفی در رسیدن به این هدفها توجه و طرف شور قرار گرفت.

نقشه در 10 ژوئن 1953 [20 خرداد 1332] کامل شد. در همان زمان آقای کرمیت روزولت¹⁸، رئیس بخش خاور نزدیک و شمال آفریقا در سیا، که حامل نظرهای وزارت خارجه سیا و سفیر آمریکا در ایران لوی هندرسون بود، و آقای روزه گوئیران¹⁹، رئیس پایگاه سیا در ایران، همراه با دو افسر متخصص تهیه نقشه در بیروت دیدار کردند. این

17- Loy Wesley Henderson

18- Kermit Roosevelt

19- Roger Goiran

سرنگونی دولت مصدق..... 17

گردهمایی به منظور گفتگو برای تهیه طرح صورت گرفت. طرح عملیات با انجام تغییرهای جزئی در 14 ژوئن 1953 [14 خرداد 1332] در لندن به انتلیجنس سرویس ارائه شد. در 19 ژوئن 1953 [29 خرداد 1332] نقشه نهایی عملیات که از سوی سیا و انتلیجنس سرویس در لندن مورد موافقت روزولت قرار گرفته بود به منظور تصویب در واشنگتن تسلیم وزارت خارجه و رئیس سیا آقای آلن دالاس [آ] و لوی هندرسون سفیر آمریکا در ایران شد. در لندن نیز نقشه برای تصویب وزارت خارجه و انتلیجنس سرویس شد. وزارت خارجه می‌خواست پیش از موافقت با نقشه از همراهی با دو پیشنهاد مطمئن شود:

1- حکومت آمریکا کمک لازم را در اختیار هر حکومتی که جانشین حکومت مصدق شود قرار دهد، به شرطی که این حکومت تا دریافت درآمد نفت بتواند از عهده هزینه‌های خود بر آید.

2- حکومت انگلستان به طور کتبی و در بیانی که وزارت خارجه آمریکا را راضی کند نیات خود را در رسیدن به یک حل و فصل منصفانه بر سر نفت با حکومتی که در ایران جانشین حکومت مصدق می‌شود، اعلام کند.

رضایت وزارت خارجه در هر دو مورد حاصل شد. در اواسط ژوئیه 1953 [اواخر تیر 1332] وزارت خارجه آمریکا و وزارت خارجه انگلستان اجازه اجرای نقشه تی. پی. آژاکس را دادند و رئیس سیا موافقت رئیس جمهوری آمریکا را با اجرای آن به دست آورد. انتلیجنس سرویس از طریق هماهنگی با سیا و سفیر آمریکا در ایران -هندرسون- پیشنهاد کرد که آقای روزولت در مراحل واپسین عملیات، هدایت آن را در تهران برعهده بگیرد. وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد عاقلانه این است که هندرسون، که برای مشورت به واشنگتن آمده، تا پایان عملیات سفر خود به محل مأموریت خود در تهران را به تأخیر بیندازد. سیا و انتلیجنس سرویس با توافق مقرر نمودند که در جریان عملیات، قبرس به عنوان

18..... سرنگونی دولت مصدق

مرکز ارتباطات قرار گیرد، یک افسر سیا به طور موقت در آن مستقر شود و مرکز پشتیبانی ارتباطات در واشنگتن مستقر شود. ارتباط سه جانبه سریع با استفاده از امکانات سیا میان تهران، قبرس و واشنگتن برقرار شد و زمان انجام عملیات اواسط ماه اوت [اواخر مرداد] تعیین گردید.

عوامل تبلیغاتی سیا و انتلیجنس سرویس در ایران می‌بایست از طریق روزنامه‌ها دست نوشته‌ها و [غیره] تبلیغاتی را رهبری می‌کردند که به شکل روز افزون توسعه پیدا می‌کرد. هدف این تبلیغات تضعیف حکومت مصدق بهر ترتیب ممکن بود. در آمریکا مقامات عالی حکومت باید اظهاراتی را بر زبان می‌آوردند که هرگونه امید نخست وزیر مصدق را به کمک اقتصادی آمریکا بر باد می‌داد و این طرز فکر که آمریکا از رژیم مصدق حمایت می‌کند را در ذهن عموم ایرانی‌ها از بین می‌برد.

سرلشکر فضل الله زاهدی عضو سابق حکومت مصدق [۲۱] به عنوان کسی که بیش از همه در خور جانشینی مصدق بود، برای انتصاب در مقام نخست وزیری انتخاب شد. زیرا او تنها کسی بود که شایستگی این مقام را داشت و به مخالفت آشکار با مصدق برخاسته بود و همچنین هواداران در خوری نیز در اختیار داشت. سیا باید با زاهدی تماس می‌گرفت و او را از طرح عملیات خود و قصد خود برای انتصاب او به مقام نخست وزیری آگاه می‌کرد. زاهدی وظیفه داشت یک دفتر نظامی ایجاد کند تا سیا با کمک او جزئیات طرح عملیات را تعیین کند.

از همان آغاز، اصل همکاری شاه [با طرح] بخش اساسی نقشه بود. همکاری او به این منظور که پادگان‌های تهران عملیات مورد نظر را انجام دهند و به نخست وزیر جدید یعنی جانشین مصدق مشروعیت ببخشند ضروری بود. به این دلیل که شاه نشان داده بود مردی بی‌اراده است مقرر شد، که فشار به او برای اینکه همکاری کند اشکال زیر را پیدا کند:

سرنگونی دولت مصدق..... 19

1 - خواهر دوقلوی پر تحرک و قوی شاه- شاهزاده اشرف پهلوی- باید از اروپا به تهران می آمد و شاه را وادار به عزل مصدق می کرد. او باید به شاه می گفت که سران آمریکا و انگلستان با او تماس گرفته و از او خواسته اند به تهران بیاید و شاه را وادار به عزل مصدق کند.

2- تمهیدات لازم بعمل آمد تا ژنرال نورمن شوراتسکف^{۲۲}، رئیس هیأت مستشاران سابق آمریکا در ژاندارمری ایران، که مورد علاقه و احترام شاه بود، به ایران بیاید. شوراتسکف وظیفه داشت نقشه را برای شاه تشریح کند و از شاه دو فرمان، یکی فرمان عزل مصدق از نخست وزیری و دیگری فرمان نصب زاهدی به نخست وزیری را بگیرد و شاه را ترغیب کند که از ارتش بخواهد به تاج و تخت وفادار بماند.

3- عاملان بومی انگلستان که حسن نیتشان بر شاه محرز بود. باید پیام شوراتسکف به شاه را مهم جلوه داده و از این طریق شاه را مطمئن می کردند که آمریکا و انگلستان مشترکاً تصمیم به این اقدام گرفته اند.

4- اگر اقدامات بالا نتیجه نداد، آقای روزولت به نمایندگی از رئیس جمهوری آمریکا باید شاه را وادار به امضای دو فرمان بالا می کرد. زمانی که فرمانها امضاء می شد در روزی که طبق نقشه معین شده بود، سیا آنها را در اختیار زاهدی قرار می داد. در روز موعود شاه باید در محلی خارج از تهران اقامت می گزید و زاهدی همراه با فرمانها و همچنین پشتیبانی نظامی، بدون بیم از تغییر رأی شاه و بدون اینکه خطری جان شاه را تهدید کند، حکومت را از مصدق می گرفت.

سیا از طریق عوامل نظامی خود در تهران می باید، تا جائی که ممکن بود، مطمئن می گشت قوای ارتش، مستقر در تهران، از نخست وزیر جدید که مورد تأیید شاه خواهد بود، پشتیبانی می کنند.

20..... سرنگونی دولت مصدق

اظهارات مقامات رسمی آمریکا نقش تعیین کننده‌ای بر ایران و همچنین سهم بزرگی در سقوط مصدق داشت:

1- انتشار نامه 9 ژوئیه 1953 [18 تیر 1332] پرزیدنت آیزنهاور به نخست وزیر مصدق در 29 ژوئیه 1953 مشخص نمود که آمریکا بیشتر از این به ایران کمک نخواهد کرد.

2- اظهارات وزیر خارجه آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی 28 ژوئیه 1953 با این محتوی که «... فعالیت روز افزون حزب کمونیست در ایران غیر قانونی است و اینکه حکومت ایران ان را نادیده می گیرد موجب نگرانی حکومت ما [آمریکا] گشته است. گسترش فعالیت‌های آن حزب و رویه اغماض حکومت ایران موافقت با کمک به ایران را مشکل می گرداند.»

3- اظهارات رئیس جمهور در اجتماع فرمانداران ایالات آمریکا در سیاتل که در آن پرزیدنت آیزنهاور تصریح کرد، آمریکا بدون هیچ اقدامی شاهد رفتن کشورهای آسیایی به پشت پرده آهنین نخواهد بود، در این جریان تأثیری قطعی داشت.

سیا به منظور همکاری با وزارت خارجه، چند مقاله را در روزنامه‌ها و مجلات عمده آمریکا انتشار داد. زمانی که ترجمه این مقالات در ایران منتشر شد اثر روانی پیش‌بینی شده را بر ایران گذاشت و در جنگ روانی بر علیه مصدق نقش مهمی را ایفا نمود.

سرانجام، در 15 اوت 1953 [24 مرداد 1332] شاه، بعد از اصرار اشرف پهلوی و ژنرال شوراتسکف و بعد از چند دیدار با روزولت فرمان‌های درخواستی را امضاء کرد. روز عملیات 16 اوت [25 مرداد] معین شد. با همه تلاش‌های صورت گرفته در حفظ امنیت عملیات بخاطر وجود درزهای امنیتی در ارتش ایران، زمانی که فرمانده گارد شاه با دو کامیون سرباز هوادار شاه مأمور دستگیری مصدق شد، از سوی قوای مسلحی که به مصدق وفادار بودند، خلع سلاح و دستگیر گردید. بدین ترتیب، در آن روز نقشه نظامی به اجرا گذاشته شده شکست خورد.

سرنگونی دولت مصدق..... 21

شاه با شنیدن خبر شکست نقشه به بغداد گریخت. این عکس العمل او یک اقدام احتیاطی بود و در نقشه تا حدودی پیش‌بینی شده بود. زاهدی تحت حفاظت سیا در خفا ماند. او و افسرانش که در عملیات نقش کلیدی داشتند، از بیم توقیف از سوی قوای انتظامی مصدق که به دنبال مخالفان اصلی بودند، مخفی شدند.

اوائل بعد از ظهر روز 17 اوت 1953 [26 مرداد 1332] هندرسون به تهران بازگشت. سرلشگر زاهدی از طریق کنفرانس مطبوعاتی مخفی و با استفاده از تسهیلات سیا خطاب به مردم ایران اعلام کرد که نخست وزیر قانونی است و این مصدق است که بر ضد او کودتای غیر قانونی کرده است. عوامل سیا شمار زیادی کپی فرمان‌های نصب زاهدی به نخست وزیری و عزل مصدق را انتشار دادند. انتشار فرمان‌ها تأثیر بسیار زیادی بر مردم تهران گذاشت. آنها یکه خوردند و زمانی که دیدند که شاه بخاطر اعمال مصدق مجبور شده است کشور را ترک کند، خشمگین شدند.

سفیر آمریکا در بغداد برتون وایبری^{۳۳} با شاه تماس گرفت و گفت که برغم وضعیتی با ظاهر خصمانه او مطمئن است شاه بزودی به ایران بازخواهد گشت. پس از آن که شاه از بغداد به رم رفت تماس‌هایی با او برقرار شد. آقای روزولت و پایگاه سیا در تهران به طور منظم گزارش می‌دادند که پیروزی ظاهری مصدق اهمیت زیادی ندارد. نشانه‌های بسیاری وجود دارد که گویای وفاداری ارتش به شاه است. بازگرداندن وضعیت بر علیه مصدق و بسود شاه و زاهدی امکانپذیر است. پایگاه به وزارتخانه‌های خارجه آمریکا و انگلستان فشار آورد که بیشترین کوشش خود را به کار برند تا شاه قانع شود در بیاناتی علنی و رسمی، ارتشیان و عوام الناس را به طرد مصدق و پذیرفتن زاهدی بمثابه نخست وزیر قانونی فرا بخواند.

در 19 اوت 1953 [28 مرداد 1332] تظاهراتی بطرفداری از شاه در ناحیه بازار سرگرفت و دامنه وسیعی پیدا کرد. این تظاهرات به ظاهر خودجوش و نشان دهنده اعتبار

22. سرنگونی دولت مصدق

بنیادی شاه بود. عوام از حرکتی هراسان بود که کمونیستها و نیز تعدادی از جانبداران جبهه ملی برای استقرار جمهوری آغاز کرده بودند. عوامل پایگاه سیا به انجام تظاهرات بسود شاه برانگیخته شدند. ارتش بزودی به جنبش هوادار شاه پیوست و ظهر آن روز روشن بود که تهران و نیز برخی از استان‌ها به دست گروه‌های مردم و ارتشیان طرفدار شاه افتاد. وضعیت چنان بود که نقشه نظامی می‌توانست به اجرا گذاشته شود. همراه با علامت رمز پایگاه سیا، زاهدی از مخفی گاه خود بیرون آمد تا رهبری جنبش را برعهده بگیرد. او نخست، پیامی رادیویی فرستاد و اعلام کرد که حکومت متعلق به او است. ادارات ستاد کل ارتش تصرف شد. خانه مصدق ویران شد و سیاستمداران و ارتشیان جانبدار مصدق دستگیر شدند. کمی بعد شاه به ایران بازگشت و استقبالی مردمی از او بعمل آمد. شاه از اینکه مردم و ارتش او عصیان کردند و بر ضد رقیبی چون مصدق کینه توز و حزب توده‌ای که سوار بر موج پیروزی مزمانی که آشکارا استقرار جمهوری را سامان می‌داد عصیان کردند، به هیجان آمده بود. او برای نخستین بار احساس کرد که از دست مردم خود اعتبارنامه‌ای در اختیار دارد. او با این هدف به ایران بازگشت که کنترل ارتش را در دست بگیرد و سلطنت خود را ادامه دهد.

قدم‌های نخستین

نمایندگان انتلیجنس سرویس انگلیس، در واشنگتن، با نمایندگان بخش خاور نزدیک و آفریقا در طول ماه‌های نوامبر و دسامبر 1952 ملاقات کردند. قصد گفتگو درباره نقشه‌ها برای معضل ایران بود. نمایندگان اینتلیجنس سرویس آقایان کریستفر منتاگ و ودهوس^{۲۴} که بتازگی رئیس پایگاه این سازمان در ایران شده بود و ساموئل فال^{۲۵} عضو این پایگاه در تهران و جان بروس لوکهارت^{۲۶} نماینده انتلیجنس سرویس در واشنگتن بودند. نمایندگان بخش خاور نزدیک و آفریقای سیا عبارت بودند از آقایان: کریت روزولت رئیس بخش و

24- Woodhouse

25- Falle

26- Lokhart

سرنگونی دولت مصدق..... 23

جان ه. لیویت^{۲۷} رئیس شعبه ایران و جان و. پاندلتون^{۲۸} معاون بخش و جیمز آ. دارلینگ^{۲۹} رئیس شعبه شبه نظامی قسمت.

ملاقات، دستور از پیش تعیین شده‌ای نداشت. هیأت انگلیسی پیشنهاد عملیات سیاسی مشترک را برای سرنگون کردن نخست وزیر ایران، مصدق، آورده بود. بخش خاور نزدیک و آفریقا اصلاً قصد بحث درباره این مسئله را نداشت و برای آن آماده نشده بود. ملاقات بدون اخذ تصمیم پایان یافت. تنها پذیرفتند که عمل سیاسی پیشنهادی انگلیسها را مطالعه کنند. [۳۰]

در مارس 1953 تلگرامی از پایگاه سیا در تهران دریافت کردیم که بر طبق آن سرلشگر باتمانقلیج [۳۱] به سفیر آمریکا در تهران لوی هندرسون مراجعه کرده و گفته است که آیا آمریکا از عمل نظامی برای سرنگون کردن مصدق حمایت می‌کند یا خیر؟ ملاقاتی صورت گرفت که افراد ستادها و افراد پایگاه سیا در آن حاضر بودند. کلمات رمز به ستاد داده شد که به ژنرال [۳۲] تعلیم داده شود. این وضع بهیچ وجه آمریکا را متعهد به پایبندی به این هدف نمی‌کرد اما آشکار بود که آمریکا نسبت به این فکر علاقمند است.

27- Leavitt

28- Pandleton

29- Darling

30- کرمیت روزولت کودتائی را که خود رهبری کرده بود تاریخ کرده است با گرافه‌نویس‌هایی درباره خودش. وودهاوس نیز خاطرات خویش را انتشار داده و به فارسی با عنوان «اسرار کودتای 28 مرداد» (شرح عملیات چکمه - آجکس) منتشر شده است. او که در نیمه ژوئن 1952 وارد ایران شده است. می‌گوید با چرچیل ارتباط داشته و پیشنهاد براندازی حکومت مصدق را به حکومت او داده است. ایدن وزیر خارجه در این باره گفته است ما بدون آمریکائی‌ها نمی‌توانیم حکومت مصدق را بر اندازیم و او وودهاوس آمریکائی‌ها را با ساقط کردن حکومت مصدق موافق ساخته است. انگلیسها کودتای 28 مرداد را «عملیات چکمه» و آمریکائی‌ها «آژاکس» می‌خوانند.

31- نام ژنرال باتمانقلیج در تمامی گزارش سیاه شده است.

32- نام «ژنرال» سیاه شده است. گازیوروفسکی او را سرلشگر باتمانقلیج می‌داند. او بعد از کودتا سپهبد و رئیس ستاد ارتش شد. در لحظه‌های تعیین کننده او ترسید و پنهان شد. با این وجود وقتی کودتا با موفقیت انجام گرفت زاهدی او را به‌عنوان رئیس ستاد منصوب کرد.

24..... سرنگونی دولت مصدق

بر اساس پیشنهاد ژنرال [باتمانقلیچ] و علائم دیگر در می‌یافتیم که مخالفت با مصدق وسعت خواهد گرفت. با توجه به رویه یکسره مخرب و بی‌محابای مصدق، ژنرال والتر بدل اسمیت^{۳۳} معاون وزارت خارجه آمریکا به این تصمیم رسید که آمریکا دیگر نباید حکومت مصدق را تأیید کند. باید حکومت جانشینی را ترجیح دهد که هیچیک از اعضای جبهه

بر اطلاعاتی که در متن گزارش سیا آمده است این اطلاع را می‌افزایم که زاهدی مشغول تهیه تلگرام به شاه می‌شود و باتمانقلیچ می‌گوید که تیمسار! چرا می‌خواهید او را برگردانید؟ از او جز مزاحمت بر نمی‌آید. رفته است بگذارد همانجا بماند. زاهدی می‌گوید بر طبق نقشه او باید برگردد!

در صفحه ۵۴ گزارش در شمار نامها نامی نیز از ژنرال شیبانی آمده است. جز این نام دو نام دیگر نیز از سوی ایرانی‌ها نظامی ذکر شده‌اند که سرتیپ اخوی - اما در روزهای کودتا اخوی سرهنگ بوده است - که ارتشبد فرودست او را طراح نقشه کودتای ۲۸ مرداد می‌خواند - و سرتیپ سیاسی که سرهنگ افزاشته و دیگران او را در کودتا صاحب نقش مؤثر می‌شمارند.

سیا نام دو عامل اصلی خود را سیاه کرده است. یکی از آنها کیوانی است. اگر همان کیوانی باشد که معاون ساواک و رئیس قسمت آموزش آن بود شمار «ژنرالهای» در کودتا با زاهدی حداکثر شش تن بوده‌اند. اما بنا بر گزارش:

۱ - شاه ترسان و بی‌تصمیم بوده و در تهران حاضر نشده دو فرمان یکی عزل مصدق و دیگری نصب زاهدی را امضاء کند. دو متن را زیر نظر سیا در تهران آماده و در شمال به امضای شاه رسانده‌اند. در پی شکست کودتای ۲۵ مرداد او به بغداد گریخته است.

۲- زاهدی حتی از تشکیل یک دفتر نظامی در مانده بود و سیا آن را ایجاد کرده است.

۳- باتمانقلیچ به مخفیگاه می‌گریزد.

۴- اخوی به قول فرودست خود را به بیماری می‌زند و روی نشان نمی‌دهد.

۵- در گزارش سیا اسمی از سرتیپ سیاسی نیست.

۶- سرتیپ فرزندگان به آمریکا رفته و تبعه آمریکا شده بود. در کودتا با درجه سرهنگی شرکت داشته اما در ارتش سمت نظامی نداشته است.

۷- در صفحه ۵۴ گزارش «ژنرال» دیگری را در شمار افرادی می‌آورد که در کودتا بوده‌اند و او سرتیپ شیبانی است.

با توجه به این ناتوانی نظامی مطلق باید پرسید که چگونه کودتا موفق شد؟ حزب توده و سازمان افسری او چرا وارد عمل نشدند؟ و... خواهیم دید که آیا در قسمتهای بعدی گزارش پرسشها پاسخهای درخور پیدا می‌کنند یا نه؟

سرنگونی دولت مصدق..... 25

ملی عضو آن نباشند. این تغییر سیاست به سیا ابلاغ شد. به بخش خاور نزدیک و آفریقا نیز اعلام گردید که مجاز است عملیات براندازی مصدق را مورد بررسی قرار دهد. وزارت خارجه و سیا به اتفاق لوی هندرسون - سفیر - و روژه گوئیران^{۳۴} - رئیس پایگاه سیا - را از سیاست جدید و اجازه تدارک عملیات آگاه کردند.

در 4 آوریل 1953 رئیس سیا یک بودجه یک میلیون دلاری را در اختیار پایگاه تهران گذاشت. پایگاه می توانست این بودجه را صرف ساقط کردن حکومت مصدق کند. به هندرسون و رئیس پایگاه اختیار کامل داده شد که با توافق یکدیگر و بدون نیاز به تصویب واشینگتن هر طور که مصلحت دانستند، پول را خرج کنند.

در 16 آوریل 1953 مطالعه همه جانبه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر در سرنگونی مصدق» تکمیل شد. تحقیقات به این نتیجه رسید که ترکیبی از شاه و زاهدی با کمک افراد سیا در محل، همراه با حمایت مالی شرایط خوبی را برای سرنگونی حکومت مصدق ایجاد خواهد کرد. بخصوص اگر این ترکیب بتواند توده مردم را هر چه پرادمانه‌تر به خیابان‌ها بکشانند و بخش قابل ملاحظه‌ای از قوای ارتش مستقر در تهران از اجرای اوامر مصدق سر بیچند. [۳۵] تماس بعدی نیز با ژنرال [۳۶] بعمل آمد. انگیزه‌های او جدی بودند. اما سریع آشکار شد او نقشه مشخصی ندارد و در واقع در آن موقعیت نیست که بر علیه مصدق وارد عمل شود.

34- Goiran

35- بر طبق گزارش سیا زاهدی را نه شاه و نه انتلیجنس سرویس بلکه سیا بر گزیده است. با وجود این وود هوس می گوید وقتی در ماه نوامبر 1952 به آمریکا رفته طرحی با خود داشته اما نمی خواسته است آمریکائی‌ها گمان برند او بخاطر منافع انگلستان می خواهد از کیسه آمریکا خرج کند. مدعی است وزارت خارجه انگلیس فهرستی از اسامی 15 تن از سیاستمداران تهیه کرده بود تا هریک مورد موافقت آمریکا قرار گرفت جانشین مصدق شود. افراد این فهرست در سه گروه «قدیمی‌ها» و «جدیدی‌ها» و «بیابینی‌ها» گروه بندی شده بودند. زاهدی که در گفتگوهای دو طرف مورد قبول قرار گرفته بود در گروه سوم بود.

36- نامش سیاه شده و ناخواناست.

26..... سرنگونی دولت مصدق

زاهدی که زمانی عضو هیأت وزیران مصدق بود، از هیأت وزیران بیرون رفته و اینک تنها شخصیت عمده میان مخالفانی بود که مخالفت خویش را آشکارا اعلام می‌کرد. به همین دلیل، پیروان بسیاری را به خود جلب کرده بود. در آوریل 1953، پایگاه سیا از طریق سرگرد اریک پولارد^{۳۷} -وابسته نیروی دریائی- مقیم تهران، با زاهدی تماسی مخفی برقرار کرد. در ژوئن 1953 برای اینکه تماس مخفی میان سیا و زاهدی کارآمدتر و مطمئن تر شود و نیز به دلایل امنیتی، فرزند زاهدی، اردشیر، را به‌عنوان واسطه تماس برگزیدیم. در نتیجه، بعد از 21 ژوئیه 1953 تماس با ژنرال زاهدی را به شکل مستقیم برقرار کردیم.^[۳۸]

37- Pollard

۳۸- سرلشگر زاهدی از دشمنان سپهبد رزم آرا بود. در انتخابات تهران او رئیس شهربانی کل کشور بود و مانع از مداخله رئیس ستاد (رزم آرا) ارتش شد و با وجود تقلب‌ها، مصدق و ۷ تن دیگر از جبهه ملی به نمایندگی مجلس انتخاب شدند وقتی نفت ملی و مصدق نخست وزیر شد او مصدق را بزرگ‌تر از امیر کبیر توصیف می‌کرد. در نخستین هیأت وزیران مصدق او وزیر کشور شد. در وزارت او غائله ۲۳ تیر روی داد. این کافی نبود او، اسناد کودتای رزم آرا را برد و به شاه تحویل داد. ناگزیر شد استعفا کند. از همان زمان مخالف شد!

تهیه پیش نویس طرح

در اواخر آوریل 1953 [اردیبهشت 1332] دکتر دونالد ویلر مشاور مخفی بخش خاور نزدیک و آفریقا برگزیده شد که به نیکوزیا برود و با همکاری نزدیک انتلیجنس سرویس، نقشه‌ای برای سرنگونی مصدق تهیه کند. فرض ستاد این بود که آنان طرحی را تهیه خواهند کرد که با بصیرت کامل به اجرا گذاشته شود.

در 13 مه 1953 مباحثاتی میان ویلر و افسر اینتلیجنت سرویس -نرمن ماتیو داربی شایر-³⁹ آغاز شد. آقای ه. جان کلینس⁴⁰ رئیس پایگاه انتلیجنس سرویس در قبرس نیز در گفتگوها حضور داشت. آقای داربی شایر که مسئولیت شعبه ایران را نیز بر عهده داشت، چند سالی در ایران گذرانده بود و بیان روان و گیرایی داشت. گفتگوها در 30 مه 1953 به نتیجه رسید و در 1 ژوئن [11 خرداد 1332] پیشنهادی طرح عملیات به ستاد مخابره شد.

به منظور بازبینی تمامی شخصیت‌های مهم در صحنه سیاسی ایران گفتگوهای به‌طور جداگانه انجام شد. تصور ما این بود که ژنرال زاهدی مهمترین سیاستمدار مخالف مصدق، تنها کسی است که دستش از لحاظ داشتن حامی پر است.

بنا بر این دیدگاه، می‌خواستیم بدانیم چه اشخاص و عناصری را می‌توانیم در فهرست حامیان او بگنجانیم. زود آشکار شد که ویلر و آقای داربی شایر دیدگاه مشابهی نسبت به شخصیت‌های ایرانی دارند و نظر مشابهی نسبت به عوامل بانفوذ در صحنه سیاسی ایران دارند. در طول مباحثات اختلافی اساسی و تضاد نظرات پدید نیامد و نیز آشکار شد که انتلیجنس سرویس از اینکه در اجرای نقشه از سیا پیروی می‌کند، کاملاً راضی است.

بر ویلر نیز مسلم شد که انگلستان از اینکه موافقت آمریکا را برای همکاری به دست آورده است بسیار خوشنود است و مصمم است کاری که موجب ایجاد ضربه به موقعیت

39- Norman Matthew Darbyshire

40- Collins

آمریکا در عملیات شود، را انجام ندهد. همزمان از خلال واقعیتها مسلم شد که سیا از لحاظ پول، نفرت و امکانات، از انتلیجنس سرویس مجهزتر است.

ویلبر گفتگوهایی را پیرامون سه مجرائی که برای انجام نقشه باید برقرار شوند گزارش کرد. این مجاری برای برقراری ارتباط فوری با واشنگتن، نیکوزیا و تهران تهیه شده بودند. پیامی که از یکی از سه مجرا به یکی از این سه محل می‌رسید با سریع‌ترین وسیله باید به دو محل دیگر نیز ارسال می‌شد. این مجرا پایگاه مخابرات خاورمیانه^[۱] بود. پایگاه مخابرات در چند مایلی نیکوزیا قرار داشت. [اما ارتباط میان نیکوزیا و تهران از سرعت لازم بر خوردار نبود. در طول این دوره بیشتر از 45 تلگراف مبادله شد.]

گفتگوهای نیکوزیا به معرفی نفرت دو طرف انجامید. محور ارتباط انتلیجنس سرویس در قلمروهای مختلف نظامی، مجلس، رهبران مذهبی [مذهبی نماها]، مطبوعات و اوباش شهر، سیاستمداران و دیگر چهره‌های با نفوذ، مانند برادران رشیدیان^[۲] بودند. ارزیابی این اطلاعات در پایگاه تهران این بود که این اطلاعات اغراق‌آمیز است و به برادران رشیدیان و نفرت انتلیجنس سرویس بیش از اندازه بها داده شده است. حاصل مباحثات این بود که

41- Middle East Communications Authority (MECA)

42- برادران رشیدیان سه برادر به اسامی سیف الله و قدرت الله و اسدالله بودند. پدر آنها حبیب الله رشیدیان در خدمت انگلیسی‌ها بود و فرزندان خود را نیز بخدمت آنها درآورد. سرسپردگی این سه نفر نسبت به انگلیسی‌ها بیش از پدرشان -حبیب الله- بوده است. وودهوس می‌نویسد که در ماه نوامبر 1952 که او برای گفتگو با آمریکائی‌ها درباره سرنگون کردن حکومت مصدق به واشنگتن می‌رود و قرار می‌شود که عمال انگلیسی کاری نکنند او به برادران رشیدیان اطلاع می‌دهد که قرار بر متوقف کردن فعالیت‌های ضد مصدق است و او نمی‌تواند برای آنها پول بفرستد. برادران رشیدیان فعالیت‌های خود را با هزینه شخصی ادامه می‌دهند و نیز خاطر نشان می‌کند که «برادرها» سخت ضد آمریکائی بودند و بزحمت آنها را قانع کردیم که در کودتا با آمریکائی‌ها همکاری کنند. وودهوس از یک ایرانی دیگری نام می‌برد که مدیر کل یک وزارتخانه بوده است و به سفارت مراجعه کرده و اظهار آمادگی کرده که برای ساقط کردن حکومت مصدق از اوامر او فرمان ببرد. وزیر استعفاء کرده و این شخص در هیأت وزیران شرکت می‌کرد و گزارش گفتگوها و تصمیمات را به او می‌رسانده وی احتمالاً دکتر باقر کاظمی است.

سازمان جاسوسی انگلیس، همچون ما، از ضعف برادران رشیدیان آگاه بود، اما یکی از مزیت‌های آنان این بود که حاضر بودند در مقابل مصدق از جان و مال خود بگذرند. در روزهای سخت اوت 1953 برادران رشیدیان این قوت را نشان داده بودند.

دکتر ویلبر نیز پس از نماینده اینتلیجنت سرویس نفرات سیا را معرفی کرد. پیش از سفر ویلبر به نیکوزیا مقرر شده که چه نفراتی باید به اینتلیجنت سرویس معرفی شوند. البته آنها در ازاء نفراتی بودند که اینتلیجنت سرویس معرفی و برای اجرای نقشه وارد عمل می‌کرد. در ستاد پذیرفته شده بود که هویت عاملان اصلی و مهم پایگاه سیا در تهران که نقش حیاتی داشتند، [جلیلی و کیوانی]^{۴۳} نباید آشکار شود. آنچه در دیدار نوامبر 1952 به اینتلیجنت سرویس اطلاع داده شده بود این بود که سیا دو عامل اصلی در ایران دارد. بنابراین، لازم بود بجای این دو عامل [جلیلی و کیوانی] دو نفر دیگر معرفی شوند. این کار انجام شد و دو فرد جدید به دو مقام مهم منصوب شدند. یکی به ریاست پایگاه و دیگری به معاونت آن^{۴۴} [۴۴]

در طول گفتگوهای نیکوزیا ارتباط مدام با تهران و واشنگتن بخصوص با پایگاه تهران برقرار بود. چرا که اطلاعات اخذ شده از آنها به تهیه نقشه کمک می‌کرد.

گفتگوها اینک به یک رشته پیش فرض‌های اساسی محصور می‌شد که تهیه نقشه و شکل نهایی آن بر آنها استوار می‌شد. مقرر شد که جزئیات نقشه عملیاتی در بر گیرنده پیش فرض‌هایی از این قبیل باشد: 1- از میان نامزدهای بالقوه، زاهدی تنها کسی است که شجاعت و استواری لازم را برای جلب حامیان دارد. 2- شاه با بی‌میلی تمام حاضر به همکاری می‌شود و باید او را وادار به انجام این کار کرد. 3- روشن است که در این کار قوای نظامی ترجیح می‌دهند از شاه پیروی کنند. 4- عملیات باید در صورت امکان جنبه

43- این دو همراه با اسامی دیگر سیاه شده‌اند.

44- اسامی سیاه شده‌اند. تا آنجا که ما می‌دانیم برادران رشیدیان در طول عملیات با جلیلی و کیوانی آشنا شدند.

(زیر نویس‌های این بخش نیز سیاه شده‌اند)

30..... سرنگونی دولت مصدق

قانونی یا شبه قانونی داشته باشند و نه کودتائی خارج از چارچوب قانون. 5 - درست پیش از روز شروع عملیات ساقط کردن حکومت مصدق افکار عمومی باید مساعد اقدام علیه مصدق باشد. 6 - بخش نظامی کار، زمانی می تواند با موفقیت اجرا شود که پایگاه سیا نقشه را همراه با ایرانی هایی که زاهدی معین می کند مورد باز بینی قرار گیرد. 7 - حکومت جدید تدابیر احتیاطی لازم برای مقابله با واکنش حزب توده را اتخاذ کند.

برخی از این پیش فرض ها پیش از آنکه نقشه کامل شود به صورت رمز به تهران و واشنگتن مخابره شد واکنشهای پایگاه تهران و ستاد کل همواره با نظرات تهیه کنندگان نقشه موافق نبود. پایگاه اصرار داشت که شاه حاضر نخواهد شد قاطعانه بر علیه مصدق عمل کند. ستاد کل می پرسید: «آیا بهتر نیست کس دیگری را نامزد کنیم؟ آیا بهتر نیست ایرانی ها خود رهبری عملیات ساقط کردن مصدق را عهده دار شوند؟» به هر طریق ممکن طبق توافق مقرر شد پایگاه سیا در تهران، بر طبق سیاست جدید و با استفاده از مطبوعات حمله تبلیغاتی وسیعی را بر علیه مصدق آغاز کند. پایگاه دستور را به عاملان خود، برادران رشیدیان و عاملان انتلیجنس سرویس ابلاغ کرد. گروه هنری-تبلیغاتی سیا مأموریت داشت تعداد زیادی کاریکاتور ضد مصدق تهیه کند.

زمانی که یکی از برادران رشیدیان اجازه خواست از ایران خارج شود. اجازه خروج گرفتن در دوره مصدق کار آسانی نبود^[۴۵]

در ژنو او با افسر سیا -نورمن داربی شایر- دیدار کرد. او نه تنها داربی شایر را نسبت به وضعیت موجود توجیه کرد بلکه جواب های مقبولی به چند پرسش مخصوص او داد. باید

۴۵- در زیر نویس جالب می بیند یادآور شود رشیدیان اجازه خروج را نه از هر طرفدار مصدق که از شخص دکتر فاطمی وزیر خارجه گرفت. این امر نظر دیرین سیا را تأیید می کرد که بر طبق آن گاه بگانه فاطمی نسبت به انگلیسها روی موافق نشان می داد و می خواست با مخالفان حکومت مصدق و انگلیسها حسابی باز کند تا اگر حکومت مصدق سقوط کرد دستش بجائی بند باشد. به طور قطع او می دانست که رشیدیان عامل انگلیسها است. این عقیده ویلبر مغرضانه است و صحت ندارد.

سرنگونی دولت مصدق..... 31

خاطر نشان کرد که پایگاه انتلیجنس سرویس در نیکوزیا با استفاده از تعلیم دیده‌ترین خبرچین‌های خود با بی‌سیم، هفتگی با برادران رشیدیان در تهران در تماس بود. این تماس به فارسی و البته در زمانی محدود صورت می‌گرفت. به خصوص بعد از بازگشت داریبی شایر از ژنو که به او گفتیم قوای مسلح ایران اینک دستگاه گیرنده‌ای در اختیار دارد که می‌تواند مخابرات بی‌سیم را شنود کند.

آقای جرج کارول⁴⁶، که به معاونت اطلاعات خارجی در تهران معین شده بود، در 29 مه وارد نیکوزیا شد. تا واکنشها و نظرهای ستاد کل را برای تکمیل پیش‌نویس نقشه ابلاغ کند. پیش‌نویس در 1 ژوئن 1953 [11 خرداد 1332] به ستاد کل مخابره شد (متن مخابره شده در ضمیمه « شماره یک » آمده است).

زمانی که قرار شد نیکوزیا مرکز ارتباط باشد معلوم شد نقائصی نیز وجود دارد. نیکوزیا از ستاد کل و مرکز سیا دور بود و مهمتر اینکه سیستم مخابرات انتلیجنس سرویس بسیار ناقص بود. چنانکه هرگونه اطلاعی پیرامون شخصیتها بخصوص اعضای قوای مسلح ایران باید از پایگاه تهران و ستاد کل گرفته می‌شد.

زمانی که پیش‌نویس نقشه مخابره گردید با انتلیجنس سرویس توافق شد که رونوشت آن به لندن ارسال شود و تا پیش از 15 ژوئن [25 خرداد] نظرهای مرکز انتلیجنس سرویس در آن ملحوظ شود. در این فاصله همانطور که با اداره مرکزی سیا توافق شده بود، سیا باید در بیروت نقشه را با دقت مطالعه می‌کرد و نتایج آن را به لندن می‌فرستاد تا به هنگام مطالعات انتلیجنس سرویس در طرح نهایی ادغام شود. کارول تا چند روز بعد از اتمام تهیه پیش‌نویس در نیکوزیا ماند تا کار بر روی جنبه نظامی نقشه را شروع کند. بعد از پایان اجتماع بیروت او برای چند روز بعد با همین هدف به نیکوزیا بازگشت. باید یاد آور شد که خانم هلن مورگان⁴⁷ نماینده سیا در نیکوزیا حمایت زیادی از افراد سیا که در نیکوزیا کار می‌کردند، بعمل آورد.

46- George A. Carroll

47- Helen E. Morgan

سرنګوني دولت مصدق32

تحکیم نقشه عملیاتی

در بعد از ظهر 9 ژوئن [19 خرداد] افرادی که باید در مباحثات شرکت می کردند عبارت بودند از آقایان کریمت روزولت، رئیس بخش خاور نزدیک و آفریقا در سیا و رئیس عملیات که با نقشه از لندن آمد، کارول که با هواپیما از قبرس آمد و روزه گوئیران رئیس پایگاه تهران که با خودرو از دمشق آمد و همچنین ویلبر که از قاهره با هواپیما رسید. صبح 10 ژوئن [20 خرداد] گفتگوها شروع شد و بمدت 4 روز ادامه پیدا کرد. قرار بر این بود که صبح زود گفتگوها را شروع کنیم و تا حدود دو بعد از ظهر ادامه دهیم. بعد عصر هنگام دوباره جمع شویم. دستور اول کار آزمودن مجدد تمامی عامل ها و عناصر صحنه سیاسی ایران در پرتو اطلاعات جاری و اطلاعات درخوری بود که رئیس پایگاه تهران در اختیار ما قرار می داد. بعد از همه اینها، اصول راهنمایی که در پیش نویس آمده بود پذیرفته شد. بخش به بخش نقشه مورد تأمل قرار گرفت. هدف اجتماع، بررسی چگونگی قوت بخشیدن به هر بخش از نقشه بود. پس از بررسی های گروه، تغییری در دیدگاه ها ایجاد شد که موجب تقویت تمامی نظرات بعدی شد. در حقیقت در نقشه واکنشی در نظر گرفته شده بود که باید در قبال قوی ترین عناصر جانبدار مصدق، مثل رهبران ایل قشقائی، باید ابراز می شد. اما اکنون تصمیم گرفتیم که کوششهایمان صرف تقویت و توسعه نیروهای ضد مصدق شود. فرض راهنما این بود که حامیان مصدق زمانی که رهبرشان از صحنه خارج شد، واکنش نشان نخواهند داد.

رئیس پایگاه سیا در تهران پیشنهاد کرد که یک نقشه جانبی برای سرنگونی مصدق تهیه شود. بر طبق این نقشه، امینی - قشقائی محور قرار می گرفت. پایگاه سیا این نقشه را تا پایان موفقیت آمیز عملیات آژاکس زنده نگاه داشت.

بعد از ظهر روز شنبه، گروه آخرین جلسه خود را تشکیل داد و صبح روز بعد 14 ژوئن [24 خرداد]، افراد با هواپیما به مقصدهای چندگانه خود پرواز کردند.

34.....سرنگونی دولت مصدق

روزولت و ویلبر در 15 ژوئن [25 خرداد] وارد لندن شدند و در ساختمان شماره 54 خیابان برادوی⁴⁸ انتلیجنس سرویس گزارش کار را به رؤسای سازمان دادند. از پیش‌نویس کار-گروه در بیروت رونوشتی وجود ندارد. این بود که آنان بار دیگر وارد مشورت شده و پیش‌نویس «لندن» را تهیه کردند.

گفتگوهای لندن در یکی از اطاق‌های کنفرانس ساختمان شماره 54 خیابان برادوی انجام شد. در خور یادآوری است که در این اطاق بر تابلویی با رنگ قرمز نوشته شده بود: «میهمانان خود را مهارکن».

از طرف انتلیجنس سرویس افرادی همچون سرگرد موریس م. فیرس⁴⁹، نورمن و داربی شایر که از طریق ژنو و قبرس آمده بود، حاضر بودند. او در آنجا برای بار دوم اسدالله رشیدیان را قبل از بازگشتش به ایران دیده بود.

طبق برنامه، سرگرد پادی کین⁵⁰ که چند کشور خاورمیانه را در اداره خود داشت نیز در گفتگوها شرکت می‌کرد. مونتاگ وودهوس یکی از بالامقام‌ترین افسران انتلیجنس سرویس در یکی از ملاقات‌ها شرکت داشت اما نقش فعالی در این جریان بر عهده نداشت. از همان آغاز گفتگوها روشن شد که مقامات انتلیجنس سرویس تفسیر مهمی از نحوه تنظیم نقشه ندارند. درباره طرح تدوین شده در بیروت نیز حرفی جز اصلاح عبارت‌های آن نداشتند. همانطور که در نیکوزیا نمایان شد در لندن نیز معلوم گشت که آمریکائی‌ها مجازند نقشه را هرطور که صلاح بدانند اجرا کنند. با این وجود آشکار بود که آنها اعتماد زیادی به نقشه طرح شده و اجرای موفقیت‌آمیز آن داشتند. آنان می‌گفتند به برادران رشیدیان دستور خواهند داد که از فرامین پایگاه سیا در تهران به طور کامل اطاعت کنند.

48- Broadway

49- Firth

50- padi j.Keen

سرنگونی دولت مصدق..... 35

در دیدار نهائی، حاضران، رهبری آینده عملیات را بازبینی کردند. مقامات انتلیجنس سرویس گفتند آنها فکر می کنند مدتی وقت لازم است تا از حکومت‌های خود موافقت یا عدم موافقت با نقشه نهایی و اجرای آن را به دست آورند.

روزولت و ویلبر در 17 ژوئن [27 خرداد] لندن را ترک گفتند. روزولت ظهر روز 18 ژوئن [28 خرداد] به اداره تحت مسئولیت خود بازگشت. در آنجا نقشه بلادرنگ بازسازی و مدون شد. (متن آن در ضمیمه « شماره 2» آمده است. از خلال گزارش روزانه عملیات نیز می توان به این متن دست یافت.)^[۵۱]

51- گازیوروفسکی بدرستی خاطر نشان می کند که ویلبر شرکت کننده در تهیه و اجرای نقشه و نویسنده گزارش آن در ایرانی‌ها بدیده تحقیر می نگرد و مدعی است آنها توانائی طراحی نقشه و اجرای آن را ندارند.

اتخاذ تصمیمات و آغاز فعالیت‌ها

از هنگام دیدارهای بیروت و لندن که در فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی برگزار شد، یعنی از عزیمت تا بازگشت روزولت، مراکز فرماندهی، کار مهمی برای انجام نداشتند. با این وجود، آنان موفق به برقراری ارتباط نزدیک با وزارت خارجه شدند. این امر تنها افراد معدودی از وزارت خارجه اطلاع داشتند که عملیات تدارک دیده شده است و باید خاطر نشان کنیم که حفاظت اطلاعات تا لحظه شروع عملیات بسیار خوب پیش رفت.^{۵۲}

اداره یونان، ترکیه و ایران [در وزارت خارجا آمریکا] در دو مورد نظر خود را درباره طرح اعلام کرد: یکی، نوشته کاملاً سری به تاریخ 6 ژوئن 1953 [16 خرداد] با عنوان «پیشنهاد درباره تغییر حکومت در ایران» و دیگری کاملاً سری و بدون تاریخ و با عنوان «تدابیری که حکومت ایالات متحده برای حمایت از جانشین مصدق باید اتخاذ کند».

در مجموع وظایف افسران وزارت خارجه اتخاذ تصمیمات عالی و همه جانبه درباره کودتا منظور نشده بود. اما وزارت خارجه این همکاری را پذیرفت. باید از دولت انگلیس تضمین لازم گرفته می شد که تا زمانی که مسئله نفت حل نشده است درباره جانشین حکومت مصدق انعطاف پذیر باشد.

آقای لزلی هربرت میچل^{۵۳} مأمور سفارت انگلستان (نماینده انتلیجنس سرویس) و مأمور ارتباط با سیا، خود به این امر پرداخت و تضمینها را از حکومت انگلستان گرفت و همچنین پیش از تصویب طرح کودتا باید از طرف وزارت خارجه آمریکا کمک مالی درخوری برای اعطا به دولت جانشین مصدق معین شود. تضمینی لازم به شکل یک یادداشت^{۵۴} در

52- ویلبر در زیرنویس افرادی از وزارت خارجه آمریکا را که از نقشه کودتا بر علیه مصدق آگاه شده اند نام می برد جان فوستر دالس - وزیر خارجه و ژنرال والتر بدل اسمیت - معاون وزارت خارجه، هاریسون فریمن ماتیو - دستیار وزیر امور خارجه و هانری آ. بیروود - معاون دستیار وزیر امور خارجه - جان دورن فورد جنرگان - رابط و جیمز لمپتن بری.

53- Leslie Herbert Mitchell

54- memorandum

سرنگونی دولت مصدق..... 37

23 ژوئیه 1953 [1 مرداد 1332] توسط راجر ملور مکینس⁵⁵ از سفارت انگلستان، به معاون وزارت خارجه آمریکا تسلیم شد. (رونوشت آن ضمیمه شماره 3 این گزارش است.) به تاریخ 8 ژوئن، در واشنگتن گفتگوهای میان مقامات سیا و سفیر آمریکا در ایران - هندرسون - (او در سوم ژوئن برای مشورت آمده بود) شروع شد. (این مباحثات در یادداشت آمده‌اند). بنظر رسید که سفیر از عقاید پیشین خود عدول کرده‌است. نقشه بر اساس همکاری شاه ریخته شده بود. اما سفیر گفت بر چنین پایه‌ای نمی‌توان نقشه را اجرا کرد. زیرا تا زمانی که مجلس رأی تمایل ندهد شاه فرمان نصب زاهدی را به نخست وزیری صادر نخواهد کرد. سفیر که همواره همکاری صادقانه‌ای می‌کرد غرق در اندیشه یافتن پیشنهادهای سازنده بود و پذیرفت که بازگشت به تهران را به تعویق بیاندازد و به اروپا برود. حضور سفیر آمریکا در تهران در روزهای اجرای نقشه لازم به نظر نمی‌رسید. به‌علاوه این طور تشخیص داده شد که ادامه غیبت سفیر عاملی مهم در جنگی روانی است که بر علیه مصدق باید براه می‌انداختیم.

موافقت مقامات با طرح کودتا در تاریخ‌های زیر اخذ شد:

- رئیس سیا در 11 ژوئیه 1953 [20 تیر 1332]

- رئیس اتلیجنس سرویس در 1 ژوئیه 1953 [10 تیر 1332]

- وزیر خارجه انگلیس در 1 ژوئیه 1953 [10 تیر 1332]

- وزیر خارجه آمریکا در 11 ژوئیه 1953 [20 تیر 1332]

- نخست وزیر انگلستان 1 ژوئیه 1953 [10 تیر 1332] [56]

55- Roger Mellor Makins

56- رئیس جمهوری آمریکا در 11 ژوئیه 1953 [20 تیر 1332] برای آنکه خوانندگان آمران آمریکائی و انگلیسی کودتا را بشناسند، بجاست بدانند در انگلستان حزب محافظه کار و در آمریکا حزب جمهوریخواه بر سر کار آمده‌بودند. - رئیس سیا آلن دالس برادر جان فوستر دالس وزیر خارجه آمریکا بود. - رئیس اتلیجنس سرویس سرجان سینکلر. او از 1951 تا 1956 رئیس این سازمان بود. - وزیر خارجه انگلستان آنتونی ایدن بود.

38..... سرنگونی دولت مصدق

برای آنکه واپسین تصویب و یا رد طرح کودتا میسر شود پایگاه سیا مأموریت یافت بخشی از فعالیتهای مجاز برای انجام نقشه را آغاز کند. افزون بر اجازه رسمی در ماه آوریل که پایگاه سیا در تهران را قادر به هزینه یک میلیون دلار در حمایت از زاهدی می کرد. در 20 مه اجازه مخصوص به این پایگاه داده شد که هفته‌ای یک میلیون ریال (هر دلار آمریکا 90 ریال بها داشت) برای جلب حمایت نمایندگان مجلس ایران هزینه کند.

در اواخر ماه ژوئن پایگاه سیا با برادران رشیدیان تماس مستقیم برقرار کرد و نقش آنها و افرادی را که در تماس با آنها بودند در اجرای نقشه به آنها ابلاغ نمود.

در 22 ژوئن [1 تیر] در مراکز فرماندهی برای حمایت از عملیات و آماده سازی پایگاه سیا در تهران دو گروه همراه با شاخه چهار شعبه خاور نزدیک تشکیل شد. یک گروه به سرپرستی کارول که در اواسط ژوئن از نیکوزیا باز گشته بود، مأموریت یافت مطالعه گسترده‌ای درباره جنبه‌های نظامی عملیات بعمل آورد. (گزارش کارول درباره جنبه نظامی در ضمیمه چهارم این گزارش آمده است). هدف این بود که نقشه عملیات با زاهدی و هیئت نظامی برگزیده شده او، در میان گذاشته شود تا اگر تغییری را لازم می‌بینند، پیشنهاد کنند. در غیر اینصورت آن را تصویب کنند.

احساس می شد کوششی باید بعمل آید تا ایرانی‌ها پر حرف و اغلب غیر منطقی را به موضعی آورد که هر کس بداند عمل خاصی که انجامش از او خواسته شده چیست. زمانی که به معلوم شد ایرانی‌ها از حفظ امنیت اطلاعات در نخستین عملیات سرنگونی [25 مرداد] ناتوان هستند، صحت این احساس به اثبات رسید.

- وزیر خارجه آمریکا جان فوستر دالس بود.

- نخست وزیر انگلستان وینستون چرچیل بود.

- رئیس جمهوری آمریکا دوایت آیزنهاور بود.

گروه دیگر که ویلبر آنان را سرپرستی می‌کرد، مأموریت داشتند جنگ‌های روانی را برعهده بگیرد که جزئی از نقشه بودند. مدیریت این دو گروه و رابطه با پایگاه سیا در تهران در دست جان هنری والر^{۵۷} رئیس شاخه چهار شعبه خاور نزدیک بود.

در واسط ژوئن کارول به تهران رفت. او در لندن توقف کرد تا برنامه نظامی خود را با افسر انتلیجنس سرویس، نورمن داربی شایر، موضوع گفتگو کند. سرانجام او در 21 ژوئیه [30 تیر] به تهران رسید. گروه ویلبر رهنمودهای خود را از طریق تلگرامها و مکتوبات به پایگاه سیا ابلاغ می‌کرد. مضمون آنها گوشت دار کردن استخوان بندی جنگ روانی منظور در طرح کودتا بود. شمار قابل ملاحظه‌ای از مقالات ضد آمریکائی از سوی گروه نوشته و یا طرح‌های اولیه آن تهیه شد. در همان حال گروه هنری سیا مدام سفارشات مربوط به تهیه کاریکاتور و برنامه‌های رادیویی ضد مصدق را آماده می‌کرد. به‌علاوه هنرمندان مأموریت یافتند پوسترهایی را بکشند که در آن شاه زاهدی را به مردم ایران معرفی می‌کند. نوشته‌ها و تصاویر در 19 ژوئیه [28 تیر] با پست ویژه به تهران ارسال شد. در 22 ژوئیه [31 تیر] پایگاه سیا مواد تبلیغاتی را میان چندین عامل توزیع کرد. آنچه بر سر این نوشته‌ها و تصاویر آمد را در صفحات آینده تشریح خواهیم کرد.

در آن زمان دستور اجرای نقشه از مقامات ذیربط دریافت شد. بخش خاورمیانه سیا لایق‌ترین افراد را مأمور اجرا نقشه کرد: روزولت به‌عنوان مسئول بخش عملیات در تهران انتخاب شد. جان لویت^{۵۸} به نیکوزیا فرستاده شد تا با پایگاه انتلیجنس سرویس در تماس باشد و سه خط ارتباطی را که قبلاً ایجاد شده بود برقرار نگاه دارد. نایب سرهنگ استفن جانسون مید^{۵۹} مأموریت یافت که به نمایندگی از طرف سیا در پاریس با شاهزاده اشرف، خواهر پرنرزی شاه، در تماس باشد. ژوزف گودوین - رئیس پایگاه در تهران - مأموریت یافت نقش مسئول ستاد فرمانده عملیات - روزولت - را برعهده بگیرد. او نخست در

57- Jone Henry Waler

58- John H. Leavitt

59- Stephen Johnson Meade

40..... سرنگونی دولت مصدق

واشنگتن و سپس در تهران جورج کارول -رئیس اداره اطلاعات خارجی در تهران- را یافت و مسئولیت اجرای بخش نظامی عملیات را به او واگذار کرد.

دونالد ویلبر مأموریت یافت جنبه‌های تبلیغاتی را در طول عملیات برعهده بگیرد. برای تهیه مواد تبلیغاتی او از نزدیک با گروه هنری سیا کار کرد. جان والر که از مأموریت خود در مقام رئیس اداره اطلاعات خارجی در تهران باز می‌گشت مأموریت یافت که تا پایان عملیات تی.پی.آژاکس مسئولیت‌های اداره مرکزی سیا را در پشتیبانی از عملیات برعهده گرفت و رابط سیا با وزارت خارجه و وزارت دفاع شد. همچنین، روژه گوئیران، رئیس پیشین پایگاه سیا در تهران، که روزهای اجرای نقشه آژاکس در تهران حضور نداشت، مراحل اولیه عملیات را در تهران رهبری کرد.

در اینجا باید خاطر نشان کنیم که آقای گوئیران بیشتر از هر افسر دیگری، بمدت پنج سال، پایگاه را از توانائی‌ها و امکاناتی برخوردار کرده بود که ارزش و ضرورت آنها در حین عملیات آشکار شد.

اعمال فشار بر شاه

از همان روزهای اول معلوم شد که با توجه به مردد بودن شاه، وی باید تحت فشار قرار بگیرد تا نقش خاص خود را بازی کند. این بود که در نقشه تدابیری منظور شد تا او را یکبار برای همیشه از ترس بیمارگونه‌اش از «دست پنهان انگلیس» آزاد کنند و او را مطمئن سازند که انگستان قویاً از او حمایت خواهد کرد و هر دو کشور بر اصل، مصدق باید برود، مصمم شده‌اند. این بخش از کار، چنان فشاری بر شاه وارد کرد که او امضاء آن را بهتر از امتناع دید.

در 23 ژوئن تاریخ‌هایی که باید پیام‌های عملیات به شاه ارسال شود تعیین شد. در همان تاریخ‌های تعیین شده، پیامها ارسال شد.

اولین قدم توجه والا حضرت اشرف بود که تصور می‌شد در آن تاریخ در پاریس باشد. قرار شد در حوالی 10 ژوئیه [19 تیر] با پاریس تماس گرفته شود و او در حدود 20 ژوئیه [29 تیر] به تهران بازگردد و پیام را به شاه تسلیم کند.

اسدالله رشیدیان که هنوز در ژنو بود، مأموریت یافت به او تلفن کند و او را برای دیدار با داربی شایر - مأمور انتلیجنس سرویس - و مید - مأمور سیا - آماده کند (انتلیجنس سرویس مراکز فرماندهی را مطمئن کرده بود که این تلفن در هر زمان ممکن است). در 10 ژوئیه [19 تیر] مید با هواپیما وارد لندن شد و بلافاصله باتفاق داربی شایر به پاریس رفتند. امر پیش‌بینی نشده‌ای روی داد: والا حضرت اشرف در پاریس نبود. تا 15 ژوئیه [24 تیر] طول کشید تا که اسدالله رشیدیان او را در ریویرا^۶ ملاقات کند. اسدالله رشیدیان گزارش کرد که او بهیچ وجه علاقه‌ای برای انجام نقش پیشنهادی از خود نشان نداد. با وجود این، روز بعد نمایندگان «رسمی» با او دو ملاقات داشتند. او پذیرفت هر کاری که از او بخواهند انجام دهد. اشرف گفت که ورود او به تهران واکنش شدید مطبوعات طرفدار مصدق را به همراه خواهد داشت و امیدوار است توان خود را به کار ببریم و آن را خنثی کنیم. مید به لندن

42..... سرنگونی دولت مصدق

بازگشت و گزارش این دیدار را به روزولت و لویت ارائه کرد. سپس به پاریس بازگشت و تا عزیمت اشرف به تهران در تماس نزدیک با او باقی ماند.^[۶۱]

اشرف همچون یک مسافر عادی با هواپیمای مسافربری در 25 ژوئیه [3 مرداد] وارد تهران شد. همانطور که پیش‌بینی شده بود بازگشت بدون اجازه او به تهران طوفانی واقعی برانگیخت. نه از شخص شاه و نه از حکومت مصدق اجازه بازگشت به تهران را درخواست نکرده بود. در نتیجه هر دو خشمگین بودند. شاه نپذیرفت او را ملاقات کند اما پذیرفت نامه‌ای که اشرف آورده بود بواسطه سلیمان بهبودی^[۶۲] دریافت شود. بهبودی در طی این دوره تبعیت کامل خود از دربار را به اثبات رسانید. نامه این مضمون را در برداشت:

ژنرال شوارتسکف برای دیدار شاه به تهران خواهد آمد. او نیز بهمان شیوه به تهران می‌آید که اشرف آمده است. شاه از خبر آمدن این ژنرال خوشحال شد و حسن استقبال کرد و خواهر خود را نیز در عصر 29 ژوئیه [7 مرداد] به حضور پذیرفت. یک دیدار طوفانی آغاز شد اما با آشتی پایان پذیرفت. روز بعد اشرف با هواپیما به پاریس بازگشت. او برابر یک نقشه حساب شده از کشور خارج شد اما به مطبوعات طرفدار مصدق اینطور وانمود شد که او بر اثر واکنش مطبوعات طرفدار مصدق ناگزیر شده است از ایران خارج شود.⁶³

۶۱- مطالعه مید درباره رفتار و شخصیت اشرف در فایل آژاکس موجود است.

۶۲- سلیمان بهبودی در این زمان عامل اتلیجنس سرویس در دربار و رئیس بیوتات سلطنتی بود. (نام او در متن سیاه شده است.)

۶۳- در این زمان فرستاده دوم، اسدالله رشیدیان عامل اصلی اتلیجنس سرویس، وارد صحنه شد. برابر نقشه وظیفه نخست رشیدیان این بود که شاه را قانع کند که او "سخنگوی رسمی حکومت انگلستان" است. برای آنکه شاه مطمئن شود او این جمله کلیدی را انتخاب کرد و قرار شد در تاریخ معینی بخش فارسی رادیو بی بی سی آن را در برنامه خود پخش کند. در لندن داریبی شایر اقدامات لازم را بعمل آورد تا این جمله حساس از بی بی سی پخش شود. شاه در ۳۰ ژوئیه [۹ مرداد] و بار دیگر در ۳۱ آن ماه اسدالله رشیدیان را بحضور پذیرفت. او جمله مذکور را از بی بی سی شنیده بود. با این وجود، او می‌خواست با وقت کشی وضعیت را بسنجد. با این همه اسدالله رشیدیان توانست

برخی از حوادث 21 ژوئیه [30 تیر] ضربه‌هایی شد که محافظه کارترین عناصر را که سخت از مصدق حمایت کرده بودند بیدار نمودند. تظاهرات در سال روز 30 تیر روز قیام بر ضد حکومت قوام و کوشش‌هایی بعمل آمد که بقصد حل مشکل نفت انجام می‌گرفتند. بر همگان مسلم بود که جمعیتی را که حزب توده گرد آورده بود به مراتب از جمعیتی که جبهه ملی گرد آورده بود، بیشتر به نظر می‌رسید. این وضع اعلان خطر به افکار عمومی بود. با این مضمون که حزب توده در حکومت مصدق قدرت زیادی به دست آورده است.

در این زمان، افراد پایگاه سیا در چندین جبهه فعال بودند. کار زار تبلیغاتی بر علیه مصدق شتاب و وسعت می‌گرفت. به [عباس مسعودی^{۶۴}] صاحب روزنامه [اطلاعات^{۶۵}] مبلغ

شاه را برای ملاقات با فرستاده آمریکا -ژنرال شوارتسکف- آماده کند. او تأکید کرد که این فرستاده نیز همان پیام را به او خواهد رساند تا تضمین مضاعفی بر همکاری نزدیک انگلستان و آمریکا در اجرای طرح کودتا باشد. شوارتسکف را مدیران اجرائی نقشه از آن رو بر گزیده بودند که او در ایران دوستانی داشت و از احترام شاه برخوردار بود. او در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۳۲۳/۱۹۴۸-۱۳۳۰، رئیس هیأت مستشاران آمریکا در ژاندارمری ایران بود. در ۲۶ ژوئن ۱۹۵۳ [۵ تیر ۱۳۳۲] جان والر رئیس شاخه چهار شعبه خاور نزدیک بنزد او رفت. در ۱۹ ژوئن در اداره مرکزی سیا توجیه شد. او با کمال میل مأموریت را پذیرفت. او گفت او این شهرت را دارد که حقایق ناخوش آیندی را که دیگران از شاه پنهان می‌کردند به او می‌گفت. او مطمئن بود که می‌تواند موافقت شاه را با پیشنهادی که مأمور دادنش به شاه بود به دست می‌آورد. به شوارتسکف مأموریتی پوششی داده شد. او مأمور سرکشی کوتاهی از لبنان و پاکستان و مصر شد تا که بازدیدش از تهران توقف کوتاهی بر سر مقصد اصلی تلقی شود. شوارتسکف در ۲۱ ژوئیه آمریکا را بقصد بیروت ترک گفت.

مأموریت شوارتسکف این بود که از شاه دو فرمان و یک نامه را بگیرد که در طرح کودتا به طور کامل تشریح شده بودند. این دو فرمان و یک نامه عبارت بودند از: ۱ - فرمان نصب زاهدی به ریاست ستاد ارتش و ۳ - فرمان خطاب به تمامی ارتشیان در تمامی سلسله مراتب بر حمایت از رئیس ستاد قانونی. نامه نیز خطاب به زاهدی بود و حاکی از اعتماد کاملش به او. این نامه در قانع کردن افسران برای شرکت در عملیات کودتا بنام و بخاطر شاه برگ برنده‌ای برای زاهدی بود. احساس شد آسان‌تر می‌توان شاه را به صدور این فرمان‌ها قانع کرد تا صدور فرمان عزل مصدق. باور بر این بود که اقدام برای جانشین کردن حکومت مصدق با حکومتی دیگر از طریق مجلس انجام خواهد شد.

44..... سرنگونی دولت مصدق

45 هزار دلار قرض شخصی داده شد. باور بر این بود که او روزنامه خود را در جهت اهداف ما قرار دهد. اداره مرکزی اصول تبلیغاتی را تهیه و از طریق پایگاه سیا در اختیار اسدالله رشیدیان قرار می داد.

در پایان ماه یک کارزار کاملاً مجزا که برنامه خاصی داشت، به سود شاه و بر ضد مصدق در آذربایجان بعمل آمد. یک نقشه موازی و جانبی برای ایجاد ارتباط نزدیک با گروه برای انحراف توجه به نقشه تی پی آژاکس و کشف نقشه ها به قوت خود باقی ماند. گفتگو با [۴۴] ادامه یافت. پایگاه سیا در فرصتی مناسب پیشنهاد کرد یکی از برادران رشیدیان به این منطقه فرستاده شود و اداره مرکزی بلافاصله در صدد بر آمد وسیله این سفر را تدارک ببیند. انتلیجنس سرویس که از این گفتگوها آگاه بود، پیشنهاد داد که تسهیلات خود را برای ایجاد شورش در عشایر در اختیار بگذارد.

۶۶- علامت های سؤال داخل پرانتزها مربوط به قسمتهایی است که در گزارش سیا سیاه شده اند. اما می دانیم که در منطقه اصفهان و با بختیاریها گفتگوها انجام می شده اند. بنابراین، به احتمال زیاد منطقه منطقه بختیاری است و گفتگوها با خانهای بختیاری انجام می گرفته اند و انگلیسها در این منطقه می خواسته اند عصیان براه بیاندازند. یکبار نیز به سردستگی ابوالقاسم بختیاری یاغیان به یاغی گری برانگیختند. اما کریمت روزولت که عملیات کودتا را رهبری می کرده است در کتاب خود «ضد کودتا» از مأموریت گودوین و ملاقات محرمانه اش با خسرو و محمد حسین قشقائی در روز ۲۷ خرداد خبر می دهد. محمد ناصر صولت قشقائی رئیس ایل قشقائی در خاطرات خود می نویسد که گودوین پیشنهاد کرده بود پنج میلیون دلار بگیرد و زاهدی را به ایل قشقائی ببرد و در آنجا فرمان نخست وزیری را که شاه بنام زاهدی صادر کرده اعلان کنید و زاهدی را بردارید بیاید به سمت تهران. دو نفر از خودتان وزیر بشوید و یک نفر هم سفیر. کلیه اختیارات فارس و جنوب هم با شما. ماهی پنج میلیون دلار هم می دهیم تا مرتب از آن سهم بگیرید.

دو برادر او پاسخ می دهند ما با مصدق همکاری کرده ایم و نمی توانیم به او خیانت کنیم. این مراجعه روز ۲۷ مرداد انجام گرفته و ربطی به پیشنهاد انتلیجنس سرویس پیدا نمی کند برای رهبری کودتا سیا و انتلیجنس سرویس به چند شخصیت نظامی همچون سرتیپ محمود امینی مراجعه کرده بودند. در آن زمان سرتیپ امینی فرمانده ژاندارمری بود و نپذیرفت در کودتا شرکت کند.

اکنون دیگر پایگاه سیا در تماس مستقیم با زاهدی بود. در 21 ژوئیه [30 تیر] او از تحصن مجلس بیرون رفته بود. بعد از چند دیدار گوئیران رئیس پایگاه که مقام خود را ترک می‌گفت و گودوین، رئیس جدید آن، گزارش دادند که زاهدی فاقد توان رهبری، انرژی و نقشه مشخص است. هر دو به این نتیجه رسیدند که زاهدی باید مستقیماً تحت نظارت قرار گیرد و برنامه‌های لازم، باید برای او تنظیم شود.

تا تاریخ 26 ژوئیه [4 مرداد] افرادی که نقش کلیدی را در اختیار داشتند در محل‌های خود مستقر شدند، روزولت و شوراتسکف در تهران بودند. لویت بمدت چند روز در نیکوزیا ماند و سفیر آمریکا در تهران -لوی هندرسون- به سالزبورگ آمده بود. او در آنجا دو هفته با نگرانی کامل کار با گروه را ادامه داد. در نیکوزیا، لویت با کفایت کار اطمینان دادن به مقامات انتلیجنس سرویس را به انجام رساند. آنها به طور مدام می‌گفتند بقدر کافی و به طور منظم اطلاعات دریافت نمی‌کنند. مقارن این احوال مقامات سیا یک سری پیشنهادهای ارزشمندی را از لندن دریافت و در اختیار دیگران گذاشتند. در میان این اطلاعات نقشه‌هایی با تمام جزئیات برای از کار انداختن مراکز تلفن وجود داشت.

با ورود روزولت به تهران، وضعیت بار دیگر مورد مطالعه قرار گرفت. به‌عنوان بخشی از اجزای جنگ روانی بر علیه مصدق مقرر شد مقامات بلند پایه آمریکا تماس خود را با مقامات بلند پایه حکومت مصدق کم کنند. از ویلیام وارن رئیس اصل چهار آمریکا در ایران خواسته شد تماس‌های معمولی خود را با حکومت کم کند. از مسئول هیأت مستشاران آمریکا خواسته شد با افسرانی که در حمایت از مصدق استوار بودند رفتار غیر دوستانه‌ای در پیش بگیرد. در این مرحله مقرر شد محتوا و تعداد فرمان‌ها و نامه‌ای که شاه باید امضاء می‌کرد تغییر داده شوند. قرار شد شاه تنها یک فرمان صادر کند و آن فرمان نصب زاهدی به ریاست ستاد ارتش بود و نیز نامه‌ای بنویسد که اعتراضی بود به عمل غیر قانونی حکومت در انجام فراندوم درباره انحلال مجلس.

همان‌طور که ماه ژوئیه به پایان می‌رسید افراد پایگاه سیا مأمور جنگ تبلیغاتی بر علیه مصدق فعالیت ضد مصدقی سیاستمدارانی را گزارش کردند که پیش از آن حامی مصدق بودند. (۴) [۶۷]

از اظهارات آیزنهاور در کنفرانس مطبوعاتی استفاده بهینه بعمل آمد. به پیشنهاد سیا او این اظهارات را بعمل آورد. وسعت گرفتن فعالیت‌های حزب غیر قانونی کمونیست در ایران و رویه اغماض حکومت در قبال آن موجب نگرانی دولت آمریکا است. این وضعیت اعطای کمک به ایران را بسیار مشکل می‌کند. در خواست شد مطبوعات آمریکا و کارزار مطبوعاتی بر علیه مصدق را منعکس کنند و مقاله‌هایی را که افراد گروه جنگ تبلیغاتی تهیه می‌کردند منتشر کنند.

در 1 اوت [10 مرداد] دو روز بعد از آنکه شاهزاده اشرف ایران را ترک گفت و شاه جمله‌ای را شنید که بی بی سی پخش کرد جمله‌ای که باید او را قانع می‌کرد اسدالله رشیدیان سخنگوی انگلستان است شوارتسکف ملاقاتی طولانی با شاه بعمل آورد. شاه از ترس اینکه میکرفونها کار گذاشته شده باشند ژنرال را به اطاق بزرگ رقص برد. در وسط آن میزی گذاشته شده بود و دو صندلی. هر دو نشستند. شاه از امضای فرمان و نامه امتناع کرد. عذرش این بود که از وفاداری ارتش اطمینان کامل ندارد. به علاوه او باید پیشاپیش تک تک وزیران حکومت جانشین (زاهدی) را تصویب کند و او باید وقت داشته باشد تا خود ارزیابی شخصیش را از احتمال موفقیت یا شکست کودتا بعمل آورد. شاه گفت اگر مصدق از طریق فرماندوم مجلس را منحل کند بر طبق قانون اساسی او اختیار کامل پیدا می‌کند مصدق را عزل و نخست وزیری را که خود بر می‌گزیند، جانشین او کند. این دیدار

67- علامت سؤال داخل پرانتز اسامی هستند که سیا آن‌ها را سیاه کرده است. اما طرفداران مصدق که به مخالفت برخاسته بودند و در کودتا نقش بازی کردند عبارت بودند از مظفر بقائی و ابوالحسن حائری زاده، حسین مکی، علی زهری، عبدالقدیر آزاد و شمس قنات آبادی. به ترتیبی که قسمتهای بعدی گزارش سیا روشن خواهند کرد از اینان نقش افرادی همچون بقائی مستقیم و بسیار تعیین کننده بوده است.

سرنگونی دولت مصدق..... 47

با یک رشته دیدارها دنبال شد. تعدادی از آنها میان روزولت و شاه و بعضی دیگر میان رشیدیان و شاه. در این دیدارها فشارهای سختی بر او وارد می‌شد تا مگر بر رفتار متزلزل و بی‌ارادگی شاه غلبه شود.

در دو اوت [11 مرداد] روزه گوئیران که در خدمت طولانی خود تجربه‌های ارزشمندی تحصیل کرده بود، تهران را ترک گفت تا در اداره مرکزی سیا مشغول خدمت شود. با آنکه دانش او در مرحله تهیه نقشه تی.پی.آژاکس بیش از آن به کار آمد که بتوان ارزیابی کرد، بنظر رسید که عزیمت او در این موقع می‌تواند عامل مهمی در جنگ روانی بر علیه مصدق باشد و بهنگام اجرای نقشه توان مقابله را آن را کاهش می‌دهد]^{۶۸}

در این وقت گوردن هانری ماتیسون^{۶۹} مستشار سفارت آمریکا در تهران و روی ملکم ملبورن^{۷۰} مأمور سیاسی ارشد درباره نقشه تی.پی.آژاکس توجیه شدند و با رزانت همکار گشتند. ماتیسون در مصاحبه با (؟) رهنمود پایگاه سیا را در کوشش موفق برای منصرف کردن توجه گروه (؟) از نقشه تی.پی.آژاکس به کار برد.^{۷۱}

در طول این دوره مصدق همچون همیشه در حال آماده باش می‌کوشید ابتکاری در کار آورد و قرار از مخالفان روز افزون خویش بستاند. توجه او به مجلس منعطف شد. در مجلس مخالفان قوت می‌گرفتند. در 14 ژوئیه [23 تیر] او از نمایندگان حامی حکومت خواست استعفاء کنند. تنی چند از نمایندگان که بی طرف و یا مخالف جدی او بودند نیز استعفاء کردند. در جمع 28 تن استعفاء کردند. اداره مرکزی اصرار ورزید نمایندگان

68- گازیوروفسکی یادآور می‌شود که برغم نقشی که گوئیران در تدارک مقدمات کودتا بازی کرده بود با کودتا موافق نبود. از این رو او را تغییر دادند. غیر از او دو تن از متخصصان ایران در سیا نیز با کودتا مخالف بودند.

69- Gordon Henry Mattison

70- Melbourne Roy Malcolm

71- اگر مراد همان گروه و اشخاصی باشند که بر طبق «در طرح موازی» سیا با آنها ارتباط گرفته است پیش از این در باره‌شان توضیح داده شد.

مخالف مصدق تشویق شوند بر مقام نمایندگی خود باقی بمانند و در مجلس متحصن^{۷۲} شوند. تدبیری که ساخته و پرداخته شد، این بود که نمایندگان که استعفاء نداده‌اند مجلس قانونی را تشکیل می‌دهند. این تدبیر تا حدودی از عوامل تقویت باور مصدق به لزوم انحلال مجلس شد. عمل انحلال مجلس، او را دیکتاتور بلامنازع ایران می‌کرد. بخصوص که در دوره اختیارات او چند ماه باقی مانده بود. با این وجود، بر طبق قانون اساسی، تنها شاه اختیار انحلال مجلس را داشت و مصدق برای انحلال مجلس باید راهی می‌جست. راه حلی که او یافت، فراندوم بود. در آن مردم به پاسخ آری یا نه با انحلال مجلس موافقت یا مخالفت می‌کردند. فراندوم به طور آشکار و ملموس قلابی بود. [۷۳] در 4 اوت فراندوم در سراسر

72- در اصل سند کلمه بست آمده است و در پرائنز پناهنده سیاسی معنی شده است.

73- چند تذکر مهم:

1- از آن زمان تا امروز کودتا کنندگان و آنها که گمان می‌کنند اگر فراندوم نمی‌شد کودتا نیز انجام نمی‌گرفت بر غیر قانونی بودن همه پرس‌های اصرار می‌ورزند. آیا در قانون اساسی سابق همه پرس‌ها منع شده بود؟ خیر. آیا در حقوق «اصل اباحه» وجود ندارد و بنا بر این اصل، آنچه ممنوع نشده مباح نیست؟ و آیا بنا بر آن قانون اساسی حاکمیت با مردم کشور نبود و فراندوم یکی از مهمترین روشهای ابراز این حاکمیت نیست؟ چرا. بنابراین، فراندوم قانونی بود.

2- اما همانطور در این بخش از گزارش می‌خوانیم و در قسمت‌های دیگر آن نیز خواهیم خواند سیا و انتلیجنس سرویس در کار خریدن نمایندگان مجلس بوده‌اند. بنابراین، عزل مصدق از سوی مجلس غیر محتمل نبوده‌است. مصدق خود گفته است 30 تن از نمایندگان را خریده بودند. می‌توانستند 10 نفر دیگر را نیز بخرند. بنابراین، از نقشه و کار آمریکا و انگلیس آگاه بود.

3- گزارش سیا آرای موافق را حدود دو میلیون نفر ذکر کرده‌است. همه پرس‌ها که در آن تقلب نمی‌شد در آن زمان بیشتر از این رأی دهنده پیدا نمی‌کرد. زیرا الف - زنان حق رأی نداشتند و ب - شهرها رأی دادند و ج - محدودیت سنی وجود داشت و د - رأی قلابی به صندوقها ریخته نشد.

4- بر خلاف ادعای سیا شاه حق انحلال مجلس را نداشت. بعد از تیر اندازی به شاه در 15 بهمن 1327 مجلس مؤسسانی قلابی تشکیل دادند و آن مجلس اختیار انحلال مجلس را به شاه داد. مصدق نه آن مجلس و نه آن اختیار را پذیرفت. بمحض انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شانزدهم نخستین کارش ارائه طرح کان لم یکن اعلام کردن مجلس مؤسسان قلابی و مصوبات آن بود.

کشور انجام شد. حدود دو میلیون «آری» گفتند و چند صد نفر نیز «نه» گفتند. این مانور آن سان که مصدق پیش‌بینی کرده بود قرین موفقیت نشد و روشن بود که نقض قانون اساسی نیز شده است. رفراندوم و نتایج آن فرصت و مجوزی را فراهم کرد تا که مطبوعات مخالف مصدق که تحت اداره سیا و انتلیجنس سرویس بودند او را آماج حملات سخت و بی‌رحمانه خود کنند. عمل رفراندوم اعلان خطری شد به با ثبات‌ترین عناصر جامعه که وطن دوست بودند اما اینگونه نقض تقلب‌آمیز قانون اساسی را نیز بر نمی‌تافتند.⁷⁴

در طول روز رفراندوم پایگاه سیا گزارش وضعیت را با جزئیات آن می‌داد. کوششهای متعدد عاملان پایگاه در بهره‌برداری از غیر قانونی بودن این رفراندوم پیش و در روز همه پرسسی گزارش شد و نیز همه اظهاراتی که از سوی رهبران مذهبی بعمل آمد بر غیر قانونی بودن رفراندوم تأکید داشتند. پایگاه خاطر نشان کرد که بیست نشریه مخالف سختی را با مصدق بعمل می‌آورند و پانزده کاریکاتور ضد مصدق که سیا تهیه کرده بود در هفته رفراندوم در این مطبوعات انتشار یافت.

مصدق از علت آمدن اشرف به تهران آگاه شد و لازم دید طرح کودتا با شتاب بیشتری

صورت گیرد

در 4 اوت [13 مرداد] به پایگاه سیا اطلاع داده شد که مصدق از علت واقعی سفر اشرف به تهران آگاه شده است. افراد حاضر این احساس را داشتند که باید عملیات را بسیار سریع آغاز کنند. در 4 اوت [13 مرداد] هندرسون سفیر آمریکا در تهران از سالزبورگ راهی تهران شد. قرار بود در 9 اوت [18 مرداد] او در بیروت با لویت دیدار کند. ما او را متقاعد کرده بودیم مراجعت خود را به تأخیر بیاورند. اما اکنون باید بدون اتلاف وقت دست به کار می‌شدیم. در همین روزها هندرسون و مقامات رسمی وزارت خارجه و مقامات

74- این اظهار نظر دونالد ویلبر است و حقیقت تاریخی ندارد و سندی ارائه نشده است.

50..... سرنگونی دولت مصدق

وزارت خارجه انگلستان اظهاریه‌هایی را آماده می‌کردند که در صورت موفق شدن عملیات تی.پی.آژاکس، دو دولت باید بعمل می‌آوردند.

ملاقات با شاه در تهران ادامه داشت. در 2 اوت [11 مرداد] اسدالله رشیدیان طرح عملیات را مو به مو برای شاه تشریح کرد. او گزارش داد که شاه پذیرفت است مصدق را برکنار و زاهدی را به نخست وزیری و جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب کند. شاه همچنین پذیرفت که سرلشگر و ثوق را به عنوان مسئول ستاد انتخاب کند. در 3 اوت [12 مرداد] روزولت دیدار طولانی و بی نتیجه‌ای را با شاه به عمل آورد. آخرین جمله هایش به شاه این بود که او یک ماجراجو نیست، امروز اقبالی روی آورده که نباید آن را از دست داد. روزولت یادآوری نمود که راه دیگری برای تغییر حکومت وجود ندارد. اکنون دیگر یک طرف مصدق و قوه او است و طرف دیگر شاه است با ارتشی که هنوز با او است اما زود است که از او روی گرداند. سرانجام روزولت به شاه گفت که او چند روز دیگر می‌ماند بدان امید که شاه تصمیم مثبتی بگیرد و بعد ایران را ترک کند. اگر شاه از اتخاذ تصمیم طفره برود، ایران را بسوی کمونیسم می‌کشاند و ایران را به کره دوم تبدیل خواهد کرد. روزولت از مجموع گفته‌های خود نتیجه گرفت که حکومت آمریکا حاضر نخواهد بود فرض کمونیستی شدن ایران را بپذیرد و نقشه دیگری را به اجرا گذارد.

در آخرین دیدار شاه با روزولت، شاه تقاضا کرد روزولت از پرزیدنت آیزنهاور درخواست کند که اطمینان‌های لازم را به شاه بدهد که اقدام به برکناری مصدق کار مناسبی است. روزولت به او گفت این درخواست را به اطلاع رئیس جمهوری آمریکا خواهد رساند اما مطمئن است که رئیس جمهوری رفتاری را اتخاذ خواهد کرد که نیات آمریکا بر شاه روشن شود. از خوش اقبالی و به طور کاملاً اتفاقی رئیس جمهوری در زمان سخنرانی برای فرمانداران ایالات آمریکا، در 4 اوت [12 مرداد] به وضعیت ایران نیز اشاره کرد و گفت: «آمریکا دست روی دست نمی‌گذارد تا ایران به پشت پرده آهنین برود.» روزولت از اظهارات رئیس جمهوری بهره گرفت و به شاه گفت که در حقیقت احساس

کرد، دادن اطمینان راجع به رفتار آمریکا نسبت مصدق، ضروری نخواهد بود. اما بیان او درباره ایران در کنوانسیون فرمانداران به این دلیل بعمل آمد که رضایت خاطر شاه را جلب کند. در پایان شاه گفت که موضوع را از نو با رشیدیان موضوع بحث قرار می‌دهد. در تلگرافی روزولت در توصیف این دیدار می‌نویسد که باور او این است که اگر بدون شاه، نقشه به اجرا گذاشته شود، اطمینان بیشتری به اجرای موفقیت آمیز آن وجود دارد و باید تصمیم گرفت که آیا در دو و سه روز آینده واپسین فشار به شاه وارد شود و یا اجرا نقشه ده روز به تأخیر انداخته شود تا شاید شاه موافقت خود را اعلام کند.

در 7 اوت [16 مرداد] رشیدیان از نو با شاه ملاقات کرد. شاه موافقت کرد عملیات در شب 10 اوت یا دیرتر انجام بگیرد. در 8 اوت [17 مرداد] روزولت بار دیگر با شاه دیدار کرد. او با بی ارادگی شاه مبارزه کرد. شاه پذیرفت افسران برگزیده‌ای در عملیات شرکت می‌کردند زبانی به این کار تشویق کند. بعد او گفت می‌خواهد به رامسر برود. می‌گذارد ارتش بدون اطلاع رسمی او عمل کند. اگر عملیات موفق شد او زاهدی را به نخست وزیری نصب می‌کند. در 9 اوت [18 مرداد] رشیدیان به نوبه خود با بی ارادگی شاه مبارزه کرد و گزارش کرد که شاه می‌خواهد در 12 اوت به رامسر برود. پیش از آن می‌خواهد زاهدی و افسرانی را که در عملیات نقش کلیدی دارند بحضور بپذیرد و به آنها بگوید زاهدی را به نخست وزیری برگزیده‌است.

در 10 اوت [19 مرداد] سرهنگ حسن اخوی شاه را ملاقات کرد و اسامی افسران که حاضر بودند با دریافت دستوری از شاه وارد عملیات شوند، را به او داد. شاه از نو اعلان کرد که با اجرای نقشه موافق است اما هیچ نوشته‌ای را امضاء نمی‌کند. اخوی به این تصمیم اعتراض می‌کند. [75]

75- سرهنگ نصیری رئیس گارد «شاهنشاهی» و همزمان با او سرهنگ اخوی دستگیر می‌شوند. بر طبق قول فردوست، نصیری را سرهنگ اخوی معرفی کرده‌است. اخوی در رکن دوم ستاد ارتش همکار سرتیپ سیاسی رئیس رکن دوم ستاد بوده‌است و هر دو در کودتا شرکت داشته‌اند.

از نو شاه به دنبال رشیدیان فرستاد تا این امر مهم را با او موضوع بحث کند. رشیدیان پیامی از سوی روزولت برای شاه برد که اگر او در همین روزها تصمیم نگیرد روزولت با بیزاری تمام ایران را ترک خواهد گفت. در پایان گفتگوها شاه گفت که فرمان‌ها را امضاء می‌کند. زاهدی را می‌بیند و بعد به رامسر می‌رود. اما برغم قول به رشیدیان برای امضاء، شاه حاضر نشد. ولی قول داد بمحض اینکه نامه‌ها آماده و برای او به رامسر فرستاده شوند، امضایشان می‌کند.

بعد از بحث میان روزولت و رشیدیان، قرار شد به نقشه اصلی تی.پی.آژاکس باز گردند که در لندن تهیه شده بود. یعنی شاه دو فرمان را صادر کند. یکی فرمان عزل مصدق و دیگری فرمان نصب زاهدی به نخست وزیری. رشیدیان و بهبودی رئیس دفتر شاه و عامل قدیمی انگلستان مدارک را آماده کردند و در 12 اوت [21 مرداد] سرهنگ نصیری رئیس گارد شاهنشاهی فرمان‌ها را به رامسر بردند.

در همین زمان جنگ روانی بر علیه مصدق به حداکثر شدت خود رسیده بود. روزنامه‌های تحت کنترل همه بر علیه مصدق تبلیغ می‌کردند. دو نشریه (؟) تحت هدایت پایگاه سیا مطالبی را چاپ می‌کردند که پایگاه آنها را مفید تشخیص می‌داد. [۷۶]

عمال سیا توجه جدی به نگران کردن رهبران مذهبی تهران از خطر به کار می‌برد. بنام حزب توده نامه‌های تهدیدآمیز تهیه و برای آنها می‌فرستاد. آنها مورد تهدید قرار می‌گرفتند که اگر بر ضد مصدق عمل کنند، بشدت تنبیه خواهند شد. بنام حزب توده آنها را تهدید

اما مصدق در دادگاه نظامی فرمایشی می‌گوید، کسی به او تلفن کرده و کودتا و اسامی شرکت کنندگان در آن را به او داده است. سرهنگ بزرگمهر این شخص را محمدحسین آشتیانی معرفی کند که افرادی از خانواده‌اش با دربار پهلوی و اشرف پهلوی مراد داشته‌اند و او از زبان آنها بوجود کودتاچیان و هویت آنها پی برده است.

76- دورتر فهرست روزنامه نگارانی را که با سیا و انتلیجنس سرویس در کودتا همکاری کرده‌اند آورده‌ایم. اما این دو روزنامه می‌توانند روزنامه داد به صاحب امتیازی ابوالحسن عمیدی نوری و آتش به صاحب امتیازی سید مهدی میراشرافی باشند. چرا که این دو خود گفته‌اند در کودتا نقشی فعال می‌داشته‌اند. تا جایی که عمیدی نوری زمانی که اطلاع پیدا می‌کند هندرسون نزد مصدق می‌رود، نگران می‌شود مبدا آمریکا از اجرای طرح کودتا منصرف شود!

تلفنی نیز می کردند و یکی از چند طرح، بمب گذاری در خانه های این رهبران مذهبی بود.
[^{۷۷}]

دیرگاه عصر 13 اوت [22 مرداد] سرهنگ نصیری با در دست داشتن فرمان هایی که شاه امضاء کرده بود به تهران بازگشت و آنها را به زاهدی تسلیم کرد. بنابراین قول او (که هیچگاه تأیید نشد) سرانجام این ثریا بود که شاه را قانع کرد فرمانها را امضاء کند. اگر این امر راست باشد ثریا متحدی بوده است بکلی دور از انتظار[^{۷۸}].

77- نامه های تهدیدآمیز از سوی تعدادی از مرتجعین تهیه و برای روحانیان طراز اول شهرهای کشور و تهران و قم می فرستاد. در این دستگاه شخصی بود به اسم سید ابراهیم ابطی معروف به سید ابراهیم جزوه کش که این نامه ها در خانه او تهیه و به نقاط مختلف فرستاده می شد. البته در تمام مدت حزب توده که گویا «بزرگ ترین سازمان سیاسی» بود در خواب بود!

این امر که شاه از عمل مستقیم حمایت می کند با تشویق سیا و «گروه سرهنگها» بسرعت پخش شد. زاهدی عامل اصلی پایگاه سیا سرهنگ عباس فرزندگان را دید و او را افسر رابط خود با آمریکائی ها گرداند و نیز نماینده او شد در دفتر مجری طرح کودتا. بعد فرزندگان سرلشگر باتمانقلیچ و سرهنگ کریمی زند را بدیدار زاهدی برد. کارول افسر سیا تماس نزدیک با «گروه سرهنگها» برقرار کرد و در 13 اوت [22 مرداد] در اجتماع اشخاصی که مسئولیت انجام نقشه را بر عهده داشتند حاضر بود. باری این ملاقات آخرین ملاقاتی بود که افسر پایگاه سیا در آن حضور یافت. قطع شدن تماس و با وجود آن اجرا شدن نقشه ثابت کرد نتایج جدی داشته است.

78- ثریا نیز در خاطرات خود صفحات 211 تا 220) تصریح می کند او شاه را از تردید به تصمیم آورده است: «پس از لحظه ای اندیشیدن و تردید او به این نتیجه رسیدیم که برای نجات کشور از هرج و مرج و جلوگیری از نفوذ حزب توده کودتائی باید انجام گیرد ولو این حرکت به زیان «شیر مرد پیر» باشد...
شاه پس از مدتی فکر- ناگهان در اندیشه اش تغییر داد و با حرکتی تند گفت:
«تا کنون آیا دیده شده که پادشاهی علیه دولت کشورش دست به کودتا بزند؟

بله اما شما اولین کسی هستید که دست به این کار می زنید...

در حالی که سیگار میان انگشتانش می لرزید مدتی دراز به من نگاه می کند... نخستین بار است که او را اینگونه می بینم چشم دیدن مرد ضعیفی را که اوست دیگر ندارم...

این شاه عاجز از تصمیم گیری این مهره که قدرتهای بزرگ جا به جایش می کنند این عروسک که با توصیه این و آن به این سو و آن سو کشیده می شود...

54..... سرنگونی دولت مصدق

در 14 اوت [23 مرداد] پایگاه تلگراف کرد که با انجام نقشه تی.پی.آژاکس و زمامدار شدن حکومت زاهدی، خزانه کشور خالی است و نیاز فوری به پول پیدا می‌کند. مبلغ پنج میلیون دلار کمک تصویب شد و پایگاه سیا در نظر گرفت در ساعات اول بعد از موفقیت عملیات آن را در اختیار حکومت زاهدی بگذارد. در 14 اوت [23 مرداد] هیچ خبری از تهران نرسید. مراکز فرماندهی و پایگاه سیا در تهران فقط می‌توانستند شروع عملیات را انتظار بکشند.

در 2 اوت 1953 (11 مرداد 1332) سرلشگر زاهدی پنهان و ناشناس در دفتر شاه حاضر شد. من با وجود سن بسیار جوان و بی‌تجربگی‌ام در مذاکرات حاضر بودم... او با صدائی رسا پرسید:

«می‌فرمائید کی اقدام کنم؟»

شاه باز مردد ماند. همین امروز صبح با چند مشاور بی‌حال و شل و ول مشورت کرده‌بود. حوصله‌ام دیگر بسر می‌رسید. مشاوران به او گفته بودند: «مبادا اقدامی علیه مصدق انجام دهید که برایتان خطرناک است.»

به من گفت: «ثریا واقعاً باید مصدق را برکنار کنم؟»

آن حرارت بیست سالگی که در وجود داشتم ناگهان به شعله‌ای داغ تبدیل شد و فریاد کشیدم: «راستی که موجودی قابل‌ترحم‌اید. گویا از این حال حقارت و افسردگی که دارید لذت می‌برید!... باید مقام و شخصیتی را که بیشتر داشتید و به آن احترام می‌گذاشتم بازیابید. اگر حکومت مصدق ادامه یابد باید چوب حراج ایران را به نفع مسکو زد...»

آنجا در دفترش او باز مردد مانده‌است. نگاهش از من به فضل‌الله زاهدی که منتظر جواب مانده‌است سرگردان شده‌است. عاقبت می‌گوید:

«من فرمانی را امضاء می‌کنم که با آن مصدق را برکنار و شما را به سمت نخست‌وزیری منصوب می‌کنم.»

زاهدی باز پرسید:

«کی اجازه شروع عملیات را به چاکر می‌فرمائید؟»

شاه با حرکتی سریع دفتر یادداشت‌هایش را ورق زد و پس از نگاهی دقیق گفت:

«فرمان در 13 اوت (22 مرداد) به دست شما می‌رسد و باید هرچه سریع‌تر به دست مصدق برسانید...»

نخستین عملیات

رویدادهای شب 15 اوت 1953 [24 مرداد 1332] و ترتیبشان هنوز بدقت معین نگشته‌اند. حکایت‌های اولیه که شرکت کنندگان مختلف گفته‌اند آنقدر با یکدیگر اختلاف دارند که نمی‌توان حقیقت را در آن شب تاریک یافت. با این وجود، مسیر اصلی این کوشش نخستین روشن است. دو امر اساسی، این مسیر را آشکار می‌کند. نقشه از سر راه برداشتن یکی از افسران شرکت کننده در عملیات، در گفتگوهای روزانه لو رفت. با وجود این، اگر بیشتر شرکت کنندگان سستی بخرج نمی‌دادند و در بزنگاهها توان تصمیم گرفتن را از دست نمی‌دادند، نقشه هنوز می‌توانست با موفقیت اجرا شود.

تا عصر 14 اوت [23 مرداد] افراد پایگاه سیا در تهران اطلاع نیافتند که عملیات از آن شب به شب بعد موکول شده است. عامل اصلی سیا در تهران -سرهنگ فرزندگان- ارتباط خود را با حوادث از دست داده بود و پایگاه نمی‌توانست سرلشگر باتمانقلیچ، رئیس ستاد منصوب زاهدی، را هدایت کند. در واقع او بود که بیشترین مسئولیت را بر عهده داشت.

بر طبق گفته سرتیپ تقی ریاحی، رئیس ستاد ارتش [مصدق] او در ساعت پنج بعد از ظهر روز 15 اوت [24 مرداد] از طرح کودتا با تمامی جزئیات آن آگاه شده بود. اما شگفت آنکه - و بر طبق قول خود او - خانه خود را در شمیران ترک نمی‌کند. اعضای جبهه ملی -زیرک زاده و حق‌شناس- نیز در آن خانه زندگی می‌کردند. او تا ساعت 20 در آن خانه بوده و در آن ساعت خانه را به قصد ستاد [مشترک] ارتش ترک می‌کند.^[79]

79- برابر اظهارات دکتر مصدق او به ستاد ارتش تلفن می‌کند و ریاحی را در آنجا نمی‌یابد. به خانه‌اش تلفن می‌کند که با وجود وضعیت بحرانی چرا در ستاد ارتش نیست! او به ستاد ارتش می‌آید. بعد از حرکت او مأموران کودتاچیان برای توقیف او وارد خانه‌اش می‌شوند و زیرک‌زاده و حق‌شناس را دستگیر می‌کنند. این امر که سرتیپ ریاحی در ساعت پنج بعد از ظهر 15 اوت [24 مرداد] از طرح کودتا با تمامی جزئیاتش آگاه بوده و تا ساعت 8 در خانه مانده‌است از جمله مطالبی است که به استناد آن‌ها برخی به این نتیجه رسیده‌اند که سرانجام سرتیپ ریاحی همکاری دست کم قابل قیوای با کودتاچیان را پذیرفته است. خود او در دادگاهی که او را باتفاق مصدق محاکمه می‌کرد گفت: او از دادن دستوری خودداری کرده‌است که اگر می‌داد وضعیت دیگری پیش می‌آمد.

در ساعت 23 ریاحی به فرمانده تیپ اول زرهی دستور آماده باش می‌دهد. در همان ساعت معاون خود -سرتیپ کیانی- را برای سرکشی به باغشاه می‌فرستد. گارد شاهنشاهی نیز در باغشاه مستقر بود. کیانی و چند افسر که از وی حمایت می‌کردند با همکاری سرنگ نصیری که زودتر از او به باغ شاه رسیده بود، دستگیر می‌شود.

سرنگ حسینقلی سرشته (خاطرات من یادداشت‌های دوره 1334 - 1310) سرتیپ ریاحی را متهم می‌کند که به دلایل زیر به کودتای 28 مرداد یاری رسانده است:

1 - گزارش غلط به دکتر مصدق داده و از او اجازه توقیف سرنگ اشرفی فرماندار نظامی را گرفته و اجرای دستور را از سرنگ سرشته خواسته است و سرنگ سرشته دستور را اجرا کرده است. سرتیپ ریاحی فرماندار جدیدی معین نکرده در نتیجه فرمانداری نظامی بدون فرمانده مانده و این مهمترین دلیل پیروزی کودتا است.

2- با خنثی شدن حمله اوپاش و کودتاجیان شهر تا ساعت 3:30 روز 28 مرداد 1332 آرام بوده است. در این ساعت سرنگ ممتاز مدافع خانه مصدق به سرنگ سرشته تلفن می‌کند که تلفن ستاد ارتش از کار افتاده است و از او می‌خواهد برای مقابله با مهاجمان به یاری او بشتابد. او به ستاد ارتش می‌رود و از سرتیپ ریاحی می‌خواهد اجازه دهد با چند دستگاه تانک و عده‌ای سرباز به یاری سرنگ ممتاز برود. اما رئیس ستاد به او می‌گوید: شما به دفتر کار خود باز گردید و منتظر دستور بمانید. اما بجای دستور رفتن به یاری سرنگ ممتاز، سرتیپ ریاحی سرنگی را می‌فرستد و او به سرنگ سرشته ابلاغ می‌کند که از این پس هر اقدام او در دژبانی باید با موافقت وی باشد!

اما سرتیپ ریاحی در مصاحبه با غلامرضا نجاتی (جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد 1332) گفته است «جزئیات وقایع 24 تا 28 مرداد را من از روی یادداشت‌های روزانه ستادم (یگانه مدرکی که با خود بردم) به تفصیل نوشته‌ام ولی هنوز موقع افشای کامل آنها نرسیده است.»

در این مصاحبه وی می‌گوید: «دو بعد از نیمه شب (29 مرداد) از ستاد ارتش که اینک سرلشگر باتمانقلیچ رئیس ستاد دولت کودتا آمده و او را به ستاد ارتش برده‌اند و تا چهار روز در ستاد ارتش بوده و نهار و شام را با باتمانقلیچ صرف می‌کرده است. روزی که شاه باز می‌گردد و باتمانقلیچ آماده عزیمت به نزد او می‌شود خطاب به سرتیپ ریاحی می‌گوید: «تقی بیا با هم همکاری کنیم». ریاحی پاسخ می‌دهد: «حرفی ندارم. به یک شرط. اکنون که تو در ستاد هستی زاهدی را زندانی کن مصدق بشود نخست وزیر آن وقت با تو همکاری خواهم کرد. او سخن مرا به شاه گفته بود. همان شب مرا به جمشیدیه منتقل و تحت مراقبت قرار دادند.»

کار توقیف‌ها را عده‌ای از سربازان هوادار شاه انجام می‌دادند. حدود 23:30 آنها به خانه ریاحی در شمیران می‌روند و می‌بینند او در خانه نیست. زیرک زاده و حق شناس را توقیف می‌کنند و نیز در حوالی همان ساعت چند افسر با عده زیادی از سربازان به خانه دکتر فاطمی - وزیر خارجه مصدق - می‌روند و او را توقیف می‌کنند و حتی اجازه پوشیدن کفش را نیز به او نمی‌دهند. توقیف شدگان را به ستاد گارد شاهنشاهی، در سعدآباد، منتقل می‌کنند.

افسرانی که می‌دانستند ریاحی از موضوع آگاه شده است دیگر اقدامی نکردند. اما افسرانی که از ماجرا بی‌خبر بودند، وارد عملیات شده بودند.

پیش از 23:30 مختصر یورش به مرکز تلفن صورت گرفت و تلفن‌های خانه فاطمی و دیگرانی که باید توقیف می‌شدند قطع شد. سیم‌های [تلفن] ستاد ارتش به باغشاه قطع شد و سرهنگ اسکندر آزموده با نیروی نظامی کوچکی مرکز تلفن بازار را اشغال کرد.^[۸]

زمانی که ریاحی دید از سرتیپ کیانی که به باغشاه رفته بود، خبری نیست (آنطور که خود گفته است) به سرهنگ ممتاز فرمانده تیپ دوم کوهستانی و سرهنگ شاهرخ - فرمانده تیپ اول زرهی - تلفن می‌کند و به آنها دستور می‌دهد با قوای خود به باغشاه بروند. در همان زمان و یا پیش از آن به افسران دیگر از جمله به سرهنگ پارسا - فرمانده تیپ کوهستانی - و سرهنگ اشرفی - فرماندار نظامی - و فرمانده تیپ سوم کوهستانی و سرهنگ نوذری فرمانده تیپ دوم زرهی آماده باش می‌دهد. بر طبق حکایت اشخاصی که زاهدی مأمور عملیات کرده بود، ممتاز و شاهرخی در باغ شاه توقیف شدند و مدتی در کنار کیانی زندانی ماندند.

80- در بخش اول این گزارش خواندید که سیا فاطمی را کسی معرفی می‌کند که از بیم روز مبادا به رشیدیان گذرنامه می‌دهد. در اینجا ارزیابی سیا نقض می‌شود. رفتار کودتاجیان با فاطمی واکنش در برابر قاطعیت او است. در 26 مرداد بعد از شکست کودتا نیز او از نادر افرادی است که فکر بازگشتن وضعیت را نمی‌کند و خواستار انقراض سلسله انگلیس ساخته پهلوی و اعلام نظام جمهوری می‌شود.

منابع دولتی جریان ابلاغ فرمان عزل مصدق را توسط سرهنگ نصیری به گونه‌ای دیگر گزارش کرده‌اند. به گفته سرتیپ ریاحی، سرهنگ ممتاز در راه باغشاه بود که در خیابان با سرهنگ نصیری روبرو شد و او را توقیف کرد. بموجب اطلاعیه رسمی حکومت مصدق، 1 صبح 16 اوت - 25 مرداد - سرهنگ نصیری با چهار کامیون نظامی پر از سرباز و دو جیب و یک زره پوش در برابر خانه مصدق بوده است. او ادعا می‌کند نامه‌ای برای مصدق دارد. اما از سوی قوای محافظ خانه نخست وزیر دستگیر می‌شود.

فرزانگان حکایت دیگری از ماجرا را بیان می‌کند. سرهنگ نصیری در 23:30 در خانه مصدق دستگیر می‌شود. بعد از توقیف او، نصیری تأکید می‌کند که به او گفته‌اند دو دقیقه تأخیر در رسیدن سرهنگ دوم زند کریمی با دو کامیون سرباز موجب شکست عملیات شد. ظاهراً بنظر قطعی می‌رسد که ریاحی توانسته بود پیش از نیمه شب واحدهای نظامی را در نقاط استراتژیکی مستقر کند که به احتمال زیاد مورد حمله قرار می‌گرفتند. اما چه حادثه یا واکنشی از سوی ریاحی و دیگر افسران وفادار به مصدق سبب شده بود افسران طرفدار زاهدی در انجام وظیفه کوتاهی ورزند، تاکنون روشن نشده است. با این وجود، میدانیم که رئیس ستاد ارتش منصوب زاهدی -سرلشگر باتمانقلیچ- ترسید و مخفی شد. این امر بدون شک روحیه افراد نظامی را در لحظه حساس، تخریب کرد. همین تأثیر را پخش سریع خبر توقیف سرهنگ نصیری^[۸۱] ایبار آورد. سرهنگ فرزنانگان^[۸۲] صبح 16 اوت [25 مرداد] به ستاد ارتش رفت تا با سرلشگر باتمانقلیچ^[۸۳] دیدار کند. معلوم شد ژنرال تا ستاد ارتش آمده تا آن را تصرف کند. اما زمانی که دید نیروها و تانکهای آنان تسلیم شده‌اند وحشت کرده و شتابان نزد زاهدی رفته و او را به فرار تشویق نمود. اما زاهدی به او خندیده‌است. به هر حال، کامیون‌های حامل توقیف شدگان که از سعدآباد به ستاد ارتش آمده بودند، توسط

81 و 82 -طبق طرح ضد کودتای روزولت، فرزنانگان به ستاد مشترک رفت که البته نادرست است.

83- قطعاً باتمانقلیچ -رئیس ستاد ارتش زاهدی- مورد نظر است. نام سیاه شده است.

60..... سرنگونی دولت مصدق

مخالقان کودتا به سعدآباد بازگردانده شدند و آنها که اختیار کامیون‌ها را به دست آورده بودند توقیف شدگان را آزاد کردند.

زاهدی بیهوده در انتظار ماند تا اسکورتی بیاید و او را تا باشگاه افسران همراهی کند. در حدود ساعت 2:30 صبح ایرانی‌هایی که هنوز می‌خواستند عملیات را به انجام رسانند زمانی که دیدند واحدها تقویت شده‌اند و قوای بیشتری به سمت شهر می‌روند و خودروها را متوقف کرده و می‌پرسند چه خبر است، متقاعد شدند که شکست خورده‌اند. سرهنگ فرزنانگان و سرلشگر باتمانقلیچ خود در حدود ساعت 3:2 در شهر گشت زدند. بعد احتمالاً از یکدیگر جدا شدند. سرلشگر باتمانقلیچ بزودی توقیف شد و سرهنگ فرزنانگان به پایگاه سیا پناه برد.

در سفارت اعضای پایگاه، ساعت‌ها را با اعصاب متشنج گذراندند. عملیات شکست خورده بود. جیب مجهز به رادیو ارتش، فراخوانده شد و دیگر وسیله‌ای برای آنکه بدانیم در شهر چه روی داده است در اختیار نداشتیم. [۸۴]

شکست آشکار کودتا [25 مرداد]

16 اوت 1953 [25 مرداد 1332] را کودتاچیان چگونه به شب رساندند؟

در ساعت 5:45 صبح روز 16 اوت 1953 [25 مرداد 1332]، رادیو تهران برنامه خود را با اطلاعیه دولت آغاز کرد. اطلاعیه اعلام می کرد که نیمه شب پیش، کودتائی رخ داده و به شکست انجامیده است. در ساعت 6 صبح، مصدق جلسه هیأت وزیران خود را تشکیل داد تا گزارش های پیرامون وضعیت موجود را گرفته و تدابیری برای تقویت قوای امنیتی ساختمان های دولتی و نقاط حساس تهران اتخاذ کند. این اطلاعیه بار دیگر در ساعت 7:30 از رادیو پخش شد.

اعضای پایگاه سیا به اضطراب افتادند. آنها شب را در دفتر خود مانده بودند. علت شکست کودتا این بود که چند قسمت از نقشه نظامی که باید اجرا می شد انجام نشده بود: نه جیب حامل رادیو عمل کرد و نه سیستم تلفن از کار افتاده بود. مسلم بود که یک بخش یا تمام بخش های طرح مختل شده است. در ساعت پنج صبح که آزادی عبور و مرور برقرار شد. کارول گشتی در شهر زد و گزارش کرد که در اطراف خانه مصدق تانک ها و قوای مسلح متمرکز و در رفت و آمد هستند. سرهنگ فرزندگان⁸⁰ به دفتر تلفن کرد که بگوید اوضاع بد شده اند و او خود نیز به سفارت می رود تا مخفی شود. او در ساعت 6 آمد و خلاصه ای از وضعیت موجود را گزارش کرد. گزارش او همانند اطلاعیه حکومت بود و بعد راهی مخفیگاه شد.

85- سرهنگهایی که در کودتا شرکت کرده بودند و روز 16 اوت (25 مرداد) دستگیر شدند عبارتند از:

- 1- سرهنگ نصیری 2- سرهنگ حسن اخوی که تمارض کرده و در بیمارستان تحت نظر قرار گرفته و در کودتای 28 مرداد نقشی را بر عهده داشت 3- سرهنگ دوم زند کریمی 4- سرهنگ منصور پور 5- همردیف سرهنگ پرورش 6- سرهنگ روحانی و 7- سرهنگ هادی کسرائی. بنابراین، هیچیک از این 7 سرهنگ در سفارت آمریکا مخفی نشده اند. اگر یکی از دو سرهنگ عامل سیا که نقش مهمی در کودتا داشته اند نبوده است، بناچار سرهنگ آزموده بوده که مأمور از کار انداختن تلفن بازار بوده است. او و یا سرهنگ عباس فرزندگان باید به سفارت رفته و گزارش شکست کودتا را داده باشد.

اکنون، پایگاه ناگهان وظیفه نجات نقشه کودتا از شکست کامل را بر عهده گرفت و می‌بایست دست به اقداماتی می‌زد: اقدام اول این بود که با اردشیر زاهدی - پسر سرلشگر زاهدی - تماس برقرار شود. در ساعت 8 صبح او پیامی به پایگاه [سیا] فرستاد و محل اختفای خود را اطلاع داد. روزولت به شمیران^{۸۶}] رفت تا به اظهارات اردشیر و پدرش گوش فرا دهد و ببیند آیا آیا امیدی به وضعیت حاضر دارند یا خیر؟ بلافاصله، تصمیم گرفته شد کوشش فراوانی در متقاعد کردن مردم ایران بر اینکه زاهدی نخست وزیر قانونی و مصدق غاصب این مقام است و او است که کودتا کرده به عمل آید. باید خاطر نشان شود که برابر نقشه از این زمان، اقدام به هر عملی بر این ارزیابی استوار بود که اگر ارتش ناگزیر شود میان شاه و مصدق یکی را انتخاب کند شاه را انتخاب کرده و به ندای او پاسخ مثبت می‌دهد. بدین منظور، با استفاده از تجهیزات مخابراتی پایگاه سیا، پیامی به دفتر مرکزی آسوشیتدپرس در نیویورک فرستاده شد مبنی بر اینکه: «گزارش‌های غیر رسمی حاکی از آن است که رهبران کودتا دو فرمان از شاه در اختیار دارند، یکی عزل مصدق از نخست وزیری و دیگری نصب ژنرال زاهدی به این مقام.» برای مصرف داخلی ایران، پایگاه ژنرال مک کلور^{۸۷} رئیس مستشاران نظامی آمریکا [در ایران] را مأمور نمود تا به دیدن شاه رفته و از او پرسد آیا فرمان‌ها معتبر هستند یا خیر. اما در ساعات بعدی اطلاع حاصل شد که شاه با هواپیما رفته است.

در ساعت 9:30 شهر آرام بود. دکان‌ها باز شده و مردم به سر کارهای خود رفته بودند. با این وجود، در نقاط کلیدی از جمله در اطراف کاخهای شاه که مهر موم شده بود، تانک‌ها، سربازان و پاسبانان نگهبانی می‌دادند. در این زمینه شایعاتی پخش شد، یکی از

86- محل اختفای زاهدی باغ شخصی سرهنگ محمد مقدم بود.

شایعات که توجه مردم را به خود جلب کرد، این بود که کودتا را مصدق خود ترتیب داده تا بهانه‌ای برای اقدام بر ضد شاه به دست آورد. [۸]

در حوالی همین ساعات، روزولت، ژنرال مک کلور را نزد ژنرال ریاحی - رئیس ستاد [ارتش] فرستاد تا از او بپرسد که آیا هیأت مستشاران نزد حکومت مصدق پذیرش رسمی دارد و یا نزد حکومت دیگری؟ چرا که اطلاع سفارت رسیده است که شاه طی فرمانی ژنرال زاهدی را به نخست وزیری منصوب نموده است. ریاحی «اصالت امضاء فرمان را» تکذیب کرد و گفت: «ایران و مردم آن از شاه و هر حکومتی مهم تر هستند. ارتش از آن مردم است و از مردم حمایت می کند.»

چند ساعتی طول کشید تا مک کلور گزارش این دیدار را به روزولت بدهد. به نظر می رسد که او آماده است تا روی ریاحی کار کند و امیدوار است ریاحی را به براندازی حکومت مصدق وسوسه نماید.

اکنون دیگر روزنامه‌های صبح نیز منتشر شده بودند. «شجاعت» که بجای «بسوی آینده» - نشریه اصلی حزب توده - از 13 اوت [22 مرداد] وقوع کودتا را پیش‌بینی کرده بود. و در این روز نوشت که طرح کودتا بعد از ملاقات شاه با ژنرال شوارتسکف در 9 اوت [18 مرداد] طراحی شد. اما مصدق در 14 اوت [23 مرداد] از آن آگاهی یافت. باید خاطر نشان کرد که حزب توده نیز همانند حکومت از نقشه‌ها آگاهی داشت اما چگونگی آن را نمی دانیم!

تیم عملیاتی اصلی سیا، مرکب از [فرخ] جلیلی و [علی] کیانی که خود مختار اما با زیرکی بی مانندی عمل می کردند، به استناد شایعه‌ای جاری، داستانی را ساخته و منتشر کردند مبنی بر اینکه کودتا را برای آن ترتیب داده‌اند تا شاه را ناگزیر از کناره‌گیری کنند.

88- جالب اینجاست که جناح مؤتلفه و آقای محمود کاشانی نیز در مورد کودتای 28 مرداد چنین نظری دارند و از طرف دیگر آن را قیام ملی می دانند. نگاه شود به مصاحبه‌ی وی در سایت اردشیر زاهدی www.az.com

«ملت ما» نشریه صبح این داستان را منتشر کرد و کیهان نیز در صفحه داخلی خود نخستین اشاره را به فرمانی کرد که بنا بر آن زاهدی به نخست وزیر منصوب شده بود. در ساعت 10 صبح اطلاعیه دوم حکومت منتشر شد که در آن جزئیات دیگری افزوده شده بود. در این زمان، اعضای حزب توده گروه‌های کوچکی را در نقاط مختلف شهر تشکیل داده و سخنرانی می‌پرداختند. گروه‌های کوچک‌تری از میلیون طرفدار مصدق نیز در خیابان‌ها گرد آمدند. شایعه تازه‌ای بر سر زبان‌ها بود: «کودتائی در کار بوده است. اما درست موقع انجام کودتا، مصدق دست به ضد کودتا زده است.» در ساعت 11، دو خبرنگار نیویورک تایمز از سوی پایگاه سیا به شمیران فرستاده شدند تا با زاهدی ملاقات کنند که بجای او پسرش اردشیر را یافتند و او اصل فرمان انتصاب زاهدی به نخست‌وزیری را به آنها نشان داد و عکسی از فرمان را نیز در اختیار آنها گذاشت. این عکس‌ها از سوی عوامل ایرانی کودتا تهیه شده بود. در پی این دیدار پایگاه سیا حفظ اصل فرمان را بر عهده گرفت. سیا عکس‌هایی از فرمان را تهیه کرده بود. اما اصل آن را تا پیروزی نهایی نزد خود محفوظ نگه داشت.

ظهر آن روز رادیو تهران، متنی را به امضای دکتر محمد مصدق، بدون استعمال عنوان نخست وزیر منتشر کرد:

«بموجب اراده ملت که در همه پرسی ابراز شده است مجلس هفدهم منحل می‌شود. انتخابات برای تشکیل مجلس هجدهم بزودی انجام خواهد شد.» این بیانیه همراه با اظهارات به شدت ضد شاه [دکتر فاطمی] و بر افتادن نقاب از چهره حزب توده و شعار استقرار رژیم جمهوری افکار عمومی را قانع کرد که مصدق قصد براندازی رژیم سلطنتی را دارد.

در ساعت 14، وزیر خارجه کنفرانس مطبوعاتی را برگزار کرد و گفت مدتی است که حکومت گزارشهایی از چندین منبع دریافت می‌کند حاکی از اینکه گارد شاهنشاهی در تدارک کودتا است. تدابیری برای خنثی سازی این اقدامات اندیشیده شد. وی سپس به

بازگویی حادثه کودتا پرداخت و همان نکاتی را که در اطلاعیه‌های حکومت آمده بود را بازگو نمود. او در پاسخ پرسشی گفت که ابوالقاسم امینی -وزیر دربار- توقیف شده است. زیرا نمی‌توان وزارت دربار را از طرح و اجرای توطئه کودتا مبری دانست و افزود: «نظر شخص مرا در سرمقاله باختر امروز خواهید یافت.»^[۸۹] این سرمقاله را، رادیو تهران در ساعت 17:30 به طور کامل خواند. این سرمقاله حمله طولانی، وحشیانه و کینه‌توزانه‌ای به شاه و حتی رضا شاه را در بر داشت، مردی که افکار عمومی در سطح وسیع برایش عزت و احترام قائل بود.* باید گفت که این سرمقاله در برانگیختن احساسات عمومی بر ضد حکومت مصدق شدیداً مؤثر افتاد.

در بعد از ظهر همان روز، پایگاه سیا مشغول تهیه بیانیه‌ای شد که ژنرال زاهدی باید منتشر می‌کرد. در تهیه این بیانیه با اردشیر زاهدی و برادران رشیدیان و سرهنگ فرزندگان گفتگویی صورت گرفت. زمانی که بیانیه آماده گردید مأموران سیا نتوانستند روزنامه‌ای را پیدا کنند که تحت مراقبت مأموران دولت نباشد. یکی از برادران رشیدیان 10 نسخه ماشین شده از بیانیه را تهیه کرد و به امضای ژنرال زاهدی رساند و سپس در اختیار خبرنگاران خارجی روزنامه نگاران ایرانی و دو صاحب منصب کلیدی ارتشی گذاشت. زمانی این بیانیه توزیع شد که دیگر دیر بود و نمی‌توانست در مطبوعات صبح 17 اوت [26 مرداد] درج شود. از طرفی هم مأموران پایگاه جلیلی و کیوانی با پایگاه ارتباط نداشتند و باتفاق برادران رشیدیان و سرهنگ فرزندگان، به ابتکار خود عمل می‌کردند.

89- او سخت‌ترین حمله را به شاه و پدر او می‌کند. در آن سرمقاله فاطمی از جمله نوشته بود:

«یکی نیست پرسد که دیگر شما و فامیل شما از این یک مشت پا برهنه و لختی که بیست سال پدربد آنها را به نفت جنوب زیر نظر مستقیم خویش فروخت... چه می‌خواهید؟ ثروت یک مملکت را به غارت بردید. املاک و اموال و نوامیس مردم از دست این خانواده سی سال است در امان نبوده اکنون هم مثل دزدها و بدکارها از تاریکی شب برای کودتا استفاده می‌کنید و برای استراحت به کلاردشت تشریف می‌برید!» این سرمقاله نقش مهمی در محکوم شدن دکتر فاطمی به اعدام علی‌رغم تمامی سفارش‌ها و هشدارهای داخلی و خارجی داشت.

* این نظر ویلبر است و با واقعیات جامعه ایران مطابقت نداشته و ندارد.

آنها مصاحبه‌ای را از قول زاهدی جعل کردند و آن را همراه با تصویر فرمان در 17 اوت [26 مرداد] به چاپ رساندند. در این وضعیت همچون موارد مشابه دیگر، مأموران بلند پایه پایگاه به ابتکار خود عمل کردند و با انجام کارهای لازم کفایت خود را نشان دادند. تعدادی از آنها در خانه امن کارمندان پایگاه، در محوطه سفارت و تعدادی دیگر در خانه‌های کارمندان خارج از محوطه سفارت مخفی شدند. اردشیر زاهدی از صبح روز 16 اوت [25 مرداد] در پایگاه سیا بود و سیا او را در 17 اوت [26 مرداد] مخفی کرد. برادران رشیدیان نیز از 16 اوت با همکاری پایگاه سیا مخفی شدند. با این تفاوت که آنها روز 18 اوت [27 مرداد] از مخفیگاه بیرون رفتند. سیا، سرهنگ فرزنانگان را از صبح 16 اوت و سرتیپ گیلانشاه را نیز از صبح همان روز مخفی نمود.

مخفی‌سازی این افراد به دو منظور بود: 1- برای جلوگیری از توقیف شدن آنها و هم اینکه آنها را در جاهایی داشته باشد 2- دسترسی آسان آمریکائی‌ها در مواقع لزوم به آنها. عصر آن روز حدود ساعت 19:30 جمعیت در میدان بهارستان اجتماع کرد تا اظهارات سخنرانان را بشنوند. سخنرانی‌ها به طور مستقیم از رادیو تهران پخش می‌شد. سخنرانان عبارت بودند از نمایندگان سابق مجلس [جلالی موسوی] دکتر سید علی شایگان، مهندس زیرک زاده مهندس رضوی و وزیر امور خارجه - دکتر فاطمی - که تمامی آنها به شاه حمله و خواستار خلع او از مقام سلطنت شدند. به هنگام شنیدن این سخنرانیها بود که مردم برای اولین بار دانستند شاه با هواپیما به بغداد رفته‌است. پایگاه چند ساعت پیش از آن مطلع شده بود که شاه به بغداد عزیمت کرده است. در ساعت 16 دو مقام سیاسی سفارت از موفقیت طرح کودتا نا امید شدند. ولی روزولت اصرار داشت که هنوز به موفقیت کودتا امیدوار است. به شرط آنکه شاه از رادیو بغداد پیامی فرستد و زاهدی موضعی تهاجمی اتخاذ نماید. پایگاه می‌بایست متونی را که حاوی سخنان شاه از رادیو بغداد باشد، را به مرکز سیا می‌فرستاد.

با توجه به هفت ساعت اختلاف زمان، مرکز سیا در واشنگتن در ساعت 1:30 صبح 16 اوت [25 مرداد] پیام اول پایگاه سیا در تهران را مبنی بر ناکامی کودتا دریافت کرد و چند ساعات بعد از آن به درخواست پایگاه از شاه خواست تا به ایراد سخنرانی از رادیو بغداد پردازد. روز داشت به پایان می‌رسید که به پایگاه گزارش شد که وزارت خارجه شدیداً مخالف اقدام آمریکا برای تماس با شاه است. این وزارت‌خانه عقیده داشت که این تماس را باید انگلیسی‌ها بگیرند. [پایگاه] نیکوزیا با هیجان به پیشنهاد پایگاه پاسخ مثبت داد. پایگاه انتلیجنس سرویس بر آن شد که موافقت لندن را برای پرواز لویت و داربی شایر به بغداد با جت نیروی هوایی انگلیس صبح روز 17 اوت [26 مرداد] به دست آورد. این دو نفر باید بر شاه فشار می‌آوردند که پیام مذکور از رادیو بغداد برای مردم بفرستد. اما لندن مخالفت کرد.

اعضای پایگاه یک شب دیگر را به صبح رساندند و روز جدید را با خبرهای خوشحال‌کننده‌ای آغاز کردند. شب پیش، به هنگام سرکوب گروه‌های توده‌ای، سربازان آنها را زیر ضرب و شتم گرفته و مجبور می‌کردند فریاد کنند «جاوید شاه». پایگاه، همچنان عقیده داشت که «نقشه از میان نرفته است». ژنرال زاهدی و سرتیپ گیلان‌شاه [۹] و برادران رشیدیان و سرهنگ فرزندگان همچنان مصمم بودند، اجرای نقشه را پی بگیرند.

اکنون صبح روز 17 اوت [26 مرداد] روزنامه‌ها منتشر شده است. نیروی سوم نوشته بود که کودتا را شوراتسکف باتفاق شاه طراحی کرده‌اند. «آمریکائی‌های ساده اندیش فکر کرده‌اند که شاه برگ برنده است». دو روزنامه «داد» و «شاهد»، حکومت را بخاطر آنچه که

90- ژنرالی که اسم او را سیاه کرده‌اند جز گیلان‌شاه نیست. هدایت الله گیلان‌شاه زمانی که رزم آرا رئیس ستاد ارتش بود رئیس رکن دو این ستاد بود. بعد از کودتا فرمانده نیروی هوایی شد. به درجه سپهبدی نیز رسید. در خرید هواپیما سوء استفاده مالی کلان کرد. این جریان فرصتی شد که سرهنگ خاتمی شوهر فاطمه پهلوی -خواهر شاه سابق و خلبان محمد رضا در سفر به بغداد - جای او را در فرماندهی نیروی هوایی بگیرد. (خاطرات فردوست، ص 222) وی می‌نویسد که او قمار باز قهاری بود و خانه خود را در زعفرانیه به ساواک به 750 هزار تومان فروخت. فردوست او را افسری عامل انگلستان معرفی می‌کند.

68..... سرنگونی دولت مصدق

خود کودتا می خوانند سرزنش کرده اند. «کيهان» به نقل از رادیو لندن، نوشته است که زاهدی می گوید بر طبق فرمان شاه او نخست وزیر است و شاه از آن رو ایران را ترک گفته است که جانش در خطر بوده است. در ساعات صبح ایرانی هایی که رادیو قوی داشتند از فرستنده های رادیویی خارجی سخنان شاه در بغداد را می شنوند که گفته است: «آنچه در ایران انجام گرفته است بمعنای واقعی کلمه کودتا نیست. او بر طبق قانون اساسی مصدق را از نخست وزیری عزل و سرلشگر زاهدی را بجای او به نخست وزیری منصوب کرده است».

او ادامه داده است که از سلطنت استعفاء نکرده و به وفاداری ملت ایران نسبت به خود اطمینان دارد.

این اظهارات هرچند آن قوت مورد نظر را نداشتند، همان مطالبی بود که پایگاه سیا در تهران برای شاه در نظر گرفته بود. روزنامه های بغداد از روزهای آشوب و حوادث خونین [در تهران] خبر می دهند.

چون مرکز سیا و وزارت خارجه همچنان از صدور اجازه برای تماس مستقیم با شاه خودداری می کرد پایگاه در خواست کرد امام خالصی - روحانی مقیم بغداد - و کریم آقاخان [آقا خان محلاتی] روحیه شاه را تقویت کنند. در این میان، سفیر آمریکا در بغداد برتون بری^{۹۱} ملاقات خود را با شاه در عصر روز 16 اوت [25 مرداد] گزارش کرد. اظهاراتی که شاه به ابتکار خود ایراد نموده بود همان سخنانی بود که پایگاه پیشنهاد می کرد. حدود ساعت 10 صبح بخش مهمی از قوای نظامی که در سطح شهر پراکنده بود به سربازخانه ها فراخوانده شدند. چرا که حکومت از تسلط خود بر اوضاع مطمئن بود. در ساعت 10:30 رادیو تهران از ژنرال زاهدی خواست خود را تسلیم مقامات دولتی کند.^[۹۲] در پی آن اسامی دستگیر شدگان را خواند. دستگیر شدگان یا در کودتا شرکت داشتند و یا

91-Burton Berry

92- دولت مصدق برای دستگیری زاهدی مبلغ 10 هزار تومان تعیین نمود.

69 سرنگونی دولت مصدق

بنوعی در رویدادها نقش آفرین بودند. فهرستی مجزا حاوی اسامی که روز پیش دستگیر شده بودند نیز اعلام شد که اسامی زیر را در برداشت. اسامی که زیر آنها خط کشیده شده است اسامی هستند که پایگاه از شرکتشان در کودتا آگاه است.^[۹۳]

93- سیا نزدیک به تمام صفحه را سیاه کرده است. اما نام‌های زیر را می‌توان از لابه‌لای سیاه‌ها بازخوانی کرد:

- 1 - ابوالقاسم امینی کفیل وزارت دربار.
- 2- سرهنگ نوذری فرمانده تیپ دوم زرهی.
- 3- سرهنگ زند کریمی رئیس ستاد تیپ دوم کوهستانی که در کودتا شرکت داشت.
- 4 - سروان پولاد دژ افسر شهربانی.
- 5 - سرهنگ نعمت الله نصیری رئیس گارد شاهنشاهی که در کودتا شرکت داشت.
- 6 - نایب سرهنگ آزموده فرمانده تیپ یکم کوهستانی که در کودتا شرکت داشت.
- 7 - سرهنگ پرورش رئیس باشگاه افسران .
- 8 - ستوان یکم نیاحی که در کودتا شرکت نداشت.
- 9 - ارنست پرون تبعه سوئیس
- 10 - سرلشگر نادر باتمانقلیچ افسر بازنشسته که در کودتا شرکت داشت.
- 11 - سرهنگ هادی کارائی فرمانده گارد شاهنشاهی در رامسر.
- 12 - سرتیپ شبیانی که باز نشسته بود.
- 13 - رحیم هیراد رئیس دفتر مخصوص شاه که فرمان‌ها به خط وی بود.
- 14 - سلیمان بهبودی رئیس بیوتات سلطنتی که در کودتا شرکت داشت.
- 15 - نایب سرهنگ حمیدی رئیس اداره گذرنامه که در کودتا شرکت داشت.
- 16 - سرهنگ منصور پور فرمانده اسکادران سوار.
- 17 - سرهنگ روحانی رئیس ستاد تیپ سوم کوهستانی.
- 18 - سروان بلادی.
- 19 - ستوان یکم نراقی.
- 20 - سروان شقاقی
- 21 - سروان سلیمی
- 22 - ستوان یکم اسکندری
- 23 - ستوان یکم جعفری
- 24 - اشتری

25 - محمد جهانداری

26 - ستوان یکم روحانی

27 - دکتر مظفر بقائی

اینک که سیا گزارش خود را منتشر می‌کند لازم می‌نماید فهرست کاملی از «ایرانی‌ها» دست اندر کار کودتا را ترتیب دهیم. این فهرست را با مراجعه به مآخذ مختلف و پرس و جو از مطلعان ترتیب داده‌ایم. نخست افراد دربار پهلوی و آنگاه گروه‌بندی‌های مختلف بر محورهای زاهدی و بقائی و... را می‌آوریم

الف - پهلویها و افراد نزدیک به محمد رضا پهلوی:

1 - محمد رضا پهلوی

2- اشرف پهلوی

3- ثریا اسفندیاری، همسر آن زمان محمد رضا شاه.

4 - ارنست پرون Ernest Prone - جاسوس انگلیسها در دربار. او همان کس است که به اطاق خواب شاه نیز وارد می‌شد و به قول ثریا در گذران شاه در رختخواب نیز مداخله می‌کرد. در 25 مرداد او به شاه خبر می‌دهد که کودتا شکست خورده است.

5 - سر شاپور ریپورتر فرماسون، پدر او اردشیر جی نیز در کودتای 1299 نقش اول را بازی کرد. او بعد از کودتا دلال اسلحه شد و پاداش شرکت در کودتا را بسیار کلان دریافت کرد!

6 - محمد خلیل جواهری بانی لژ فراماسونری پهلوی که این لژ در 10 آذر 1330 تشکیل شد و در برانداختن حکومت ملی مصدق نقش پیدا کرد، پس از کودتا در سال 1334 این لژ تعطیل شد.

بدیهی است که لژهای دیگر فراماسونی نیز بر ضد نهضت ملی ایران فعال بودند. بی دلیل نبود که از کودتا بی‌بعد بتدریج تمامی مقامات کلیدی دولت از آن فرماسونها شد.

7 - اسدالله علم که بعد از کودتا نخست وزیر و سپس در آذر 1345 وزیر دربار شد و تا سفر به فرانسه برای درمان بیماری سرطان خون خود در این مقام ماند، در 28 تیرماه 1356 برای آخرین بار نزد شاه رفت و عازم اروپا شد. دو هفته بعد از ورود به فرانسه شاه از او خواست بخاطر بیماری استعفاء کند و او نیز چنین کرد. علم زمانی که دانست هویدا جانشین او شده شگفت زده شد. وی پیش از مرگ نامه مفصلی به شاه می‌نویسد. اما شاه آن را نمی‌خواند و به هویدا می‌دهد و می‌گوید: «مشاعر علم دیگر کار نمی‌کند!» او در فروردین 1357 بهنگام اوج گرفتن انقلاب فوت کرد.

پدر او امیر شوکت المللك و پدر همسر او قوام المللك شیرازی هر دو از «دوستان انگلستان» بودند. (نک، خاطرات علم در 6 جلد).

8 - برادران امامی بخصوص جمال و نورالدین امامی. پدر آنها امام جمعه خوبی بود و پنج تن از نخست وزیران ایران دامادهای این خانواده بودند. این جمله معروف از جمال امامی است: «کودتا برای این بود که اما این قرار داد [کنسرسیوم نفت] را تصویب کنیم!»

9- نصرالله انتظام که نماینده ایران در سازمان ملل و زمانی نیز سفیر ایران در آمریکا بود.

نظامیان را در فهرست جداگانه می‌آوریم.

ب- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی در جلد دوم «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» بر این است که گروهی زیر عنوان «عملیات بدامن» (bedamn) عمل می‌کردند که آن را شاپورجی و اسدالله علم هدایت می‌کردند. مارک گازیوروفسکی می‌نویسد که این عملیات با ورود شاپورجی به ایران در سال 1948 شروع شده و هدف آن جلوگیری از نفوذ روسیه و قوت گرفتن حزب توده بود. دو تن ایرانی‌هایی که در گزارش نامه‌های مستعار «نرن و سلی» را دارند با شاپور ریپورتر که وابسته مطبوعاتی سفارت آمریکا و معلم زبان ثریا بود، همکاری می‌کردند. در جلد دوم «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» (صص 180 و 181) آمده است که این دو نامه‌های مستعار شاپور ریپورتر و اسدالله علم بوده‌اند و تظاهرات توده‌ای قلابی (نفتی) در روزهای 26 تا 28 مرداد را عوامل نفوذی شبکه بدامن سازمان داده‌اند. اسامی این گروه به روایت این کتاب (ص 185) عبارتند از:

1- نصرت الله معینان که در روزنامه آتش و اداره تبلیغات بود و بعد از کودتا وزیر راه و معاون وزیر دربار شد 2- دکتر مظفر بقائی کرمانی 3- علی جواهر کلام، صاحب امتیاز روز نامه صدای وطن 4- عباس شاهنده، صاحب امتیاز روزنامه فرمان 5- جعفر شاهید که هفته‌نامه‌ی جوانان را بخرج ارتش منتشر می‌کرد. 6- [دکتر] مصطفی مصباح‌زاده، صاحب امتیاز روزنامه کیهان 7- عبدالرحمن فرامرزی، مدیر روزنامه کیهان 8- عباس مسعودی (صاحب امتیاز روزنامه اطلاعات) و 9- هادی هدایتی که عضو حزب توده بود 10- علی اصغر امیرانی، صاحب امتیاز مجله خواندنی‌ها 11- مهدی میر اشرافی، صاحب امتیاز روزنامه آتش 12- رسول پرویزی، عضو حزب توده و سناتور آینده

ج: برادران رشیدیان و شبکه آنها

د: بقائی و سه همکار نزدیک او یکی دکتر سپهبدی و دیگری علی زهری و سومی حسین خطیبی که سرتیپ افشارطوس رئیس شهربانی حکومت مصدق را در خانه وی ربوده و کشتند. همکاری این گروه با شبکه برادران رشیدیان (بنا بر زندگی‌نامه بقائی (ص 193) با رسیدن ژنرال آیزنهاور به ریاست جمهوری آمریکا آغاز شده‌است. همکاری باند بقائی با بدامن بر طبق گفته ریچارد کاتم اگر زودتر شروع نشده باشد باید از زمانی باشد که انگلیسی‌ها او را برای ارتباط با برادران رشیدیان را برای ارتباط با سرهنگ پاکروان (سرلشگر و رئیس ساواک بعدی) را برای تماس با نظامیان هوادار انگلستان به مسئول اجرای نقشه تی.پی آژاکس کریمت روزولت معرفی می‌کنند.

بقائی سازمان مخفی و نظامی خاص خود را داشت. وی با سازمان نظامی از طریق حسین خطیبی ارتباط داشت.

اعضای سازمان نظامی او عبارت بودند از:

1- سرهنگ حسن اخوی

2- سرتیپ حبیب الله دیهیمی که رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود و در براه انداختن دستجات اوباش جنوب شهر در 28 مرداد نقش داشت.

3- سرهنگ حسن پاکروان که بعد از کودتا معاون و سپس رئیس ساواک و وزیر و سفیر شد.

4 - سرتیپ ولی الله قرنی که بهنگام کودتا درجه سرهنگی داشت و در رشت بود. بعد از کودتا رئیس رکن دوم ستاد ارتش شد. کودتائی را تدارک می دید که دستگیر و محکوم گردید. او بعد از انقلاب رئیس ستاد ارتش شد.

5 - سرهنگ ارفع

6 - سرهنگ آریانا که بعدها ارتشبد و رئیس ستاد شد.

این افسران با سرلشگر حسن ارفع که عامل سیاست انگلستان محسوب می شد و در ایام کودتا بازنشسته بود ارتباط داشتند.

ذ - نظامیان:

1 - گروه زاهدی مرکب از سرلشگر فضل الله زاهدی و فرزند او اردشیر زاهدی (غیر نظامی)

2- سرهنگ مقدم که زاهدی در باغ او مخفی بود.

3- سرتیپ گیلان‌شاه که در روز 28 مرداد با تانک به «خانه امن» سیارفت و زاهدی را به اداره رادیو و از آنجا به باشگاه افسران برد.

4 - سرهنگ نعمت الله نصیری که در شب 25 مرداد فرمان عزل مصدق را به خانه او برد و رئیس گارد شاهنشاهی بود و قبل از ورود شاه به دستور زاهدی به درجه سرتیپی نائل آمد و همین امر باعث دلخوری محمد رضا از زاهدی در بدو ورود او به ایران شد.

5 - سرلشگر نادر باتمانقلیچ که رئیس ستاد ارتش بعد از کودتا شد. (نک خاطرات سیاسی و نظامی سرهنگ منصور رحمانی راجع به باتمانقلیچ)

6 - سرهنگ عباس فرزندگان که بعد از کودتا سرتیپ و وزیر پست و تلگراف و سخنگوی دولت شد و زمانی که کاشانی زبان به مخالفت گشود او را سید کاشی خطاب کرد!

7 و 8 - سرلشگر عبدالحسین حجازی، (پس از آنکه دختر او را آلوده کردند و کشته شد، خودکشی کرد) و سرلشگر مهدیقلی علوی مقدم و سرتیپ حاجی انصاری که در 21 مهر 1331 به‌مراه آریانا توقیف شدند. بر طبق اعلامیه دولت زاهدی باتفاق این افسران و گروهی دیگر کودتا را تدارک دیده بود..

10 - سرتیپ محمد متین دفتری -خویشاوند مصدق- که رئیس گارد گمرک بود. زمانی که معلوم شد در کودتا شرکت دارد مصدق دستور توقیف او را داد. روزی پیش از کودتا به دختر مصدق همسر دکتر متین دفتری پناه برد. او نزد پدر خود رفت. مصدق دفتری را احضار کرد و به او گفت: از بد اقبالی امروز محتاج خائنی چون تو شده‌ام. سرنوشت ایران و نهضت ملی را در دست تو می‌گذارم. مصدق او را رئیس شهربانی می‌گرداند. او قول وفاداری داد.

روز 28 مرداد او با دو حکم یکی از زاهدی و دیگری از مصدق به شهربانی می‌رود و جلو اقدام علیه کودتایچیان را گرفت.

- 11 - سرتیپ سیاسی که رئیس رکن دوم ستاد بوده‌است.
- 12 - سرتیپ دادستان که در پی کودتا فرماندار نظامی شد.
- 13 - سرهنگ دو اسکندر آزموده
- 14 - سرهنگ دو فرهنگ خسرو پناه خویشاوند مصدق.
- 15 - سرهنگ دو زند کریمی
- 16 - سرهنگ تیمور بختیار که فرمانده تیپ کرمانشاه بود و عموی ثریا همسر محمد رضا و اولین رئیس ساواک در 1335 بعد از کودتا شد.
- 17 - سرهنگ دو منصور پور
- 18 - سرهنگ روحانی
- 19 - سرهنگ دو شهربانی حمیدی
- 20 - سرهنگ دو هادی کسرائی.

غیر از اینها افسرانی هستند که سرهنگ نجاتی در کتاب «جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد 1332» (صص 344 و 345) فهرست کرده‌است. افسرانی که در این فهرست آورده‌است با افسران شرکت کننده در کودتا همکاری کرده‌اند. از این اسامی برخی در «یادداشتها و وصیت نامه سرگرد علمیه» آمده‌اند. این یادداشتها ضمیمه کتاب جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای 28 مرداد 1332 است:

سرگرد علمیه که بازپرس کودتایچیان دستگیر شده بوده است اسامی این افسران را نیز به دست می‌دهد:

- 21 - ستوان یک ریاحی 22 - سرگرد حسین فردوست که بعدها به درجه ارتشبدی رسید 23 - ستوان یک جهان‌بینی 24 - سروان بلاری 25 - سروان سپهر 26 - سرگرد سپهر 27 - سرگرد امان الله صفائی 28 - سرگرد کاوسی 29 - سرهنگ شاهرخ 30 - سرگرد مؤید 31 - سرگرد محسن مبصر رئیس شعبه تجسس رکن دوم ستاد که بعدها رئیس شهربانی شد. 32 - سرتیپ محمد معینی

افسران زیر نیز در شمار این نوع افسران بوده‌اند و نامهاشان در کتاب جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای 28 مرداد آمده‌اند:

- 33 - سرگرد رکنی 34 - سروان شقاقی (سر لشگر شد و در خوزستان با حسن عرب نزاع کرد و او را زد و به دستور شاه بازنشسته شد زمانی که خبر بازنشستگی خود را شنید گفت: ما را بگو که کودتا کردیم این شاه... را از رم بازگرداندیم و اکنون او ما را به حسن عرب... فروخت! پس از ادای این جمله گلوله‌ای در مغز خود خالی کرد)

35- ستوان یک اسکندری 36 - ستوان آزمون و 37 - ستوان یک نراقی و 38 - ستوان دوم جعفربای 39 - سرگرد خیر خواه 40 - سروان صاعدی 41 - ستوان قادری

سرهنگ نجاتی نام‌های سرهنگ مبصر و سرهنگ حسینقلی اشرفی را نیز آورده است. اولی رئیس شهربانی و دومی فرماندار نظامی بودند. اما سرهنگ حسینقلی سررشته در «خاطرات من» (صص 116 - 121) توضیح می‌دهد که سرهنگ اشرفی با کودتاجیان همکاری نداشت و توقیف او کمک بزرگی به کودتا بود. زیرا فرمانداری نظامی را در لحظه‌ای حساس بدون فرمانده رها کرد...

سرهنگ سررشته می‌گوید روز 28 مرداد وارد اطاق سرتیپ ریاحی شده و به او اطلاع داده است که سرهنگ ممتاز در محاصره است و اجازه خواسته است نیرو به کمک او ببرد. بجای این اجازه ریاحی او را از ریاست دژبان نیز برکنار کرده است. در حضور او سرتیپ سیاسی بوده است که در کودتا شرکت داشته و سرتیپ فولادوند بوده که در پی کودتا سرلشگر و فرمانده دانشکده افسری شد. این همان افسری است که به خانه مصدق می‌رود و از او می‌خواهد تسلیم شود. شخص سوم سرهنگ روح الله نویسی بوده که بعد از کودتا سرتیپ شد. مصور رحمانی در کهنه سرباز تقی ریاحی را به خیانت متهم می‌کند.

سرهنگ سررشته سرهنگ ناصر شاه‌رخی فرمانده پادگان جی را در شمار کودتاجیان نمی‌داند. در پیوستی که جنبه نظامی عملیات آژاکس شرح شده‌اند از 40 افسر در صف صحبت به میان آمده است. سرهنگ نجاتی فهرستی از افسران نیز تهیه کرده است که حاوی نامهای افسرانی است که در ساعات آخر به کودتاجیان پیوسته‌اند و یا در خارج از تهران بوده‌اند:

- 1 - سرتیپ اسماعیل ریاحی 2- سرهنگ دوم علوی کیا که بعد معاون ساواک شد 3- سرهنگ امیر قلی ضرغام 4 - سرهنگ عباس معینی 5 - سرگرد پرویز خسروانی 6 - سرهنگ محمدتقی مجیدی 7 - دریادار نصیر زند 8 - سرهنگ غلامحسین افخمی 9 - سرگرد مولوی 10 - سروان عسگری 11 - ستوان دانشور 12 - سرگرد صیادیان 13 - سروان هوائی برنجیان 14 - سرگرد جلیلی و 15 - ستوان یک غفاری 16 - ستوان یک و کیلی 17 - سرگرد مجلسی 18 - سرهنگ دوم مرعشی 19 - سرگرد جاوید پور 20 - سرگرد اکبر زند 21 - سرگرد مرادیان و 22 - سرگرد زمانیان 23 - سرگرد کیومرث آگهیان 24 - سرگرد خدایاری 25 - سرگرد رزاقی و 26 - استوار ابروانی 27 - سرهنگ رضا زاهدی 28 - سرهنگ جعفر قلی صدری 29 - سرگرد حسین دولو 30 - سرهنگ علی خواجه نوری.

بدین قرار، ادعای کیانوری (خاطرات نورالدین کیانوری صص 331 تا 333 نامه‌ای که در آن کیانوری نظر می‌دهد حزب و سازمان نظامی او قادر به جلوگیری از کودتا نبوده‌اند) نادرست است. در کودتا شمار اندکی از افسران ارتش شرکت کرده‌اند. شرکت کنندگان اصلی از بازنشسته و در خدمت بزرگوار به 40 تن می‌رسیده‌اند که کودتایشان در 25 مرداد شکست می‌خورد. از آن روز به بعد ابتکار عمل به دست برخی از روحانیان درباری می‌افتد.

بدیهی است اگر این شمار اندک نظامیان کنترل می‌شدند. آنان نیز قادر به انجام کاری نبودند. کنترل این گروه نیاز به سازمان نظامی حزب توده نیز نمی‌داشته و ارتشیان وفادار به نهضت ملی می‌توانسته‌اند کودتاچیان را دستگیر و از کار باز بدارند.

پایگاه سیا در طول روز در پخش فتوکپی فرمان‌ها بخصوص در میان ارتشیان کوشش بزرگی بکار برد و بیش از پیش کوشید آنها را در مطبوعات درج و موضوع بحث کند. مسلم شد که اطلاع عمومی از وجود فرمان‌ها اثر داشته است. هر کس می‌پرسد: «آیا راست است که شاه فرمان‌هایی را صادر کرده‌است؟». اگر چنین است مصدق چرا دروغ می‌گوید؟ آیا این کار سرزنش‌بارترین کاری نیست که او کرده‌است؟»

برابر یادداشت‌های سرگرد علمیه (که در دادگاه مصدق نیز صحت آن مسلم گشت و این گزارش نیز آن را تأیید می‌کند) سرهنگ نصیری در بازجویی گفته است: «روز پنج شنبه صبح از رامسر یا کلاردشت بقول خودش «با دو فرمان و یک پیام به مرکز حرکت نموده به این ترتیب که دو کاغذ مارکدار سفید که ذیل آنها را اعلیحضرت همایونی توشیح فرموده بودند در دست داشته نزد هیراد رئیس دفتر مخصوص آمده و اظهار می‌دارد که در این دو کاغذ سفید مهر متن این دو مینوت را که خط خوردگی داشته یکی به خط خود مبنی بر عزل دکتر مصدق و دیگری به خط کسی که معلوم نشد در مورد نخست وزیری کسی که اسم آنها در آن مینوت نوشته نشده بود بنویسد و اسم نخست وزیر جدید را سرلشگر زاهدی قید کند.» بعداً که فرمان صبح آن روز منتشر شد بنظر اینجانب حتی با مینوت اصلی هم عبارات و مفادش فرق داشت. زیرا در مینوت اسم زاهدی در وسط می‌بایست قید شود در صورتی که در فرمان منتشر شده در بالای فرمان اسم ایشان قید شده و در متن فرمان ذکر کلمه شما شده و مینوت آنها فرق داشت.» بدین قرار مصدق دروغ نگفته‌است. فرمان‌ها در واقع دو کاغذ سفید با دو امضاء بیشتر نبودند. غیر از اینکه شاه حق عزل نخست وزیر را نداشته‌است سپردن دو نامه سفید امضاء مسلم می‌کند شاه سابق به اختیار خود این دو فرمان را صادر نکرده‌است. اوامر سیا و انتلیجنس سرویس را بترتیبی که حداقل مسئولیت را متوجه او کند، اجرا کرده‌است.

گازیروفسکی بدرستی یادآور می‌شود که در این گزارش علل شکست کودتای 25 مرداد با جزئیات آن قید نشده‌است. گزارش می‌گوید برخی از ایرانی‌ها دست اندر کار آن را نشان داده‌اند. جزئیات آن را گزارش نمی‌کند. حزب توده چند روز پیش از اجرا از طرح کودتا با جزئیات آن مطلع می‌شود. بر ایراد گازیروفسکی باید افزود حق این است که حزب توده بسیاری از ابهام را تا این زمان روشن نکرده‌است. از جمله اینکه دستگاه اطلاعاتی که طرح کودتا را با جزئیاتش به آنها اطلاع داد از 26 تا 28 مرداد چه می‌کرد؟ چطور ممکن شد سیا توانست بدون اطلاع حزب توده بنام این حزب کارهایی را بکند که در این گزارش آمده‌اند؟ باوجود کودتای 25 مرداد چرا سازمان نظامی خود را به حالت آماده باش درنیاورد؟ دست کم چرا به آنها تعلیمات ضروری را نداد؟ (نک، ایران و کودتای 28 مرداد 1332)

عصر آن روز بهترین زمان برای پایگاه سیا بود. عاملان اصلی فرخ کیوانی و علی جلیلی از راه رسیدند و تعلیماتی دادند. در محل سفارت روزولت و کارول با سران تیم خود شورای جنگی طولانی تشکیل دادند. سرلشگر زاهدی و اردشیر زاهدی و سرتیپ گیلانشاه و برادران رشیدیان هر سه و سرهنگ فرزندگان در این شورا شرکت داشتند. بعضی از این افراد در بیرون سفارت خانه داشتند آنها رادست بسته و یا در حال خوابیده در کف خودرو به سفارت آوردند. [۹۴]

کمتر از صد متر آن طرف تر در برابر سفیر کبیر آمریکا هندرسون و ژنرال مک کلور در باغ سفارت در برابر اقامت گاه سفیر، روزولت به آنها اطمینان می داد که هیچ ایرانی در

بهر رو شکست کودتا در 25 مرداد و پیروزی آن در 28 مرداد مسلم می کند عواملی که فعال بودند (ستاد ارتش و فرمانداری نظامی و حزب توده و جبهه ملی و سازمانهای وابسته به آن) غیر فعال شدند و عواملی که غیر فعال مانده بودند فعال شدند (...اوباش که بسیج شدند گارد شاهنشاهی که اسلحه اش در دسترس بود و...) نک: خاطرات سرهنگ ممتاز.

94- در ساعت 13:25 ظهر فاطمی کنفرانس مطبوعاتی ترتیب داد. در آن او از پرواز شاه به بغداد سخن گفت. نامه ابوالقاسم امینی وزیر دربار در توقیف را خواند. او گفت که 14 افسر توقیف شده اند. او دیدگاه های مشروح خود را در سرمقاله باختر امروز نوشته است. به طور عمده حملات سراسر ناسزا به شاه است. او از جمله این جمله ها را در سرمقاله خود آورده است: «ای شاه خانن! ای بی آزرم مرد! شما تاریخ جنایت بار سلطنت پهلوی را کامل کردید. ملت... می خواهد شما را از تخت سلطنت فرو کشد و روانه زندان کند.»

اوائل بعد از ظهر هندرسون سفیر آمریکا در ایران از بیروت وارد تهران شد. در راه فرودگاه مهر آباد اعضای سفارت که برای استقبال از سفیر می رفتند در انتهای خیابان شاه رضا (میدان 24 اسفند) منظره مجسمه برنزی رضا شاه را دیدند. تنها چکمه های او بر جای مانده بود. مجسمه میدان سپه را نیز فرو افکنده بودند بقایای مجسمه و اسب را در پی خود کشان کشان می بردند. از جمعیتی که به تخریب مجسمه پرداخته بود بدون تردید اکثریت با اعضای حزب توده بود. نک: خاطرات کیانوری.

از سوی حکومت، دکتر غلامحسین مصدق فرزند نخست وزیر و دکتر عالمی وزیر کار به استقبال هندرسون آمده بودند. در ساعت 16 و 30 پایگاه سیا گزارشی تلگرافی فرستاد و در آن برآوردی از وضعیت محلی بعمل آورد. بر طبق برآورد وضعیت مصدق برای هفته های آینده تقویت شده است و اصرار شده بود که سیاست مخالفت با او باید ادامه پیدا کند. نزدیک به پایان روز حکومت، صدر بلاغی واعظ را بکار گرفت و او از رادیو به شاه حمله کرد.

محل سفارت مخفی نبوده و اگر مصدق پرسید او در کمال شرافت می‌تواند بگوید هیچ ایرانی در سفارت وجود ندارد.

شورای جنگی بمدت چهار ساعت بطول انجامید. در پایان مقرر شد که بخشی از عملیات در روز چهارشنبه 19 اوت [28 مرداد] بعمل آید. برای تدارک این عملیات چند فعالیت خاص باید انجام شود:

در قلمرو سیاسی تصویب شد که آیت‌الله بروجردی به همکاری بر ضد مصدق واداشته شود و اعلام شود «وقت آن است که افسران وفادار ارتش و سربازان و مردم به حمایت دین و سلطنت برخیزند.»^[۹۵]

در قلمرو عمل نظامی حمایت از بیرون از تهران بنظر اساسی رسید. سرهنگ فرزندگان در خود روئی که یک عضو پایگاه سیا -جرالد تاون- آن را رانندگی می‌کرد به کرمانشاه فرستاده شد. او مأموریت داشت سرهنگ تیمور بختیار فرمانده تیپ کرمانشاه را متقاعد کند جانب شاه را بگیرد. اردشیر زاهدی باتفاق کارول به اصفهان فرستاده شد. مأموریت آنها این بود که سرتیپ ضرغام فرمانده لشکر اصفهان را راضی کنند تا جانب شاه را بگیرد. با

95- این بخش از گزارش توضیحات زیر ابهامها را رفع می‌کنند:

1 - بر طبق تحقیق مارک گازیوروسکی آیه‌الله بروجردی پاسخ منفی می‌دهد و حاضر نمی‌شود در خیانت کودتا شرکت کند.

2- عصر روز 27 مرداد و روز 28 مرداد برادران رشیدیان در به راه انداختن اوباش نیروهای دیگر را یاری رساندند..

3- در 27 مرداد نخست اعضای حزب توده در گروهها به راه افتادند و در پی آن بود که طرح «توده‌ایهای قلبی» به اجرا گذاشته شد. اما چرا حزب توده نتوانست گروههایی را خنثی کند که عوامل سیا و انتلیجنس سرویس بنام این حزب به راه انداخته بودند؟ این پرسشی است که هنوز پاسخ روشنی پیدا نکرده‌است.

عصر 27 مرداد تمامی این عاملها دست به دست هم داد و وضعیت را تغییر داد. قوای انتظامی دستور یافتند خیابانها را از تظاهر کنندگان خلوت کنند و حاصل آن نزاعهای جدی شد. دوستان سرهنگ حمیدی در شهربانی دستور گرفتند کاری بکار زدن و شکستن و غارت کردن توده‌ایهای قلبی نداشته باشند در عوض تودایها را بزنند و بسود شاه شعار بدهند.

استفاده از امکانات پایگاه سیا برای پیک‌ها شناسنامه و اوراق لازم عبور و مرور به ترتیبی که جعلی بودنش قابل تشخیص نباشد تهیه شد.

در تمام ساعات طولانی روز 17 اوت [26 مرداد] ستادهای سیا و انتلیجنس سرویس، برای کاستن از شدت یأس، نمی‌توانستند کاری انجام دهند. ستاد سیا، تلگرامی به پایگاه سیا در تهران فرستاد که بخاطر حفظ جان، روزولت باید هرچه زودتر از ایران خارج شود. این تلگراف شدت یأس را باز هم بیشتر کرد. همزمان تلگراف دیگری به بری -سفر آمریکاد در بغداد- حاوی رهنمودهای تبلیغاتی درباره نحوه عمل او در دیدار بعدیش با شاه، رهنمودهای تبلیغاتی برای ایستگاه‌های سیا در کراچی و دهلی نو و قاهره و دمشق و استانبول و بیروت فرستاده شد حاکی از اینکه حکومت زاهدی تنها حکومت قانونی [ایران] است. درست بعد از ظهر همان روز، ستاد سیا یک مأمور پایگاه پاریس را به جنوب فرانسه فرستاد تا آقاخان (رهبر فرقه اسماعیلیه) را به فرستادن تلگرافی به شاه برانگیزد. در این تلگراف آقاخان باید از شاه حمایت و روحیه او را تقویت می‌نمود. بسیار دیرتر ستاد مطلع شد که تماس برقرار شده است. اما نتیجه مورد نظر به دست نیامده است. آقاخان گفته بود شاهی که کشور و تخت و تاج خود را رها می‌کند، هرگز باز نمی‌گردد. بعد از این اظهارات دیگر کوششی برای اینکه او به حمایت شاه برخیزد به کار نرفت. البته مدتی بعد او متوجه شد که شاه می‌تواند تاج و تخت خود را بازیابد.

در نیکوزیا ستاد انتلیجنس سرویس بسیار ناامید بود. از مرکز خود در لندن و وزارت خارجه نیز بسیار عصبانی شده بودند. داری شایر همچنان می‌کوشید اجازه عزیمت به بغداد را به دست آورد. در همان حال که پافشاری و اعتقادی که پایگاه انتلیجنس سرویس ظاهر می‌کرد، در خور ستایش است اما نباید از یاد برد که در صورت شکست کامل طرح کودتا، چیزی را از دست نمی‌دادند.

ساعت 18 پر مشغله‌ترین ساعت برای همه افرادی و در هر کشوری که از طرح کودتا اطلاع داشتند، بود. ساعت 7:30 صبح شاه با هواپیمای مسافربری BOAC بغداد را به مقصد

رم ترک گفت. چند ساعت بیشتر لازم نبود برای اینکه خبر به تهران برسد. تهران با گروه‌های کوچکی که در خیابان‌ها به حرکت درآمدند روز خود را شروع کرد. حزب توده مرکز حزب پان ایرانیست^{۹۶}، واقع در نزدیکی مجلس را ویران و غارت کرد (کیوانی و جلیلی محرک این تخریب بودند). میان افراد حزب توده و نیروی سوم (به رهبری خلیل ملکی) زد و خوردهایی روی داد.

روزنامه‌های صبح در ساعات معمول منتشر شد. با استقرار افراد پلیس مخفی در چاپخانه‌ها نشریه‌های مخالف اجازه انتشار یافتند. روزنامه‌های طرفدار مصدق اعلام می‌کردند که سلطنت پهلوی به پایان رسیده است.

در همان حال که روزنامه اطلاعات برغم اطمینان دادن ناشر آن که از مشی پایگاه سیا حمایت می‌کند نوشت: «ملت مخالفت شدید خود را با کودتا به سود بیگانگان ابراز کرد. روزنامه «داد» با درج دوباره فرمان شاه و مصاحبه زاهدی به کوشش خود ادامه داد. روزنامه «شاهد» فرمان شاه را درج کرد. کیهان دو یادداشت کوتاه درباره دعای زاهدی انتشار داد. «شجاعت» که به جای «بسوی آینده» منتشر می‌شد بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران را منتشر می‌کرد و در آن آمده بود که حوادث اخیر به تحریک انگلیس و آمریکا بوده و مورد تقبیح است. و افزوده بود که شعار روز باید: «مرگ بر سلطنت! و زنده باد جمهوری دموکراتیک» باشد. در طول صبح خبرگزاری فرانسه گزارشی را ارائه داد. هدف از آن این بود که نقش مهمی را در خارج از ایران ایفا کند. در این گزارش اظهارات زاهدی خطاب به افسران ارتش گنجانده شده بود: «آماده جانبازی برای حفظ استقلال و سلطنت ایران و دین مقدس اسلام که اینک کمونیست‌های بی دین آن را تهدید می‌کند، باشید».

اطلاعیه‌های نظامی که از رادیو تهران پخش می‌شد، حاکی از آن بود که حکومت به کوشش‌های خود برای تحکیم کنترل اوضاع ادامه می‌دهد. در یکی از این اطلاعیه‌ها 100

96- محل حزب پان ایرانیست به رهبری پزشکپور در خیابان شاهپور (وحدت اسلامی فعلی) بوده و دفتر وکالت او در بهارستان قرار داشت. در 27 مرداد به محل حزب ملت ایران به رهبری فروهر حمله شد.

80..... سرنگونی دولت مصدق

هزار ریال جایزه برای کسی که مخفیگاه زاهدی را نشان دهد، معین شده بود. اطلاعیه دوم از سرهنگ عباس فرزندگان می‌خواست خود را به فرمانداری نظامی معرفی کند. اطلاعیه سوم هرگونه اجتماع و تظاهرات را ممنوع می‌کرد. در ساعت 10:30 سرتیپ ریاحی رئیس ستاد در قرائت خانه دانشکده نظامی افسران بلند پایه ارتش را جمع کرد و به آنها تأکید کرد که باید نسبت به حکومت مصدق وفادار بمانند.

افراد پایگاه سیا در تهران تمامی کوشش خود را به کار می‌بردند تا تصمیمهای 16 اوت [25 مرداد] را اجرا کنند و نیز خود را برای رویارویی با هر احتمالی آماده می‌کردند. در پیامی به مرکز سیا، پایگاه خواست وسائل لازم را برای تخلیه مخفیانه حدود 15 نفر از ایران آماده کند. پیام دیگری نظر نظامیان ایرانی را منتقل می‌کرد. بدین ترتیب، شاه باید دستورهای خود را از طریق رادیو ابلاغ کند و بالاخره از مرکز پرسید: آیا پایگاه باید به اجرای نقشه تی.پی.آژاکس ادامه دهد و یا از آن دست بکشد. پایگاه انتلیجنس سرویس در نیکوزیا از شکست اولیه [کودتای 25 مرداد] ابراز تأسف کرده و گفته است همه کار می‌کند تا لندن را به لزوم پشتیبانی از پایگاه در ادامه دادن به کوششها متقاعد کند. در دنباله پیام، اظهارات شاه در بغداد نقل شده بود. پایگاه انتلیجنس سرویس از مرکز خود در لندن خواسته بود شاه را بر آن دارد به زیارت عتبات عالیه عراق برود. چرا که در آنجا مستقیماً با روحانیان مقیم عتبات تماس پیدا می‌کند.

بعد از ظهر، بیشترین خبرها مربوط به عملیات نبود. بلکه راجع به اظهارات منابع مختلف بود. فاطمی وزیر خارجه در کنفرانس مطبوعاتی خود اعلام کرد که در بغداد قیامی بر ضد شاه روی داده است. گفته او دروغی کامل بود⁹⁷ [ساعت 15 شاه وارد رم شد. در آنجا خطاب به مطبوعاتی که ماجرا را تعقیب می‌کردند، اظهاراتی را ایراد کرد. این اظهارات امیدهای هواداران او را ناامید نمی‌کرد و اما به هیچ‌رو دعوت به عملی نیز در میان نبود. بعد از

97- این مطلب صحت ندارد.

سرنگونی دولت مصدق..... 81

ظهر همان روز رادیو مسکو بیانیه حزب توده ایران را قرائت کرد. همان بیانیه‌ای که صبح در روزنامه شجاعت چاپ شده بود.

عصر هنگام، خشونت در خیابانهای تهران حاکم شد. مشکل می‌توان گفت چه عاملی علت اصلی این امر بود. اما می‌توان عوامل احتمالی آن را بر شمرد:

عامل اول: پرواز شاه، که مردم را آگاه کرد که مصدق تا کجا پیش رفته است و مردم به گروه‌های خشمگین هوادار شاه پیوسته بودند.

عامل دوم: روشن بود که حزب توده توانائی خود را بیش از واقعیت، برآورد کرده بود. این ارزیابی نادرست یا از رابطان حزب با شوروی و یا از رهبران حزب و یا از افراد حزب ناشی می‌شد. در طول روز حزب نه تنها مجسمه‌های شاه را پائین کشیده بود بلکه پرچم خود را نیز برافراشته بود و همچنین حزب تابلوهای اسامی خیابان‌های را که بنام پهلوی نام گذاری شده بود و یا یادآور رویدادهایی بود که با برقرار شدن سلسله پهلوی ربط داشتند بر می‌داشت و بجای آنها تابلوهایی از اسامی «مردمی» نصب می‌کرد. بنظر می‌رسید حزب آماده دست زدن به کوشش آخری برای استقرار «دموکراسی توده‌ای» است. بر این باور که مصدق با حزب سرشاخ نمی‌شود و یا که حزب موفق می‌شود او را در خیابان‌ها شکست بدهد.

عامل سوم: حکومت مصدق کم‌کم نگران همراهی با حزب توده شد. حزب پان ایرانیست و نیروی سوم سخت از وضعیت کنونی ناخشنود بودند.

عامل چهارم: فعالیت‌های جلیلی و کیوانی برای متهم کردن حزب توده به فعالیت‌های تروریستی به اوج خود می‌رسید که جزئیات آن در صفحات پیشین آمده‌است. هدف این بود که بنام حزب توده ترس و وحشت ایجاد شود. عصر همین روز جلیلی و کیوانی دستجات توده‌ای‌های قلابی را در خیابان‌ها به حرکت درآوردند و مأموریتشان این بود که در لاله زار و خیابان امیریه و هر جای دیگر که ممکن است به مغازه‌ها حمله و آنها را غارت کنند و وانمود کنند که این حزب توده است که دست به این کارها می‌زند.

حزب توده از قرار معلوم سریع به این امور پی برد و دانست که در پوشش حزب، دیگران نقش بازی می کنند و اعضای حزب برای منازعه با قوای انتظامی به اندازه کافی قدرت ندارند. آنها افراد خود را بیرون آوردند تا تظاهرکنندگان را قانع کنند که به خانه های خود بروند.

مرکز سیا روز دیگری را با سرخوردگی و ناامیدی به شب رساند. رشته کارها و رهبری آن از دست شعبه و بخش بیرون رفت و در دست عالی ترین مقام ها قرار گرفت. تعدادی از افراد مشغول تهیه پیامی شدند که دستور متوقف کردن عملیات بود. عصر هنگام پیامی که فرستاده شد بر مبنای نظر وزارت خارجه تهیه شده بود:

«نقشه به اجرا گذاشته شد و عملیات شکست خورد».

موضع دولت انگلیس این بود:

«ما باید از اینکه نمی توانیم وارد جنگ بشویم، متأسف باشیم»

و موضع مرکز سیا این بود:

«با وجود فقدان توصیه های قوی مخالف با پایان دادن به عملیات از سوی هندرسون و روزولت، عملیات بر علیه مصدق باید متوقف شود.» [۹۸]

98- بدینسان در ظهر روز 27 مرداد وزارتخانه های خارجه انگلیس و آمریکا و سیا دستور توقف عملیات ضد حکومت مصدق را صادر می کنند. گازیوروفسکی بدرستی یادآور می شود که در گزارش نسبت به دستجاتی که عوامل سیا براه انداخته اند جز اشاره نیامده است. علتی جز این نمی تواند داشته باشد که سیا و انتلیجنس سرویس در ظهر روز 27 مرداد شکست کودتائی را که رهبری کرده بودند، پذیرفتند. از آن پس اوباش و طرفداران شاه بودند که با سوءاستفاده از مبارزه با حزب توده، گروه های چماق به دست را بکار انداختند و شکست سیا و انتلیجنس سرویس را به پیروزی برگرداندند.

اما چرا سازمان های سیاسی هوادار مصدق وارد عمل نشدند؟ با توجه به گزارش سیا مسلم است اگر وارد عمل می شدند عملیات دوم به رهبری اوباش و کودتاچیان نیز همان روز 27 مرداد شکست می خورد. بر طبق مدارک تاریخی برای نیروی سوم خطر اصلی و عاجل، حزب توده بود. موضوع گفتگوهای رهبری این سازمان این بوده است که تجهیزاتی برای زد و خورد با حزب توده فراهم و در محل حزب انبار کنند.

شاه پیروز می شود

در 18 اوت [27 مرداد] تنها شاهد، روزنامه بقائی، فرمان شاه را که بنا بر آن، زاهدی به نخست وزیری منصوب شده بود منتشر کرد. در 19 اوت [28 مرداد] در هنگامی که شهر بیدار می شد آنها که سریع بیدار شده و از خانه بیرون می زدند، می توانستند تصویر فرمان و یا متن ماشین شده آن در روزنامه های ستاره اسلام، آسیای جوان، آرام، مرد آسیا، ملت ما و ژورنال دو تهران ببینند. چهارتای اول این نشریه ها و شاهد و داد علاوه بر فرمان، مصاحبه ای جعلی با زاهدی را نیز منتشر کرده بودند. در این مصاحبه که آن را جلیلی ساخته و پرداخته بود از قول زاهدی گفته شده بود که او تنها نخست وزیر قانونی ایران است. در همان صبح، کمی دیرتر صدها ورقه حاوی فرمان و مصاحبه زاهدی در خیابانها پخش شد و نیز با آنکه هریک از این روزنامه ها که شمارگان محدودی داشتند. [۹۹] خبرهای مندرج در آنها در تمام

99- گازیوروسکی حق دارد زمانی که می نویسد گزارش سیا رویدادهای 28 مرداد را درز می گیرد. خواننده ای که این گزارش را می خواند گمان می برد بمحض آنکه فرمان منتشر شد، مردم و ارتشیان براه افتادند. ترس از افتادن کشور به دست حزب توده نیز مزید بر علت شد! اما گروه های طرفدار شاه خود به خود در حوالی بازار جمع نشدند. این گروهها را برادران رشیدیان با توزیع اسکناس (ریال و دلار چون امکان تعویض دلارها را نیافته بودند) جمع کردند. حدود 400 تن از چاقو کشان بنام و چماقداران به سرکردگی طیب حاج رضائی و حسین رمضان یخی سبزه میدان و خیابان ارک را اشغال کردند. این عده که به چماق و چاقو و هفت تیر مسلح بودند در گروه های 30 و 40 نفری حمله به وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی را آغاز کردند.

چماقدارانی که در سرچشمه گرد آورده شد را کاشانی و دستیار او شمس قنات آبادی و بقائی و حزب او گرد آوردند. اینها به سرکردگی چاقو کشانی چون امیر مویور، حمله خود را با احزاب از میدان بهارستان شروع کردند. بدیهی است این عده نمی توانستند کودتا کنند. سرتیپ دفتری که از سوی مصدق و نیز زاهدی دو حکم ریاست شهربانی را در دو جیب خود داشت با افراد گارد گمرک، به شهربانی رفت و به قوای انتظامی دستور داد جانب چاقو کشان و چماقداران را بگیرند.

اما درس بزرگ و بسیار عبرت آموز اینکه به دستور شاه طیب و رمضان یخی در پی قیام 15 خرداد 1342 اعدام شدند. دفتری سرلشگر شد و به اتهام دزدی در دادگاه نظامی محکوم شد. زاهدی بعد از 8 ماه نخست وزیری به سوئیس تبعید شد و تا آخر عمر در تبعید ماند.

شهر پیچید. هنوز ساعت 9 صبح نشده، گروه‌های طرفدار شاه در بازار اجتماع کردند. افراد این گروه‌ها نه تنها میان شاه و مصدق، شاه را انتخاب کرده بودند بلکه از فعالیت حزب توده در روزهای پیش از آن روز، خونشان به جوش آمده بود و آماده عمل بودند، تنها نیاز به رهبری داشتند.

در صبح همان روز کیوانی و جلیلی اطلاع دادند که بیانیه عالی‌ترین مقام دینی یعنی آیه‌الله بروجردی در جریان روز می‌تواند منتشر شود و تدارک لازم بعمل آمده‌است تا از این بیانیه استفاده لازم بعمل آید. جلیلی و دو تن از دستیاران بسیار فعال او -منصور افشار و مجیدی- در منطقه بازار بودند. و با در اختیار داشتن چند جیب و کامیون آماده عزیمت به قزوین بودند. نقشه آنها این بود که فرمان را در این شهر که در 85 کیلومتری غرب تهران قرار دارد به چاپ رسانند. چرا که حکومت مصدق، خفقان مطبوعات را تشدید کرده بود. به محض آنکه جلیلی و مجیدی و رضائی یکی دیگر از عوامل جزء دیدند گروه‌های طرفدار شاه دارند گرد می‌آیند بسوی آنها رفته تا نیاز آنها را به رهبری برآورده سازند. جلیلی رهبری یک گروه را در پیشروی بسوی مجلس بر عهده گرفت و در راه آنها را به آتش زدن اداره روزنامه باختر امروز برانگیخت. این روزنامه نیمه رسمی و صاحب امتیاز آن وزیر خارجه بود که در روزهای 17 و 18 اوت [26 و 27 مرداد] حملات توهین آمیزی را به شخص شاه کرده بود. در همان روز، افشار عناصر دیگری را به سوی روزنامه‌های حزب توده «شهباز»، «بسوی آینده» و «جوانان دموکرات» هدایت کرد. ادارات این روزنامه‌ها همه غارت و ویران گردید.

خبرها حاکی بود که امر سرنگون کردن در شرف رخ دادن است. جنب و جوش خیابان‌های بزرگ [تهران] را فرا می‌گرفت. این حرکت به خانه مصدق می‌رسید. درست در

بقائی را چند نوبت زندانی و تبعید کردند و زاهدی گفته بود که شاه می‌خواست او را بکشد من نگذاشتم! و... طرفه اینکه قاعده‌ای که قدرت از آن پیروی می‌کند ورد زبان بقائی بود که دیکتاتور نخست چوبست‌ها را بر می‌دارد! شاه نیز اول آنهاپی را از میان برداشت که با کودتای 28 مرداد از او یک دیکتاتور ساختند.

موقعی که او با اعضای هیأت وزیران خود جلسه داشت، در ساعت 9 صبح، پایگاه سیا این خبرها را دریافت کرده بود. در ساعت 10 خبر آمد که اداره باختر امروز و باشگاه مرکزی حزب ایران ویران گشته است. همچنین در ساعت 10 با برادران رشیدیان تماس برقرار شد. آنها بسیار شادمان بودند. با به کار بستن دستورالعمل‌های آنها و نیز دستورهایی که به جلیلی و کیوانی داده شده بودند، اینک نیروهای انتظامی را به طرفداری از تظاهرکنندگان بر می‌انگیختند تا به تصرف ایستگاه رادیو پردازند.

صبح زود سرهنگ دماوند که در تهیه طرح کودتا شرکت داشت در میدان بهارستان در برابر مجلس ظاهر شد. او بر تانکی سوار بود که از گردان دوم تیپ دوم زرهی آورده بود. این گردان موظف به انجام این عملیات بود. سرهنگ دوم خسرو پناه و سروان علی زند با دو کامیون از همان گردان به او پیوستند. افراد گارد شاهنشاهی که مرخص شده بودند بر این کامیون‌ها سوار و در خیابان‌ها به حرکت در آمدند. در ساعت 10:15 افراد نیروهای نظامی طرفدار شاه، سوار بر کامیون‌ها در چهار راه‌های اصلی مستقر شدند.^[۱۰۰] در حدود ساعت 9:30 گروه‌ها به بخش شمال شهر نفوذ می‌کردند. گروه‌های واقعاً بزرگ مجهز به چوب و سنگ از جنوب شهر تهران می‌آمدند و زمانی که به میدان سپه^[۱۰۱]

100- فرمانده تیپ دوم زرهی سرهنگ شاهرخ بود. سرهنگ نجاتی در «جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد 1332» (ص 418) قول سرهنگ عزت الله ممتاز مدافع خانه مصدق را درباره رفتار این فرمانده اینطور نقل می‌کند:

«پس از اینکه از زندان آزاد و مرخص شدم سرهنگ شاهرخ (فرمانده تیپ دو زرهی) ایرادی که از من می‌گرفت این بود که بیهوده و بیش از اندازه مقاومت کرده‌ام. برای تبرئه خودش می‌گفت: «آن روز دستور دادم سیم تلفن پادگان «جی» را قطع کنند.»

اگر او تصمیم می‌گرفت جانب استقلال ایران را بگیرد و این ننگ را نپذیرد که چند عامل سیا استقلال کشورش را بر باد بدهند تاریخ طور دیگر نوشته می‌شد. برای آنها که تاریخ لحظه‌ای را پیش می‌آورد که تصمیمشان می‌تواند سرنوشت کشوری را این یا آن کند، سرنوشت افرادی چون این سرهنگ سخت عبرت‌آموز است.

101- میدان امام خمینی (ره) فعلی

می‌رسیدند یکی شده و به طرف شمال و مرکز شهر به حرکت در می‌آمدند. در آنجا قوای مسلح در مقام اخطار به جمعیت صدها تیر هوائی شلیک کردند. اما آشکار بود که نمی‌خواهند به جمعیت طرفدار شاه تیراندازی کنند. در نتیجه جمعیت می‌توانست بسوی نقاط کلیدی به حرکت در آید. در لاله زار که از خیابانهای عمده محل خرید بود، تآتر سعدی^[۱۰۲] که بانی آن حزب توده بود، به آتش کشیده شد.

جمعیت خود جوش، متشکل از زن مرد و کودک شعار می‌داد: «شاه پیروز است.» جمعیت مصمم می‌نمود و حال و هوای جشن خیابان‌ها را فرا گرفته بود. این طور به نظر می‌رسید که فشارهای بیرونی از بین رفته و مردم می‌توانند احساسات واقعی خود را بیان کنند. جمعیت مثل هفته‌های گذشته مرکب از جوانان نخاله نبودند. بلکه از تمامی طبقات مردم - بسیاری لباسهای خوب در بر داشتند - بودند که با همکاری شهروندان دیگر یا هدایت و یا تشویق می‌شدند. کامیونها و اتوبوسها پر از جمعیت در حرکت بودند. نزدیک ظهر پنج تانک و بیست کامیون سرباز به جمعیت پیوستند و حرکت جنبه دیگری بخود گرفت. این جمله که چراغ‌های خود را روشن کنید سرعت پخش شد. در شهر عکس‌های شاه پخش می‌شد. خودروها با چراغهای روشن و بوق زنان آمد و شد می‌کردند که نشانه وفاداری رانندگان به شاه بود.^[۱۰۳]

در حوالی 10:30 سرتیپ ریاحی به مصدق اطلاع داد که دیگر ارتش در دست او نیست و از وی کسب تکلیف نمود. اما مصدق از او خواست استوار بر سر کار خود بماند. سرهنگ ممتاز توانست تنها یک گردان را جمع آوری کرده و بر اطراف خانه مصدق بگمارد.

102- تآتر سعدی در خیابان شاه آباد قرار داشت.

103- مطلب فوق به طور کامل کذب است و نگاهی به تصاویر این جمعیت خود جوش نشان می‌دهد که خاستگاه طبقاتی این افراد چیست. لازم به ذکر است که برای جلب این جمعیت از زنان محلی بد نام تهران نیز استفاده شده بود. برخی از این زنان چون ملکه اعتضادی به پست و مقام رسیدند.

نزدیک ظهر عناصر پراکنده‌ای که جمعیت را تشکیل می‌دادند تحت فرماندهی نظامیان و افسران شهربانی قرار گرفتند. افسران ارتش که باید در عملیات نظامی طرح تی.پی.آژاکس عمل می‌کردند، اینک جداگانه عمل نموده و کاری شایسته می‌کردند. در ساعت 13 مرکز مخابرات وزارت پست و تلگراف و تلفن در میدان سپه به دست سلطنت طلبها افتاد. خبرنگار خبرگزاری فرانسه، کمی بعد از ساعت 13 گزارش کوتاهی از جنگ مخابره کرد. بعد صحنه جنگ در چند صد متر دورتر، شهربانی و وزارت خارجه شد. مدافعان شهربانی تا حدود ساعت 16 مقاومت کردند.

حوالی ظهر، روزولت به خانه‌ای رفت که زاهدی و گیلانشاه در آن مخفی بودند. آنها را به طور کامل از رویدادهای صبح آگاه کرد و گفت که منتظر دستورات [بعدی] باشند. [۱۰۴] ساعتی بعد کارول و سرگرد ویلیام کیسر^{۱۰۵} (دستیار وابسته نظامی) به پایگاه نظامی گزارش کرد. در اوائل بعد از ظهر بسیاری از هدف‌های اصلی مرکز شهر مانند روزنامه‌ها و دفاتر تبلیغاتی به تصرف سلطنت طلبها در آمده بود. با تسهیلات مهمی که آنها در اختیار قرار گرفته بودند، امکان آن را داشتند که به استان‌ها تلگرام زده و از آنها بخواهند که به حمایت از شاه برخیزند. حتی در بحبوحه گرمای روز اندک کاهشی در فعالیت آنها روی نداد. عامل پایگاه سیا - جلیلی - هنوز در خیابان‌ها بود. او در خیابان فردوسی جمعیت را رهبری می‌کرد و از جمعیت می‌خواست به سوی شهربانی و ستاد ارتش بروند و سرلشگر باتمانقلیج و سرهنگ نصیری را آزاد کنند. جمعیت نیز چنین کرد. سربازانی که نگهبانی می‌دادند مقاومتی نکردند. در همین اوقات، عامل سیا - ژنرال نقی قدس نخعی - در خودرو

104- زاهدی و همراه او در خانه زیمرمن مأمور سیا مخفی بودند. در 28 مرداد به دستور روزولت سرتیپ گیلانشاه او را سوار تانک کرد و از این خانه به پایگاه فرستنده رادیو واقع در میدان ارک (15 خرداد فعلی) و از آنجا به باشگاه افسران برد که زاهدی آن را مقر نخست وزیری خود کرده بود. سرتیپ دفتری فرمانده گارد گمرک و در شمار کودتاچیان بود. او در حوالی دو بعد از ظهر به شهربانی رسید و خیانت کرد.

خود در شهر می‌گشت و افراد گارد شاهنشاهی را گردآوری می‌کرد.^[۱۰۶] او سربازانی را گرد آورد که در حمله به خانه مصدق شرکت کردند. اوائل بعد از ظهر جمعیت به خانه مصدق نزدیک می‌شد و با مقاومت مدافعان روبرو گشتند. در این زمان، او احتمالاً آماده ترک خانه خود بود.

رادیو تهران مهمترین هدف بود. تصرف آن نه تنها موفقیت عملیات در تهران را کامل می‌کرد بلکه استان‌ها را نیز بر آن می‌داشت بسرعت جانب حکومت جدید را بگیرند. در گرماگرم فعالیت، رادیو از قیمت پنبه می‌گفت و سرانجام تنها موسیقی پخش می‌کرد. در ساعت 10:30 برنامه رادیو قطع شد. اما در اوائل بعد از ظهر بود که جمعیت بسوی پایگاه فرستنده به حرکت درآمد. به سمت شمال شهر حدود سه مایل با اتوبوس و کامیون پر از جمعیتی از شهروندان و افراد نظامی و شهربانی باید راه می‌پیمود. صرف حضور جمعیت ظاهراً مدافعان پایگاه فرستنده را در مقاومت سست کرد. بعد از نزاع مختصری که طی آن سه تن کشته شدند در ساعت 12:14 پایگاه رادیو در دست سلطنت طلبها بود. در این ساعت رادیو نخستین خبر پیروزی سلطنت طلبها را منتشر کرد و فرمان شاه را نیز خواند. موجی از افرادی که می‌خواستند از رادیو سخن بگویند برخاست. برخی از آنها از عناصری نمایندگی می‌کردند که در اجرای نقشه تی.پی.آژاکس شرکت کرده و به موفقیت آن اعتماد داشتند. بعضی دیگر افرادی بودند که پایگاه سیا آنها را نمی‌شناخت. در میان عناصری که در اجرای نقشه شرکت کرده بودند صاحبان روزنامه‌های مخالف بختیار و زلزله و نیز یکی از پسران آیه‌الله کاشانی و اعتضادی بودند.^[۱۰۷]

106- همانطور که سرهنگ سر رشته توضیح داده است خلع سلاح افراد گارد صورت ظاهری از خلع سلاح داشت. اسلحه را از افراد گارد گرفتند و در همان سعد آباد «در انبار نهادند». برای افراد گارد کار آسان بود که اسلحه را از «انبار» برداشتند و راه افتادند!

107- اعتضادی همان «ملکه» اعتضادی معلوم الحال بود. در آن روز از روزنامه نگاران کودتاجی عمیدی نوری مدیر روزنامه داد و مهدی میر اشرافی مدیر روزنامه آتش از رادیو سخن گفتند. عمیدی نوری معاون زاهدی شد. ثروتی

که عاید کرد به مصطفی الموتی رسید و میراشرافی ثروت اندوخت. در آغاز انقلاب از سوی امید نجف آبادی محکوم به مرگ و اعدام شد.

سرهنگ غلامرضا نجاتی در کتاب خود فهرست روزنامه نگارانی را آورده است که در اجرای نقشه آژاکس شرکت کردند:

1 - روزنامه داد مدیر ابوالحسن عمیدی نوری و سردبیر مصطفی الموتی 2- آتش مدیر مهدی میراشرافی و سردبیر نصرت الله معینیان 3- صدای وطن مدیر سید علی بشارت سردبیر علی جواهر کلام 4 - طلوع مدیر هاشمی حائری 5 - صدای مردم مدیر فری پور 6 - بختیار مدیر تراب سلطان پور (بعد از انتشار این فهرست در کتاب، او شرکت خود را در کودتا تکذیب کرد) 7 - ستاره مدیر احمد ملکی 8 - فرمان عباس شاهنده 9 - کی به کیه مدیر بیوک صابر 10 - آسیای شرق مدیر دکتر صیرفی 11 - پرچم خاورمیانه مدیر حسن عرب 12 - نور و ظلمت مدیر سلطانی 13 - میلیون مدیر صبوری 14 - اراده آذربایجان مدیر رحیم زهتاب 15 - سحر مدیر سلیمان انوشیروانی 16 - جوانمردان مدیر جعفر شهید 17 - پست تهران مدیر محمد علی مسعودی 18 - تهران مصور مدیر عبدالله والا 19 - پارس مدیر فضل الله ترقی 20 - خراسان مدیر تهرانیان 21 - مرد مبارز مدیر خلیل رزم آرا 22 - اطلاعات مدیر عباس مسعودی

غیر از این فهرست روزنامه کیهان به صاحب امتیازی دکتر مصطفی مصباح زاده (بهمان ترتیب که در گزارش آمده است) و روزنامه های ستاره اسلام و پرچم اسلام و شاهد و... نیز در شمار روزنامه ها و هفته نامه های مخالف مصدق بودند.

و از روزنامه دارانی که در کودتا با سیا و انتلیجنس سرویس همکاری می کردند و نامهاشان در تاریخ آمده اند نویسندگان و روزنامه نگارانی نیز بودند که با مصدق دشمنی می کردند و نامهاشان در تاریخ کودتا نیامده اند. برای مثال ابراهیم صفائی که امروز کتاب «اشتباه بزرگ ملی شدن نفت» را می نویسد آن روز نیز کارش تهیه اوراق تبلیغاتی ضد مصدق و نضت ملی ایران بود. روزنامه «نبرد ملت» که عبدالله کرباسچیان منتشر می کرد و ارگان فدائیان اسلام بود در دشمنی با مصدق هیچ فروگذار نمی کرد. امروز می دانیم که سلاحی که با آن دکتر فاطمی ترور شد با همکاری عوامل سید ضیاء در اختیار فدائیان اسلام قرار گرفته بود. این «خط سید ضیاء» بود که این گروه را بکار مبارزه با حکومت مصدق و نهضت ملی ایران گرفت.

دانستی است که بعد از مصدق فدائیان اسلام قصد ترور زاهدی را داشتند که نتوانستند. بعد از او حسین علا را ترور کردند که موفق نشد و فرصتی را به دست شاه و رژیمش داد که بساط این گروه را برچیند. زیرا تاریخ مصرفشان به پایان رسیده بود.

از میان حامیان خود جوش شاه که از رادیو سخن گفتند سرهنگ علی پهلوان و سرگرد هوشنگ میرزادیان. حضور اینان دلیلی بود - هر چند فرضیه به واقعیت پیوسته بود - بر صحت فرضیه آژاکس مبنی بر اینکه در اوضاع و احوالی

در سفارت آمریکا اعضای پایگاه سیا پخش برنامه‌های رادیو را تعقیب می‌کردند و زمانی که ناگهان شنیدند که رادیو به دست سلطنت طلب‌ها افتاده است، از شادی، از جا پریدند. یکبار دیگر روزولت بسوی مخفیگاه راه افتاد تا مأموریت‌های ارزشمند خود را انجام دهد. با آنها - سرلشگر زاهدی و سرتیپ گیلانشاه - کمی پیش از ساعت 16 ملاقات کرد. به آنها گفت که زمان آن است شما نقش فعالی ایفا کنید. هر دو فوراً لباس پوشیدند. توافق شد که سرلشگر زاهدی با سرتیپ گیلانشاه که سوار بر تانک منتظر او است در ساعت 16:30 در گوشه خیابان دیدار کند و باید با تانک به پایگاه رادیو رفته و با ملت سخن بگوید. سرتیپ گیلانشاه از سوی سرگرد کیسر با جیب نظامی از مخفیگاه برده شد. در طول راه زمانی که او دو افسر نیروی هوایی را دید خواست پیاده شود و گفت که می‌خواهد مراقب همه چیز باشد. در خیابان این افسران بگرمی او را پذیرا شدند و زمانی که گفت نیاز به یک دستگاه تانک دارد درجا برایش تانک آوردند. از او پرسیدند که آیا می‌داند زاهدی کجاست؟ او گفت می‌داند او کجاست و قرار است ساعت 16:30 با او دیدار کند. آنها از او خواستند آنها را نیز در این ساعت به دیدار زاهدی ببرد. بدینسان او تانک را به سمت محلی که خانه مخفی گاه زاهدی بود راند. زاهدی از خانه بیرون آمد و بر تانک سوار شد. تانک بار دیگر به حرکت آمد.* در ساعت 17:25 زاهدی از رادیو تهران سخن گفت. سخنان او کمی بعد از ساعت 21 بار دیگر پخش شد.

از این نوع ارتشیان به شاه می‌پیوندند. برای مدتی رادیو تهران خاموش می‌شد و بکار می‌افتاد. سرانجام توسط مهندسان براه انداخته شد که بقول یکی از گویندگان برای آن آمده بودند که رادیو را بکار بباندازند. در این مرحله چون یکچند از مرحله‌های دیگر اقبال یار شد. برای مثال اگر مدافعان پایگاه رادیو به تسهیلات آن صدمه می‌رسانند کار کنترل پایتخت به تأخیر می‌افتاد.

* - بعدها جمال امامی در درگیری لفظی با زاهدی به وی گفت (با همان لهجه آذری خاص خودش): آن روز اگر یک قورباغه را هم سوار تانک می‌کردند همان کار را می‌کرد. (نک، شبه خاطرات، علی بهزادی - پرونده جمال امامی).

سیا کنترل کودتاچیان را در کشور سازمان می‌دهد. پیام زاهدی پیش از پیام فرزنانگان، عامل سیا، از رادیو پخش شد. در اواسط راه خود رو فرزنانگان بکلی از کار افتاد. هر چند او توانست بقیه راه را با یک نفت کش با ناراحتی طی کند. صبح به تهران رسید و با پایگاه سیا تماس گرفت. بر طبق دستور پایگاه، او تلگرامی به سرهنگ بختیار مخابره کرد. تلگرام این رمز را داشت: «من امروز برای دیدار از خواهر بیمارم می‌آیم». معنای این جمله این بود که سرهنگ بختیار لشگر خود را بسوی تهران به حرکت در آورد. اطلاع جنبی جالب از حرکت سرهنگ بختیار بسوی تهران این که لشکر کرمانشاه بعد از آنکه تهران به دست طرفداران شاه افتاد وارد تهران شد - لشکر زمانی که وارد همدان شد که حزب توده تظاهرات وسیعی به طرفداری از مصدق ترتیب داده بود. بختیار در چشم برهم زدنی تظاهر کنندگان را پراکنده کرد. تنها شهردار همدان بود که بیشتر از توده‌ای‌ها از مشاهده ورود لشکر کرمانشاه به همدان شگفت زده شد.

در خود تهران واپسین مقاومتها از میان می‌رفت. ستاد ارتش تصرف شد و در پایان روز ساعت 19 خانه مصدق تصرف و منهدم شد. هرچه در این خانه بود در خیابان و معابر فروخته شد.*

گزارش‌هایی پیرامون واکنش مردم در استان‌ها دریافت شد. پایگاه رادیو سنندج در ساعت 14:50 ناگهان از صدا افتاد. در 15:55 رادیو تبریز گزارش کرد که این پایگاه به دست طرفداران شاه افتاده است و افزود که تمامی آذربایجان در دست ارتش است. همانطور که رادیو سخنان گویندگان را پخش می‌کرد روشن شد که یکی از گویندگان محمد دیهیم سردسته «فدکاران آذربایجان»، یک مأمور دون پایه سیا، نقش مهمی در رویدادهای تبریز ایفا کرده است.

* - طیب حاج رضایی و شعبان جعفری حتی به فرش‌ها و یخچال خانه مصدق، چوب حراج زده و فروختند. هر 2 کارت ویژه 28 مرداد گرفتند و امتیازاتی دریافت کردند. (نک، به آزادمرد، طیب حاج رضایی به روایت اسناد ساواک).

در ساعت 18 پایگاه رادیو اصفهان برنامه خود را با اظهارات محکم در هواداری از شاه و زاهدی با همکاری روزنامه نگاران محلی و یک عضو حزب زحمتکشان بقائی رهبران مذهبی و افسران پخش کرد. همه گروههایی که امیدوار بودیم چنین روشی را در پیش گیرند در ابراز حمایت شرکت جستند.

تا ساعت 20 پایگاه رادیو کرمان حمایت خود را ابراز نکرده بود. در این ساعت حمایت خود را ابراز کرد.^[۱۰۸]

به پیروی از دستورهای زاهدی، سرهنگ فرزنانگان، باتفاق کارول عملیات را به پایان رساندند. اگر چه باتمانقلیچ رئیس ستاد شد اما این فرزنانگان بود که از ستاد ارتش تلفنی شرکت کنندگان شناخته شده در اجرای طرح تی.پی.آژاکس را، به فرماندهی واحدهای پادگانهای نظامی تهران نصب کرد. پس از در دست گرفتن مراکز کلیدی و نظامی دستگیری افرادی که باید توقیف می شدند، برابر فهرست آغاز کرد.^[۱۰۹]

همانطور که بعد از ظهر پایان می پذیرفت رادیو تهران نیز کمتر برنامه های بی ربط پخش می کرد. از ساعت 18 اطلاعیه های کوتاه دولتی را پخش می کرد. در ساعت 18:45 نمایندگان آسوشیتدپرس و نیویورک تایمز گزارش مختصری از رویدادهای روز به دفتر

108- مقاومت رئیس شهربانی کرمان سرگرد عباس سخانی به قیمت جان او تمام شد. سازمان مخفی دکتر بقائی او را تکه تکه کردند. بموقع است یادآور شود افسرانی چون او در ارتش و شهربانی و ژاندارمری وجود می داشتند. شمار افسرانی که جانبدار نهضت ملی ایران بودند از شمار کودتاجیان بسا بیشتر نیز بود. جز اینکه آنها در مقامات فرماندهی نبودند و بسیاری از کودتاجیان در این مقامها بودند. سرهنگ نجاتی در «جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد 1332» اسامی 36 تن از این افسران را آورده است. توده ای های شناخته شده تحت تعقیب قرار گرفتند و مغازه های طرفداران حزب توده غارت شد.

109- سیا همچنان افرادی را که باید توقیف و حذف می شدند فهرست می کرد. چنانکه زمانی که سازمان نظامی حزب توده کشف شد اسامی افرادی که باید اعدام می شدند را سیا فهرست کرد. از جمله اعدام شدگان سرگرد ژاندارمری دکتر هوشنگ وزیریان بود. پدر او از دوستان ایام جوانی زاهدی بود. زاهدی توانست فرزند دوست دوران جوانی خود را از مرگ نجات دهد. به او پیغام داده بود دست آمریکائی هاست و کوششم برای تخفیف مجازات او بجائی نرسید.

خبرگزاری و روزنامه دادند. اطلاعیه‌های کوتاه مربوط می‌شد به ساعات عبور و مرور و اخطار می‌کردند هرگونه تظاهرات ممنوع است. از پی خلاصه اخبار ساعت 21 اظهارات سرلشگر زاهدی پخش شد. او در دفتر رئیس شهربانی مستقر شد. پیش از ساعت 22 پایگاه رادیو برنامه خود را پایان داد. روز تب دار پایان پذیرفت و تب فرو خوابید. عده‌ای کشته شدند. اما نه به آن اندازه که در گرما گرم عملیات اظهار شده بود. نیروی نظامی و انتظامی سخت در کنترل بودند و برای درهم شکستن هرگونه کوشش مخالفی آماده بودند.

طرفهای ذینفع دیگر با این روز پرهیجان چگونه برخورد کردند؟ یکی از آنها که باید احساس تشویش کرده باشد اتحاد شوروی و هوادارانش در ایران بودند. بسیار دیرتر از تمامی دنیا خلاصه‌ای از رویدادهای این روز تهران را در ساعت 23 بوقت گرینویچ انتشار داد. رادیو مسکو در برنامه فارسی رادیوی خود که در اول بعد از ظهر پخش شد در اطراف مقاله پراودا تهیه شده بود. پراودا تحت عنوان «شکست ماجراجوئی آمریکا در ایران»، مقاله‌ای انتشار داده بود. این برنامه اوائل عصر بار دیگر پخش شد. همین مقاله را رادیو مسکو دیرگاه عصر و در برنامه صبحگاهی به زبانهای انگلیسی عربی بلغاری لهستانی چک و اسلواک هلندی آلمانی ایتالیائی پرتغالی و ترکی پخش کرد. در زمان پخش آن تقریباً تمامی شنوندگانش دیگر می‌دانستند واقعیت خلاف نظری است که در آن مقاله اظهار شده بود.^[۱۱۰]

110- گزارش نویس سیا لازم نمی‌بیند توضیح بدهد چرا «شوروی» این رویه را در پیش گرفته بود؟ با وجود همه گونه امکانات چرا سکوت رویه کرده و با پخش برنامه‌ای که واقعیتها تکذیب آن بوده‌اند در خام کردن مردم ایران سهمی پیدا کرده بود؟ سه اطلاع می‌توانند پاسخ به این پرسش باشند:

1- ایدن تصریح می‌کند که به شوروی اخطار کرده‌اند که بر سر ایران آماده‌اند وارد جنگ جهانی شوند. یادآور می‌شود که بر طبق قرارداد یالتا ایران در منطقه نفوذ غرب قرار گرفته بود.

2- روسها از اثرات پیروزی نهضت ملی ایران بر آسیای میانه بسیار نگران بودند. این واقعیت در همان زمان خاطر نشان می‌شد اما با فروپاشی امپراطوری مسلم گشت که سیاست خارجی مسکو بر این پایه قرار گرفته بود که ایران نباید موقعیتی سیاسی - اقتصادی پیدا کند که جمهوریهای آسیای میانه را تحت تأثیر قرار دهد. بخصوص که در زمان وقوع کودتا استالین مرده بود و کرملین عرصه مبارزه‌ای سخت بر سر رهبری حزب و دولت بود.

طرفهای دیگر آنها در تهیه و اجرای طرح کودتا شرکت داشتند احساس غرور و بلکه از خود راضی پیدا کردند. پرداختن به واکنشهای شاه در رم فراتر از محدوده این گزارش است. با این وجود، یک یا دو تا از اظهار نظرهای او ارزش آن را دارند که در این گزارش آورده شوند. چرا که به برخی از فرضیه‌های اولیه نقشه تی.پی.آژاکس مربوط می‌شوند. او گفت: «این ملت من بود که به من نشان داد که به سلطنت اعتقاد دارد و وفادار است و دو سال نیم تبلیغات دروغ کافی نبود» و باز: «کشور من کمونیستها را نخواست و نسبت به من ابراز وفاداری کرد.»

در نیکوزیا گیرنده‌های رادیویی تا ساعات اواسط بعد از ظهر بوقت محلی گزارشها را منتقل و توزیع نکرده بودند زمانی که لویت، داریبی شایر را از موفقیت عملیات آگاه کرد این یکی چنان به هیجان آمد که دوست خود را یک راست به دفتر خود در خارج از شهر برد. کاری که او و همکارانش همواره در هفته‌های پیش از انجامش پرهیز می‌کردند.

مرکز سیا نخستین گزارش را از آنچه روی می‌داد، ساعت 9 صبح دریافت کرد زمانی که کسی وارد حال شد و خبری را داد که نخست شوخی بدی تلقی شد. چرا که افسردگی ناشی از خبرهای روز پیش که گویا موفق بیرون آمدن مصدق از زور آزمائی هنوز برجا بود. در طول صبح و بعد از ظهر و حتی تا دیرگاه شب کارکنان در راهروها شتابان گزارش‌های جدید را برای مقامها می‌بردند. در تمامی طول روز تنها دو گزارش تلگرافی تی.پی.آژاکس از پایگاه دریافت شد. با این وجود، بر اثر احساس هیجان و رضایت خاطر و شادی آن روز روزی بود که پنداری پایان ندارد. برگ ما برنده گردید و شاه پیروز شد!

3- زاهدی مورخ الدوله سپهر را به سفارت روسیه فرستاده و پیغام داد که اگر حزب توده وارد معرکه نشود ایران قول می‌دهد به آمریکا و هیچ کشور دیگر غرب پایگاه نظامی واگذار نکند. اگر حزب وارد عمل شود بسختی سرکوب خواهد شد و ایران به آمریکا پایگاه نظامی خواهد داد.

سرنګوني دولت مصدق96



بخشی از روزنامه مرد آسیا

نمونه‌ای از تبلیغات روزنامه‌های
ضد مصدق در تهران

گزارش به لندن

روزولت بعد از ظهر 25 اوت [4 شهریور] وارد لندن شد. او با هواپیمای وابسته دریائی، اریک پولارد، پنهانی تهران را بمقصد بحرین ترک گفت. از بحرین با یک هواپیمای نظامی دایره ترابری (خلبان و خدمه آن از هویت او آگاه نبودند) به لندن رفت. در لندن با فرت¹¹¹ دیدار کرد و عصر آن روز فرت او را به دیدار سرلشگر ژ. آلكساندر سینکلر و دیگر مقامات انتلیجنس سرویس برد. از همان ابتدا به او گفتند که انتلیجنس سرویس از وی خیلی سپاسگزار است. نه تنها به خاطر موفقیت عملیات بلکه بخاطر اثراتی نیز که موفقیت‌هایش بر شهرت انتلیجنس سرویس و روابطش با مافوق‌هایش بیار آورده و همچنان بیار می‌آورد. در برابر روزولت حق‌شناسی خود را از حمایتی که پایگاه سیا دریافت کرده بود. اظهار کرد و پذیرفت که ضعفهایی که در حمایت کردن از پایگاه سیا بروز کرد ناشی از ندرت گزارشها که لندن و واشنگتن از تهران دریافت می‌کردند بود. روزولت در توضیح چرائی ندرت گزارشها دچار زحمت شد. او توضیح داد اگر گزارش می‌کردیم که به چه کاری مشغولیم لندن و واشنگتن فکر می‌کردند که ما دیوانه شده‌ایم و به ما دستور می‌دادند فوراً دست از کار بداریم. اگر ما دلایلی را گزارش می‌کردیم که چرائی دست زدن به چنان عملی را توجیه می‌کردند زمانی برای دست زدن باقی نمی‌ماند. این بود که تصمیم گرفتیم راه سوم را در پیش بگیریم: عمل کنیم و عملاً گزارش از عملکرد خود ارایه نکنیم. این تصمیم بر این فرض اتخاذ شد که با ادامه کار کودتا چیز کمی را ممکن است از دست بدهند و همه چیز را ممکن است به دست آورند. همانطور که ساعتها می‌گذشتند این امید که عملیات اقبال بزرگ پیروزی دارند، بیشتر و بیشتر می‌شد. سینکلر و اعضای دفتر او گفتند آنها به طور کامل وضعیت را درک کردند و خوشحالند که از دید آنها روزولت بهترین و سازنده‌ترین تصمیم‌ها را گرفته است. ما می‌پذیریم که اگر نتیجه کار چیز دیگر می‌شد مقامات مرکزی، رفتار دیگری پیدا می‌کردند. سینکلر توضیح داد که اینطور

تصمیم‌ها باید سرعت و از سوی افرادی اتخاذ شوند که در محل عمل می‌کنند و فرماندهی باید عملیات را ساماندهی و رهبری کند و نیز او خواست که روزولت در توجیه مقامات وزارت خارجه بر این جنبه تأکید کند. در روزهای آینده روزولت چنین کرد. بدون استثناء از چرچیل تا لرد سالیسبری با هیجان تصمیم تهران را تأیید کردند.

در 26 اوت [5 شهریور] روزولت با مقامات وزارت خارجه ملاقات نمود. او نخست از سر (رجینالد) جیمز بوکر¹¹² [مسئول خاور نزدیک و آفریقا] و دو عضو دفتر او دیدار کرد و بدون آنکه جزئیات کودتا را بازگوید گزارشی از تحولات داخلی و جو روانی حاکم بر ایران را به آن‌ها داد. این احساس به او دست داد که انتلیجنس سرویس از اینکه می‌تواند نزد مقامات بلند پایه وزارت خارجه اینگونه جلوه کند، خوشحال است. معلوم شد روابط آنها در این زمینه نزدیک و صمیمی نبوده است. صبح روز بعد، او حدود یک ساعت و نیم را با معاون عملیات وزارت خارجه - لرد سالیسبری - گذراند. همانطور که سینکلر خواسته بود روزولت، عملیات را مو به مو برای سالیسبری تشریح کرد و بنظرش رسید که لرد، کاملاً مفتون شده است. رفتار او بسیار انعطاف‌پذیر و مترقی‌تر از رفتار بوکر بود. نمایان بود که او دل‌نگران کمک به حکومت جدید ایران است و بسیار آگاه بر مسائلی است که روابط با انگلستان برای این حکومت بیار می‌آورد. او می‌پذیرفت که در کوتاه مدت کمک اقتصادی نتایج فوری و جدی با این حکومت است. اما خاطر نشان می‌کرد که کمک بلند مدت باید با «حل و فصل مسئله نفت» همراه شود.

روزولت به سالیسبری گزارش داد که از سوی دولت همانطور که به بوکر گزارش شده بود به شاه و زاهدی پادشاهی انگلستان نیز تأمین‌هایی را داده است. سالیسبری اطمینان داد همانطور که آن‌ها گفتند، این اظهارات موجه بوده و خوب ابراز شده است. ارزیابی انگلستان بر این است که ضرورت دارد هر چه زودتر به یک توافق با حکومت ایران بر سر نفت دست یابد و این کشور، کاملاً آماده انجام این توافق است.

در ساعت 14 روزولت به حضور نخست وزیر رسید. او در ساختمان شماره 10 داونینگ استریت بود. لحظه‌ای پراحساس و فرصتی مناسب بود. نخست وزیر وضع جسمانی بدی داشت. حس شنوایی او دچار مشکل بود. بزحمت می‌توانست جمله‌ها را ادا کند. چشم چپ او نیز دچار مشکل بود. با وجود این، تمام هیجان خود را بخاطر موفقیت عملیات ابراز کرد و از مهربانی فرو گذار نبود. او به روزولت غبطه خورد و آرزو کرد کاش «چند سالی» جوانتر بود و تحت فرماندهی او خدمت می‌کرد. او همان نظر سینکлер را تکرار کرد: «اگر عملیات موفقیت آمیز باشد، مهمترین عملیات از جنگ دوم با این سو است.» او تأکید کرد، قویاً بر این نظر است که هر کار ممکن را برای کمک به حکومت جدید باید انجام داد. کمک اقتصادی به ایران نباید منوط به برقراری روابط سیاسی با انگلستان یا حل مسئله نفت باشد. او ادامه داد که اگر لازم باشد، پیش از آنکه روابط دیپلماتیک برقرار شوند، شخصاً به ایران کمک اقتصادی می‌کند. اما تعیین نکرد این کار چگونه باید انجام بگیرد. او توضیح داد که برآستی شرکت نفت انگلیس و ایران در چند سال گذشته «همه چیز را خراب کرد» و او کاملاً مصمم است دیگر نگذارد اوضاع وخیمتر شود، او ادامه داد که عملیات به ما فرصت ذیقیمت و غیر منتظره‌ای را داده است و با استفاده از آن باید تمامی سیمای خاورمیانه را تغییر دهیم. در خاتمه او از روزولت خواست که به رئیس جمهوری آمریکا بگوید که احساس می‌کند بهتر است و باید: «تا هر وقت لازم است بر مقام خود باقی بماند». همچنین او از روزولت خواست بعد از دیدار با رئیس جمهور با او در ارتباط باشد.

نخست وزیر اشاراتی داشت که نشان می‌داد او به انتلیجنس سرویس بمثابه دایره خود می‌نگرد و علاقه قلبی به آن دارد. بنظر می‌رسید قضاوت‌هایش ابهام انگیز بود، این وضع شاید بخاطر وضع جسمیش بود. او میان اسکالتند یارد و انتلیجنس سرویس تمایزی قائل نبود. او درباره سینکлер و تشکیلات اطلاعاتی آمریکا دچار ابهام شده بود. حروف اول اطلاعات مرکزی آمریکا برای او هیچ معنایی نداشت و از اینکه روزولت باید با دوست قدیمی او - بدل اسمیت - مرتبط باشد، درک مبهمی داشت.

سینکدر گفته بود اگر اعضای دایره او در طول گزارش‌های روزولت به دیگر اعضای دولت انگلستان حاضر نباشند، او خود اثر بهتری بر مخاطبانش می‌گذارد و نیز او می‌داند که روزولت نخست وزیر و وزیر خارجه را ملاقات می‌کند. او تنها یک استثناء قائل شد. او پرسید: «آیا روزولت در گفتگو با سر ویلیام استرانگ معاون وزارت خارجه حاضر باشد؟» او خود توضیح داد که استرانگ متشاء هدایت سیاسی او و تجویزهایی است که از وزارت خارجه درخواست شد و گفت او نگران تأثیر برخی از قسمتهای این گزارش بر استرانگ است. در جریان گفتگو آشکار شد که آن قسمتی که به طور خاص مورد نظر سینکدر بوده این است که چرا پایگاه سیا در فاصله 15 تا 19 اوت گزارش کاملی از کارها نداده است. سینکدر کسی نیست که احساس خود را نمایان کند. اما زمانی که استرانگ با آرامش به سئوالات پاسخ داد و خاطرنشان کرد که روزولت تنها کار ممکن را کرده و تصمیماتی که اتخاذ و اجرا شده تنها کاری بوده است که باید می‌شد هیجان چهره او را بر افروخت. زمانی که آنها از دفتر استرانگ بیرون می‌آمدند یکی از اعضای دفتر سینکدر با شادی بسیار با بسته‌ای دارای روبان قرمز شامل اشیاء هنری بسوی او آمد. سینکدر به روزولت گفت: «این هدیه علامت تصویب طرحی است که آنها قبلاً از اجرای آن روی برگردانده اند و این تغییر موضع وزارت خارجه به دلیل موفقیت اقداماتش در ایران، بعمل آمده است.

آنچه عملیات به ما می‌آموزد

دو عنصر از عناصر پشتیبان عملیات، توانائی سرعت بخشیدن به عملیات را زمانی که بدین کار نیاز پیدا می‌شد، نداشتند. [۱۱۳] این دو بخش ارتباطات و دایره جنگ روانی

113- این بخش از گزارش سیا که انتقاد از خود و از انتلیجنس سرویس انگلستان است بسیار عبرت‌آموز است. نخست بخاطر اینکه با توضیح ضعف انتلیجنس سرویس، آن اسطوره را که در ایران از انتلیجنس سرویس ساخته بودند، می‌شکند. هر چند هنوز که هنوز است اسطوره برجاست واقعیت دوم درس آموزتر است اگر از درون به قدرت خارجی مراجعه نمی‌شد آمریکا و انگلستان بر روی هم توانائی کودتا را پیدا نمی‌کردند. بدین قرار استبداد در ایران بر نظامی متکی است که بدون تکیه‌گاه خارجی برجا نمی‌ماند. بخش حاکم در این نظام اصرارش به تحت

بودند. بسیاری از افسران بخش ارتباطات در اداره مرکزی سیا و پایگاه‌های سیا در نیکوزیا و تهران ساعات بسیاری مشغول کار بودند. آنان اهل ابتکار بودند، تعصب بخرج می‌دادند و از عهده حجم وسیع امور ارتباطی بر می‌آمدند. در فاصله 14 مه تا 1 سپتامبر در جمع 990 پیام مربوط به عملیات تی.پی.آژاکس از اداره مرکزی ارسال و یا دریافت شد. مشکل اصلی برقراری ارتباط میان اداره مرکزی و نیکوزیا یا نیکوزیا با تهران بود. در تهران امکانات موجود اداره ارتباطات خاورمیانه، پایگاه سیا را با ارسال و دریافت همزمان مخابرات از هریک از سه پایگاه مخابراتی به دو پایگاه دیگر یاری می‌رساند. تقریباً تا پایان عملیات، فاصله زیادی میان زمان ارسال پیام‌هایی که تهران به نیکوزیا می‌فرستاد و پیام‌هایی که از آن پایگاه دریافت می‌شد، وجود داشت. زمان ارسال آنقدر که انتظار می‌رفت سریع نبود. تعداد کمی از پیام‌های مربوط به «عملیات برق آسا» از هریک از سه پایگاه فرستاده می‌شد. اما زمانی که تهران چنین پیامی را می‌فرستاد از زمان به رمز در آوردن آن تا دریافت در اداره مرکزی سیا و کشف رمز، سه تا چهار ساعت طول می‌کشید.

در ماه ژوئیه از اداره جنگ‌های روانی درخواست کمک شد. هر دو اداره و مقامات بالاتر نگران موضوعاتی همچون متون مقاله‌های جدید، تفسیرها و سرمقاله‌هایی که باید در مطبوعات ایران منتشر می‌شد بودند، چون موضوعاتی که اداره مرکزی و پایگاه سیا در تهران تعیین می‌کردند با همکاری شاخه چهار شعبه خاور نزدیک تهیه می‌شد. مقرر شد که خلاصه‌ای از این مقاله‌ها به پایگاه فرستاده شود تا میان مطبوعات، مجلس و دوستان توزیع شود و تبلیغات ضد مصدق را تقویت کند. اما این اقدام به خوبی انجام نشد. اداره جنگ‌های روانی نتوانست تماس‌هایی را با ناشران آمریکایی برقرار کند. چنانکه آنها بدون اینکه بدانند منشأ آن کجاست و بدون آنکه در متحوای متون بخصوص قسمت‌هایی مورد تأکید قرار

سلطه بردن اقتصاد و دولت ایران بسی بیشتر از سلطه گر است. پس این در درون است که باید طرز فکرها و نظام اجتماعی را تغییر داد. در رابطه با خارج، قطع رابطه گروه‌بندی‌های حاکم با قدرتهای خارجی نیز از مهمترین کارها در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی و با این دو اصل دست یافتن به مردم سالاری است.

گرفته، تغییری ایجاد کنند آنها را انتشار دهند. در برابر این ناتوانی، بخش مربوط به ایران در وزارت خارجه توانست متنی از سیا را در نیوزویک منتشر کند. این کار را با استفاده از رابطه دوستانه یکی از افسران خود با یک مجله انجام داد. پذیرفتن این واقعیت که سیا نمی‌تواند چنین مجرائی را به کار گیرد به معنای آن است که کسب این توانایی لازم است. برقراری چنین تماسی برای تأمین انتشار مطالب مورد علاقه، امری ضروری است. باید تدبیری بعمل آید تا سردبیران و صاحبان مطبوعات آگاه شوند و مطالب مفید برای انتشار، در اختیار آنان قرار گیرد.

در جریان عملیات اعضای سیا با اعضای انتلیجنس سرویس در واشنگتن و نیکوزیا، لندن و برحسب اتفاق با قاهره در تماس بودند. غیر از واشنگتن در بقیه نقاط، ما در خاک خودشان با آنها تماس داشتیم. نفوذ در این سازمان، بویژه با هدف پی بردن به اطلاعات شخصی افراد این سازمان صورت می‌گرفت. اینکه این سازمان حاضر بود بمثابة شریکی کوچک‌تر، در این عملیات شرکت کند، در بخش‌های پیشین این گزارش قید شده‌است. افسران انتلیجنس سرویس تلاش می‌کردند دوستی و اعتماد افسران سیا را که با آنها در تماس بودند، به‌دست آورند. وجود دشمنی میان اداره مرکزی انتلیجنس سرویس و پایگاه انتلیجنس سرویس در نیکوزیا برای ما جالب بود. با اینهمه، آنچه از دیدگاه عملیات بیشترین توجه را بخود جلب می‌کرد تعداد معدود اعضای به کار رفته در بخش خاورمیانه بود. در نیکوزیا تنها دو افسر انتلیجنس سرویس و دو ماشین‌نویس، امور مربوط به ایران و چند کشور خاورمیانه را بر عهده داشتند. در اداره مرکزی انتلیجنس سرویس در لندن، حتی یک نفر که متخصص مسائل ایران باشد حضور نداشت. در آن سازمان تنها یک متخصص امور خاورمیانه و خاوردور در عملیات حاضر بودند. این کمبود افراد متخصص، چشمگیر و شگفت‌آور بود. یک نمونه از این واقعیت اینکه، نماینده انتلیجنس سرویس در واشنگتن به دلیل نبود که افراد متخصص بخش مهمی از وقت خود را صرف به رمز درآوردن و رمزگشایی پیم‌ها می‌کرد. کمبود نفرات برای ما از جنبه‌های دیگر نیز درخور توجه بود. ما

آگاه شده بودیم که تمامی اشخاصی که در مستعمرات خدمت کرده بودند و تمامی مقامات بلند پایه اداره هند، از خدمت معاف شده‌اند. البته دو افسری که در نیکوزیا با ما همکاری داشتند جوان و دارای تحصیلات و تعلیمات عمیق بودند. یکی از آنها شش سال در قبرس بود و در زبان سخت روان بود. دیگری که جوان‌تر و هنوز کارآموز بود نیز زبان یونانی را خوب می‌دانست.

از درسهای دیگری که آموختیم توانائی اداره مرکزی سیا در برنامه‌ریزی و توانایی پایگاه‌های آن در اجرای دستورهای عمومی و خاص بود.

نخست باید برنامه‌ریزی اداره مرکزی سیا را مورد نقد و بررسی قرار دهیم همانطور که در صفحات پیش توضیح داده‌ایم طرح عملیات به طور مستقیم بر اساس یک رشته از فرضیه‌ها تهیه شد. این فرضیه‌ها را سیا با همکاری انتلیجنس سرویس تهیه کرد. اگر بخواهیم آنها را تا جایی که باید خلاصه کنیم عبارت می‌شوند از:

1- اگر همه نوع فشار وارد بر شاه وارد آید او متقاعد می‌شود که عمل خواسته شده را انجام دهد.

2- تضمین حمایت شاه از زاهدی که هم موجب برانگیختن زاهدی به کودتا می‌شود و هم به او این توانائی را می‌دهد که حمایت بسیاری از افسران دارای مقامات کلیدی را به دست آورد.

3- رده‌های مختلف ارتش و افسران آن با قرار گرفتن در سر دو راهی پیروی از فرامین شاه یا دستورات مصدق، از فرامین شاه اطاعت می‌کنند.

بدون آنکه وضعیت موجود بررسی شود این فرضیه‌ها، پایه عملیات قرار گرفت. حال آنکه در درستی آنها تردید بود. سفیر آمریکا در ایران و افسر بخش ایران در وزارت خارجه آمریکا و نیز افسر دایره اطلاعات وزارت امور خارجه آمریکا اصرار داشتند که فرض اول کاملاً سطحی است. هندرسون نیز گفت که این وعده که، شاه همکاری خواهد کرد، دروغ است.

پایگاه سیا در تهران نیز نظر مشابهی را اظهار کرد: «این فرض که امید داشته باشیم شاه از کودتای ارتش حمایت کند واقع بینانه نیست.» اداره اطلاعات و تحقیقات وزارت خارجه در مطالعه مخصوصی بتاريخ 29 ژوئیه 1953 با عنوان «برآورد نتایج احتمالی برکناری مصدق از نخست وزیری» عقیده داشت که مخالفان مصدق ضعیف و فاقد نقشه هستند و از عناصر ناهمگونی تشکیل شده‌اند که قادر به وحدت عمل نیستند. چرا باید طراحان نقشه در اداره مرکزی سیا از کارشناسان امور ایران اینگونه بریده و بیزار باشند؟ بدین علت بود که طراحان عملیات از پذیرش وضع موجود پرهیز کرده و ناگزیر شدند با تکیه بر اصل «قوت و عمل مثبت» اقدامات متهورانه‌ای را در نظر بگیرند تا فرضیه‌ها را به واقعیت تبدیل کنند. باید خاطر نشان کرد که در جریان گفتگوهای بیروت و در پیام‌هایی که بعد از آن رد و بدل شد، برغم مخالفت اولیه اعضای سیا که باید نقشه را در تهران به اجرا می‌گذاشتند، فرضیه‌ها را پذیرفتند. چنانکه با نزدیک شدن زمان کودتا، هماهنگی کاملی برقرار می‌شد.

نه تنها فرضیه‌های مذکور آزمایش شد بلکه عوامل دیگری که در نقشه با ارزیابی جزئیات روانشناسی ایرانی‌ها، تعیین شده بودند به تجربه گذاشته شد. این عوامل در نیکوزیا و بیروت موضوع بحث شد. اما تجربه نشان داد که همه ایرانی‌ها دست اندرکار اجرای نقشه عملی را که از آنها خواسته می‌شود، انجام نمی‌دهند. حتی آن‌هایی که کار را بر عهده می‌گیرند، آن را به ترتیبی که از آنها خواسته می‌شود، انجام نمی‌دهند. در نتیجه، اهمیت عملیات کوشش‌های مکرر، برای دست یابی به واقعیت‌ها را ضروری می‌نمود. این تحلیل صحیح بود. در حقیقت اقدامات نظامی اولیه بدون نتیجه بود. ایرانی‌هایی که به طور مستقیم به آنها مراجعه شد، در نهایت از پیروی رهنمودی که پایگاه سیا اجرایش را اساسی می‌دانست، سرباز زدند.

جنبه نظامی نقشه به این دلیل با اقدامی که نتیجه آن ابراز دشمنی علنی با مصدق شد متوازن یا کامل شد که مأمورین [ایرانی] اجرای نقشه از انجام بخش مهمی از آن سرباز زدند. تکیه نقشه بر برنامه تحصن هرچه پردامنه‌تر بر ضد حکومت مصدق بود. اما معلوم شد

عملی کردن آن غیر ممکن است، زیرا مجلس منحل شده بود و به همین دلیل بسیاری از روحانی[نما]های روشنفکر، زیر بار انجام کارهایی که از آنها خواسته می‌شد، نمی‌رفتند. این امتناع از نظر برنامه ریزان عملیات دور نبود. با این وجود، عاملان اصلی انتلیجنس سرویس اطمینان داده بودند که این رهبران کارهای خواسته شده را انجام خواهند داد.

بلوای عمومی و دشمنی با حکومت مصدق از طرق دیگر نیز صورت می‌گرفت. برخی از مخالفان را پایگاه به مأموران خود القاء کرد و برخی دیگر را مأموران، خود اندیشیده و به اجرا گذاشتند. در صفحات گذشته از این فعالیت ضمن شرح رویدادهای تهران مطالبی ذکر شده است. در اینجا تنها یک نتیجه در خور بیان است و آن اطلاعاتی است که نسبت به میزان نفوذ مطبوعات در ایران به دست آمد. باید پذیرفت که در سال‌ها و ماه‌های کار با مطبوعات پراکنده و روزنامه نگاران پول پرست و یا میهن دوست[!] در تهران پایگاه هنوز مطمئن نبود که آیا بابت پولی که خرج کرده‌است، نتایج مطلوب به دست آمده یا نه؟! با این وجود، در ژوئیه و اوائل اوت، تمامی روزنامه‌هایی که ما و یا انگلستان با آن‌ها رابطه داشتیم، ضد مصدق شدند. با توجه به واکنشهای مردم در روزهای بعد از 16 اوت جای تردید نیست که تبلیغ مطبوعات به طور مستقیم در همه تأثیری جدی گذاشت و آنان را به فکر پیمودن راه درست واداشت. تحلیل جداگانه‌ای از نفوذ مطبوعات باید بعمل آید تا در کودتاهای آینده راهنما باشد.

عملیات زمان مناسبی برای آزمون عاملان اصلی آمریکا و مأموران پایگاه سیا که در عملیات شرکت داشتند نیز بود. آسان است اگر بگوئیم عاملان و مأموران عالی‌سیا کاری مهم را به انجام رساندند. زیرا آنها اجرای دستور نمی‌کردند بلکه با جان و دل عملیات را انجام می‌دادند و واقعیتهایی که در اینجا باید مد نظر قرار داد این است که سیا در گزینش و استخدام افراد در یک دوره طولانی، از این اصل پیروی کرده‌است که ایدئولوژی آنها با سیاست آمریکا در قبال ایران و شوروی موافق باشد. در آینده نیز این عامل در استخدام مأموران در ایران باید رعایت شود. انعکاس دست آوردهای مهم مأموران، خود گواه این

موضوع است. در یکی از خطرترین دوره‌ها، پایگاه سیا تماس با عاملان اصلی یعنی علی جلیلی و فرخ کیوانی قطع شد. اما آنها به ابتکار خود عملیاتی را انجام دادند که پایگاه سیا درخواست داده بود.

عملکرد عالی مأموران بومی ارزش عامل برنامه‌ریزی دراز مدت پایگاه را ثابت می‌کند. عامل دیگری که دارای اهمیت است توانائی پایگاه در تولید مدارک بومی و کاملاً اصیل، آن هم در زمانی کوتاه است. از مدت‌ها پیش نقشه این کار تهیه شده و دستگاه جعل مدارک نیز مهیا شده بود.

عملیات بر ما معلوم کرد که تدابیر بلند مدت دیگری نیز هست که باید بدان‌ها پرداخت، همچون:

- تهیه خانه‌های امن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دو خانه کاملاً امن تا لحظه آخر اجرای عملیات باید در اختیار باشد. با آنکه مجریان نقشه از ساختمان سفارت و خانه‌های اعضای سفارت بهترین استفاده را کردند اما نظارت‌های مأموران حکومتی می‌توانست این استفاده را غیر ممکن کند.

- از میان تدابیر دیگری که پایگاه احساس می‌کند باید بعمل آید یکی ایجاد چاپخانه و تسهیلات انتشار مستقل است. پایگاه بر این باور است که این تسهیلات باید در درون سفارت خانه قرار گیرند. این امر که آیا چاپ اوراق و بردن آنها از سفارت به خارج برای توزیع مشکلات جدی امنیتی ایجاد می‌کند یا نه، خود موضوع بحث است.

نقش عمده در اجرای عملیات را مأموران آمریکا و پول آمریکا برعهده گرفت. اما این بدان معنی نیست که نقشه بدون همکاری فعال انگلستان و یا شرکت مأموران و هزینه پول آن کشور می‌توانست به انجام رسد. یک امر واداشتن شاه به همکاری در اجرای نقشه بدون قانع کردن او از سوی آمریکا و انگلستان که مهبای حمایت از او هستند تحقق پیدا نمی‌کرد. اما اگر مأموران انگلیسی در عملیات دخالت داده نمی‌شدند آنها هر اطلاعی را به دست می‌آوردند به حکومت داده یا فعالانه موجب شکست طرح می‌شدند. درسی که از این

تجربه به دست می‌آید روشن است: در عرصه جهانی منافع آمریکا و انگلستان و فعالیت‌هایشان باید همگرا شوند. معامله بزرگ این بود که زمانی که دو طرف دیدند اهدافشان یکی است، هماهنگی لازم در زمینه‌های خاص عملیات را بعمل آورند.

واپسین موضوع در خور توجه، امنیت اطلاعات این نوع عملیات است. از زمانی که نقشه به اجرا گذاشته شد بخش خاور نزدیک و آفریقا کوششی جدی برای عملی کردن تدابیر امنیتی انجام داد. در این بخش و حتی در شعبه آن اصل «اطلاعات به اندازه نیاز» به اجرا گذاشته شد. با این وجود، زمانی که عملیات به انجام رسید، افراد زیادی، انگلیسی و آمریکائی، از آنچه صورت گرفت، اطلاع یافته بودند. شعبه چهارم بخش خاور نزدیک و آفریقا اسامی اشخاصی را که از طرح و اجرای آن اطلاع داشتند، فهرست کرده بود. تعداد افراد فهرست شده بسیار زیاد بود: در جمع 89 نفر. راهی برای آگاهی از طرح، بدون آنکه شعبه چهارم اطلاع داده باشد، وجود نداشت. درست است که راجع به همکاری مستقیم آمریکا و انگلستان در اجرای عملیات تنها به افراد معدودی اطلاع داده شده بود. با این وجود، بجاست که در آینده، زمانی که عملیاتی از این نوع و به این بزرگی و حساسیت طراحی می‌شود یک افسر خاص تأمین امنیت در جمع مجریان عملیات منظور شود و به او این مسئولیت داده شود که بدقت مراقب باشد که اطلاعات از میان افرادی که باید مطلع باشند، به بیرون درز نکند.

ضمیمه اول:

طرح اولیه عملیات تی.پی.آژاکس که در یک ژوئن 1953 از نیکوزیا به مراکز سیا و انتلیجنس سرویس مخابره شد

خلاصه طرح اولیه که از سوی نمایندگان انتلیجنس سرویس و سیا در نیکوزیا تهیه شد:

1- فعالیت‌های اولیه

الف - تأمین نیاز پولی نیروی مخالف

1 - سیا 35000 دلار به زاهدی می‌دهد.

2- انتلیجنس سرویس 25000 دلار به زاهدی می‌دهد.

3- عوامل ایرانی انتلیجنس سرویس، مأمور رساندن پول به زاهدی می‌شوند.

4 - در صورت لزوم سیا دست به خرید رهبران نظامی که مقاماتی کلیدی دارند خواهد

زد.

ب - کسب همکاری شاه

1 - مرحله اول: متقاعد کردن شاه به اینکه هدف مشترک انگلستان و آمریکا این است

که او را از ترس شدید نسبت به تحریک انگلیسها بر ضد خود رها کنند.

الف - هندرسون، سفیر کبیر آمریکا، شاه را از حمایت مشترک انگلستان و آمریکا

مطمئن کند این دو کشور از او حمایت می‌کنند نه از مصدق.

ب - هندرسون به آمریکا بگوید فرستاده ویژه آمریکا بزودی نزد او خواهد رفت تا او را

از نقشه مشترک انگلستان و آمریکا آگاه کند.

2- مرحله دوم: نماینده ویژه آمریکا شاه را ملاقات خواهد کرد و امور زیر را با او در

میان خواهد گذاشت.

الف - اموری که با شاه در میان گذاشته می‌شوند:

1 - هر دو دولت مسئله نفت را در درجه دوم اهمیت قرار داده اند.

سرنگونی دولت مصدق..... 111

2- هدف اول حفظ استقلال ایران و جلوگیری از سقوط آن در دامن شوروی است. بدین خاطر است که مصدق باید برود.

3- سلطنت بهترین پشتیبان حاکمیت ملی است.

4- تا زمانی که مصدق بر سر قدرت است، آمریکا هیچگونه کمک مالی به ایران نخواهد کرد.

5- مصدق باید برود.

6- کمک مالی انگلستان و آمریکا به حکومتی که جانشین مصدق، شود داده خواهد شد.

7- راه حل قابل قبول برای حل مسئله نفت پیشنهاد خواهد شد اما حکومت جانشین مصدق، برای پذیرش آن تحت فشار قرار نخواهد گرفت.

ب - درخواست‌های لازم از شاه:

1- شما باید رهبری طرح سرنگونی مصدق را بر عهده بگیرید.

2- اگر چنین نکنید، مسئولیت سقوط کشور بر عهده شما خواهد بود.

3- اگر چنین نکنید سلطنت شما سقوط می‌کند و حمایت انگلستان و آمریکا از شما قطع خواهد شد.

4- چه کسی را می‌خواهید جانشین مصدق کنید؟ (سعی و مانور به کار می‌رود تا او زاهدی را نام ببرد)

5- به شما هشدار داده می‌شود که در این باره با کسی صحبت نکنید.

6- جزئیات عملیات از سوی زاهدی با شما در میان گذاشته خواهد شد.

2- تحویل کار به زاهدی

الف - بعد از به دست آوردن موافقت شاه به زاهدی اطلاع داده خواهد شد که با حمایت انگلستان و آمریکا به ریاست حکومت جانشین مصدق برگزیده شده است.

ب - موافقت با نقشه عملیات و زمان بندی اجرای آن.

دو راه برای رساندن زاهدی به نخست وزیری وجود دارند:

1- راه متمایل به قانون، یعنی شاه با صدور فرمانی زاهدی به به نخست وزیری منصوب می کند.

2- کودتای نظامی.

نخست باید راه حل متمایل به قانون را در پیش گرفت. اگر موفقیت آمیز بود تنها بخشی از ماشین نظامی کودتا به کار گرفته خواهد شد. اگر شکست خورد در ساعات بعد نقشه کودتای نظامی به اجرا گذاشته خواهد شد.

3 - رابطه با مجلس

سرنگونی مصدق، از طریق راه حل متمایل به قانون، ایجاب می کند که وکلای مجلس خریداری شوند.

الف - هدف اصلی این است که 41 رأی بر ضد مصدق تهیه شود. به این ترتیب، برای آنکه برکناری مصدق به صورت شبه قانونی انجام گیرد باید حد نصاب نمایندگان حاضر در مجلس بیشتر از پنجاه و سه نماینده نباشد. (انتلیجنس سرویس بر این است که بیست نماینده ای که در کنترل نیستند، باید خریداری شوند.)

ب - عاملان ایرانی انتلیجنس سرویس مأموریت نزدیک شدن به نمایندگان و خریداری آنها را برعهده خواهند گرفت. در صورت لزوم سیا از طریق وارد کردن فشار به نمایندگان و تأمین قسمتی از بهایی که به نمایندگان باید پرداخت شود به انتلیجنس سرویس کمک خواهد کرد.

4 - ارتباط با بازار

تماس با بازار برای انتشار شایعات ضد حکومت و احتمالاً بستن بازار بمثابه اظهار مخالفت با حکومت، باید به کار رود.

5 - حزب توده

زاهدی باید در انتظار واکنش شدید حزب توده باشد و آمادگی رویارویی شدید با آنان را داشته باشد.

الف - توقیف صد تن از رهبران حزب توده و جبهه ملی

ب - بستن خیابان‌های جنوب تهران با هدف پیشگیری از تظاهرات حزب توده.

6 - مطبوعات و برنامه تبلیغاتی

الف - ضربه اول، تشدید تبلیغات ضد مصدق است.

ب - زاهدی باید بزودی رئیس واقعی تبلیغات را معین کند و او باید به کارهای زیر

پپردازد:

1 - تمامی خبرنگاران خارجی را توجیه کند.

2- بیانیه‌های آمریکا و انگلستان را پخش کند.

3- حداکثر استفاده از رادیو تهران را به عمل آورد.

7- رابطه با عشایر

الف - کودتا هیچگونه واکنشی را از سوی بختیاریه‌ها، لرها، کردها، بلوچ‌ها،

ذوالفقاری‌ها مامسنیها، بویر احمدی‌ها و ایلات خمسه برنخواهد انگیخت.

ب - مشکل اصلی، خنثی سازی رهبران ایل قشقائی است.

8 - جریان سرنگونی شبه قانونی

الف - در این لحظه بهترین کار اجرای نقشه معروف به نقشه * [؟] است. ترتیب

پناهندگی انبوهی از تظاهر کنندگان مذهبی به مجلس باید مورد بررسی قرار گیرد. عناصری

که رهبران مذهبی می‌توانند به حرکت درآورند و همچنین کسبه بازار که به آنها می‌پیوندند

حدود چهار هزار نفر هستند که عوامل انتلیجنس سرویس آنها را در کنترل خود دارند. این

تعداد جدا از افراد دیگری هستند که سیا می‌تواند آنها را گردآورد.

* - خوانده نشد.

ب - باید با وسعت هرچه بیشتر دو پیام پخش شود. اگر این پناهندگی بیانگر مخالفت مردمی با حکومت مصدق باشد. این کار به ترتیب زیر انجام می‌شود:

1 - پیام اول اینکه حکومت مصدق از اساس، ضد مذهب است و به این ترتیب اکثریت روحانیون بر این نکته تأکید کنند که میان مصدق و حزب توده یا میان مصدق و روسیه شوروی پیوندهایی وجود دارد.

2- پیام دوم اینکه مصدق دیکتاتور است و اصولاً این نوع حکومت کشور را به سوی ورشکستگی کامل سوق می‌دهد. در آغاز این تبلیغات، سیا می‌تواند به مقیاس وسیع پول تقلبی وارد بازار کند. سیا توانائی آن را دارد که اسکناس تقلبی به مقدار زیاد که از اسکناس واقعی قابل تشخیص نباشد، چاپ کند.

ج - مذهبی‌ها در صبح روز بعد از کودتا باید به مجلس پناهنده شوند. بلافاصله مجلس باید رأی عدم اعتماد به مصدق بدهد. در پی این رأی، مصدق باید مستعفی تلقی شده و از زاهدی بمثابه جانشین او حمایت شود. اگر کار با موفقیت انجام شد در اول بعد از ظهر کودتای شبه قانونی باید به طور کامل انجام شود. اگر موفقیتی حاصل نشد، کودتا باید عصر آن روز به اجرا گذاشته شود.

ضمیمه دوم: عملیات تی.پی.آژاکس که لندن آن را تصویب کرد

مقدمه

سیاست هر دو حکومت آمریکا و انگلستان بر این اصل استوار است که حکومت مصدق را سرنگون و حکومت دیگری را جانشین آن کنند. زیرا خطر اضمحلال اقتصادی ایران قطعی و قرار گرفتن ایران در داخل مرزهای شوروی محتمل است. تنها از طریق ایجاد تغییرات و کنترل این حکومت می‌توان تمامیت ارضی و استقلال کشور را تأمین کرد.

در ایران امروز، ژنرال زاهدی تنها کسی است که می‌تواند در رأس حکومت جدید قرار گیرد و از نفوذ روسیه شوروی جلو گیری کند و همچنین در کشور اصلاحاتی اساسی به عمل آورد.

نقشه به ترتیبی که در زیر تشریح می‌شود سه مرحله دارد. دو مرحله اول مقدم بر عملیات نظامی انجام خواهد گرفت. این دو مرحله شامل مرحله حمایتی کنونی و کارزار تبلیغاتی نیز می‌شود. (نگاه کنید به پاراگراف زیر). این مراحل برای منافع مشترک آمریکا و انگلستان ارزش واقعی دارند و اگر با موفقیت انجام شوند حکومت مصدق به طور روز افزون متزلزل می‌شود و دیگر نیازی به عملیات نظامی نیست.

هزینه اجرای این نقشه در جمع 285000 دلار می‌شود که از آن 147000 دلار را آمریکا و 137000 دلار را انگلستان می‌پردازند.

2 - نقشه عملیات

الف - حمایت مقدماتی از نیروی مخالف حکومت مصدق:

برای یک دوره چند ماهه پایگاه سیا و گروه عامل انگلستان (برادران رشیدیان) در ارتباط نزدیک به زاهدی بوده‌اند. گروه انگلیسی معادل 50000 دلار (چهار تا پنج میلیون ریال) در مقام حمایت، پرداخته است.

در طول این مرحله در اول ژوئن 1953 تا حداکثر دو ماه که این حمایت بعمل خواهد آمد آمریکا 35000 و انگلستان 25000 دلار دیگر خواهند پرداخت. پرداختهای اولیه از این محل از سوی پایگاه سیا در تهران بعمل آمده‌اند.

وجوهی که انگلستان می‌پردازد همچنان از مجاری کنونی برای مصارفی که پایگاه‌های انگلستان و آمریکا تشخیص می‌دهند، بعمل می‌آید.

وجوه آمریکا به طور مستقیم از سوی پایگاه سیا در محل برای توسعه دامنه طرفداران و تقویت نظامی و سیاسی زاهدی پرداخت خواهد شد.

در ابتدای این دوره زاهدی از این حمایت دو جانبه و قصد مشترک این دو کشور به افزایش حمایت ملموس باید به طور کامل آگاه شود.

در طول این دوره به کسان طرف تماس زاهدی همچنان این احساس باید داده شود که شاه با دادن پول از زاهدی حمایت می کند.

در اجرای نقشه همساز کردن فعالیت پایگاه های سیا و انتلیجنس سرویس در تهران از طریق تماس های مستقیم میان اعضای پایگاه سیا و گروه عاملان انگلستان بعمل خواهد آمد. افراد محلی سیا باید از طریق انتقال دستورها و تأمین ارتباط از جانب انگلستان عمل کنند تا امنیت ارتباطات افزایش یابد.

قدمهای لازم برداشته خواهد شد تا اطمینان حاصل شود که سیاست آمریکا منطبق با این نقشه است.

ب - نقش شاه بمتابه کانون مخالفت

این نقشه بر این فرض بنا می شود که همکاری شاه به دست خواهد آمد. همکاری شاه بهترین اقبال موفق را برای کودتای نظامی در اختیار می گذارد. با این وجود، عملیات به تربیتی اندیشیده شده است که همکاری شاه ولو ناخواسته تأمین شود.

شاه برای اینکه نقش خود را ایفا کند خواهان تدارکی ویژه است. او بر طبق طبیعتش آدمی بی اراده است. دستخوش تردید و ترس است. او باید متقاعد شود تا نقش خود را بازی کند. نقش ایجابی او باید حد اقل و در کوتاه ترین زمان انجام گیرد.

ما بر این نظر هستیم که شاهزاده اشرف خواهر دو قلو و توطئه گر شاه، کسی است که بیشترین اقبال در متقاعد کردن شاه به ایفای این نقش را دارد. ما اطمینان داریم که اشرف از همکاری برای سرنگونی مصدق استقبال می کند. با وجود این، باید به نزد اشرف رفت و او را نسبت به نقشه توجیه و روانه تهران کرد. تماس میان اشرف و پایگاه سیا باید حفظ شود.

در سه مرحله شاه را باید مهیای ایفای نقشش کرد. در این سه مرحله، اشرف باید او را آماده کند. مرحله اول این است که شاه قانع شود که آمریکا و انگلستان هدف واحدی در

ایران دارند و در همان حال او را از ترس شدیدش از «دیدن دست توطئه گر انگلستان» رها کند. مرحله دوم این است که [اشرف] او را با عباراتی خاص از کارهایی که در آینده نزدیک انتظار می‌رود که آن را انجام دهد آگاه کند. در مرحله سوم نیز باید توافقاتی خاص با او بعمل آید. جزئیات این سه مرحله بشرح زیر است:

1 - مرحله اول:

با اطلاعاتی که اشرف به شاه می‌دهد، رهبر گروه عاملان انگلیس شاه را ملاقات می‌کند و به او اطمینان می‌دهد که آمریکا و انگلستان در ایران هدفی مشترک دارند و هر دو می‌خواهند از او حمایت کنند تا از این طریق شاه بیشترین مخالفت را با مصدق داشته باشد. رهبر گروه عاملان انگلیس به شاه خواهد گفت، او در موقعیتی است که می‌تواند ثابت کند انگلستان حامی شاه است و او به‌عنوان سردرسته عمال انگلستان در ایران، مجاز است از سوی این کشور سخن بگوید و محض اطمینان، هر جمله‌ای را که شاه پیشنهاد کند در تاریخ‌های متوالی از برنامه فارسی بی بی سی پخش کند.

2- مرحله دوم:

در پی اطلاعاتی که شاهزاده اشرف به شاه می‌دهد، ژنرال شوراسکف - رئیس سابق هیأت مستشاران آمریکا در ژاندارمری ایران - به‌عنوان نماینده دولت آمریکا به نزد شاه خواهد رفت. این نماینده را شاه خوب می‌شناسد و بخاطر خدمت موفقیت آمیزش در چند سال گذشته مورد ستایش قرار داده است. سخنان او به شاه دارای دو نکته است:

الف - در این موقعیت هر دو حکومت موضوع نفت را مسئله‌ای ثانوی می‌دانند. موضوع اول طرف توجه دو حکومت حفظ استقلال ایران است. هر دو حکومت می‌خواهند به ایرانی‌ها در حفظ کشورشان از افتادن به دامن شوروی کمک کنند. اگر مصدق بر سر قدرت باقی بماند سقوط اقتصادی ایران مسلم است و از آنجایی که مصدق به حزب توده اجازه داده است به طور وسیع در همه جا رخنه کنند، سقوط اقتصادی ایران، به قدرت رسیدن کمونیستها منجر می‌شود.

118 سرنگونی دولت مصدق

ب - هر دو حکومت بر این عقیده هستند که ادامه سلطنت پهلوی بهترین ضامن حاکمیت ملی است.

ج - تا زمانی که مصدق بر سر قدرت است کشور، هیچگونه کمک مالی جدید از آمریکا دریافت نخواهد کرد و احتمالاً کمک‌های کنونی نیز قطع شود.

د - مصدق باید برود.

ه - جانشین او حمایت لازم را از سوی هر دو حکومت از طریق همان نیروهایی که بر سر کارش می‌آورند خواهد یافت.

و - یک راه حل قابل قبول برای مشکل نفت پیشنهاد خواهد شد اما قصد آن نیست که آن را تنها راه حل بدانند و در صدد اجبار کشور به پذیرفتن آن باشند. بخش دوم نکات زیر است:

الف - شاه در مسند سلطنت است و به طور قطع می‌خواهد شاه بماند و محور تمامی نیروهای ضد مصدق برای حفظ این سلطنت است.

ب - اگر شاه نخواهد با این نیروها همگام شود به تنهایی مسئول سقوط کشور و از دست رفتن استقلال آن است.

ج - اگر شاه بخواهد تنها براه خود برود، سلطنت او بسیار سریع سقوط می‌کند. برخلاف بد فهمی شاه، آمریکا و انگلستان از او حمایت کرده‌اند اما اگر اکنون شاه از همکاری خودداری کند این حمایت سلب خواهد شد. نماینده آمریکا باید پی آمدهای این امر را به او گوشزد کند.

د - شاه گفته است زاهدی بمثابه جانشین مصدق برای او قابل قبول است. همچنین شاه گفته است که کمک‌های مالی از سوی آمریکا و انگلستان به نیروی سرنگون کننده مصدق باید به نام و از طرف او بعمل آیند.

ه - حکومت‌های آمریکا و انگلستان به طور کامل بر این باورند که زاهدی تنها نامزد واقعی است. با کمک آمریکا و انگلستان زاهدی آماده است در آینده نزدیک دست به کار

شود و کار را با موفقیت به انجام رساند. شاه به طور کامل در جریان نقشه‌های زاهدی قرار خواهد گرفت و از او حداقل عمل توقع خواهد شد. بلافاصله بعد از دیدار نماینده آمریکا [با شاه] رهبر گروه عاملان انگلستان به دیدار شاه خواهد رفت و همان سخنان را به او خواهد گفت.

3- مرحله سوم

این مرحله صرفاً در محدوده مسئولیت شاهزاده اشرف است. بلافاصله بعد از دیدارهای نمایندگان آمریکا و انگلیس زمانی که هنوز شاه تحت تأثیر سخنان آنهاست شاهزاده اشرف باید امضای او را پای سه مدرک به دست آورد. نخستین مدرک از این سه باید تاریخ داشته باشد. دومی و سومی باید بدون تاریخ باشد. این مدرکها عبارت خواهند بود از:

الف - یک نامه سرگشاده خطاب به تمامی افسران وفادار و دعوت از آنها به همکاری با حامل نامه در کوشش‌هایی که برای بازسازی اعتبار ارتش لازم می‌بیند. همکاری با او در اعاده احترام به خود و ابراز فداکاری نسبت شاه و کشور.

ب - فرمان نصب زاهدی به ریاست ستاد ارتش.

ج - فرمانی خطاب به تمامی رده‌های ارتش مبنی بر اطاعت کامل از دستورهای رئیس ستاد منتصب او.

این سه مدرک باید به صورت یکجا از کاخ به بیرون ارسال شوند. نامه‌ای سرگشاده باید در اختیار زاهدی قرار بگیرد و دو نامه دیگر به پایگاه سیا ارسال و برای زمانی نگهداری شود که موقع استفاده از آنها است.

در پی انجام اقداماتی که از شاه خواسته شده و با امضای این مدارک، ممکن است شاه حالت غلیان پیدا کند. دیر یا زود او تردید و ترس خواهد شد. از این رو، او را باید از پایتخت دور کرد و به سفر برد. بهتر این است که به زیارت مشهد برود. او باید در مشهد بماند تا زاهدی کنترل امور را به دست آورد. او تنها زمانی که به پایتخت باز خواهد گشت که نخست وزیر جدید مستقر گشته و شاه تصویب او را اظهار کند.

ج - سامان دادن کارها باتفاق زاهدی

تماس‌های مداوم افراد سیا و عوامل انتلیجنس سرویس با زاهدی یا نمایندگان او به روشن شدن روز افزون نقشه‌های او و عناصری که او امیدوار است به کمک او برخیزند کمک کرده‌اند. این مواد و گزارش‌های اطلاعاتی در تهیه «سازماندهی کودتا» آمده‌اند. در پی تماسها با شاه بشرحی که گذشت هر دو حکومت آمریکا و انگلستان به طور مستقیم به زاهدی اطلاع خواهند داد که از شاه موافقت لازم برای او گرفته‌اند و زمان آن است که نقشه تفصیلی تهیه و به اجرا درآید.

نامه دعوت شاه از افسران وفادار به همکاری در اختیار زاهدی قرار داده خواهد شد. او با استفاده از این نامه خواهد توانست دستیاران نظامی خود را به خدمت درآورد. زاهدی همچنین نامزد آمریکا و انگلستان برای اجرای «نقشه براندازی مصدق» شناسانده خواهد شد. این نقشه با زاهدی موضوع تبادل نظر خواهد شد و او فرصت دارد قسمتی از آن را تکمیل و یا تغییر دهد. لازم است تمایلات و قابلیت‌های او رعایت شود. به زاهدی گوشزد خواهد شد که بر طبق نقشه در مرحله پیش از زمان کودتا نیز در حمایت مخفی از عملیات آمریکا و انگلستان هماهنگی کامل دارند. تمامی عناصر بالقوه مخالف مصدق باید مخالف بالفعل شوند چنانکه در روز کودتا سرنگونی حکومت مصدق به وسایل قانونی میسر شود. زمانی که زاهدی موفقیت روش قانونی طرح را زیر سؤال برد باید به او گفته شود که اگر عملیات نظامی محدود به تأمین کنترل شهر شود منش و شهرت حکومت جانشین مصدق بهتر خواهد بود.

با این وجود، بسا ممکن است شاه از قبول پیام نماینده آمریکا خود داری کند و یا نخواهد مدارک را برای زاهدی امضا کند. به زاهدی باید اطلاع داده شود که در صورت موافقت زاهدی، آمریکا و انگلستان آماده‌اند بدون همکاری فعال شاه نقشه را به اجرا بگذارند. ما باید به هرگونه کوششی دست می‌زدیم تا شاه ولو ناخواسته در اجرای طرح

سرنگونی دولت مصدق..... 121

کودتا شریک شود و همان نتیجه به دست آید که اگر او به طور فعال در اجرای آن شرکت نمی کرد.

د - سازماندهی عملیات سرنگونی حکومت مصدق

موادی که در زیر می آیند باید از طریق پایگاه سیا در تهران با زاهدی در میان گذاشته شود تا تغییر لازم در آن بعمل آید.^[۱۴]

1 - سازماندهی کودتا:

الف - دفتر نظامی: رئیس این دفتر با افسری خواهد بود که زاهدی منصوب می کند. اما آمریکا و انگلستان نیز باید با او موافق باشند. افسران بلند پایه معدودی عضو این دفتر خواهند شد. این دفتر با پایگاه سیا در تهران در ارتباط خواهد بود. به اتفاق آمریکا و انگلستان نقشه اولیه ای برای تأمین امنیت تهران تهیه خواهد شد. برای اینکه دفتر نظامی از عهده کارهایش برآید، مبلغ 75000 هزار دلار در اختیارش قرار خواهد گرفت.

ب - وظایف دفتر: اولین وظیفه دفتر گزینش افسرانی با مقامات کلیدی در تهران است. افسرانی که در عملیات برضد مصدق بتوان روی آنها حساب کرد.

دفتر نظامی، طرح کودتا تهیه شده از سوی آمریکا و انگلستان را به دقت ارزیابی خواهد کرد تا اطمینان حاصل شود که کودتا با موفقیت انجام می پذیرد. برخی از این عملیات تدابیری است که باید بلافاصله بعمل آید: تصرف ستاد ارتش، پایگاه رادیو تهران، خانه های مصدق و اطرافیان او، ادارات مرکزی شهربانی و ژاندارمری، مرکز پست و تلگراف و تلفن، مجلس و ادارات مطبوعات و بانک ملی و چاپخانه آن. توقیفها شامل وزیران مصدق و افسرانی است که مقام های کلیدی دارند و با مصدق همکاری می کنند و نیز گزیده های از مدیران مطبوعات.

114- در اینجا تنها عناوین قوای موجود و نقشهای هر یک از آنها ذکر می شود. در این ارزیابی توانائی قوای طرفدار مصدق نا دیده گرفته شده است.

بر ضد حزب توده باید تدابیری اتخاذ شود. زاهدی باید منتظر واکنش شدید حزب توده و رویارویی، با هدف حداکثر غلبه باشد. تا زمانی که حکومتی، جانشین مصدق نشده است امکان خنثی سازی حزب توده وجود ندارد. با این وجود، از زمانی که حکومت تغییر می کند تا آن زمان که حزب توده توانایی حضور در خیابانها را پیدا می کند، فرصتی چند ساعته وجود دارد. به هنگام انجام کودتا صد تن از رهبران حزب توده و جبهه ملی و روزنامه نگاران باید توقیف شوند. توقیف شدگان افرادی خواهند بود که اسامیشان در فهرستی که به تازگی با همکاری انگلستان و پایگاه سیا در تهران تهیه شده و از هشتاد اسم تشکیل شده، آمده. این تعداد به اسامی که زاهدی فهرست می کند، افزوده می شود. کنترل خیابانهای تهران از اجتماع اعضای حزب پیشگیری می کند. توزیع هرچه گسترده تر اعلامیه با امضای کمیته مرکزی حزب توده ایران باید اعضای حزب را غرق ابهام کند و از اجتماع و عمل آنها پیشگیری نماید. برای آمریکا میسر است که گاز اشک آور، جوهر پاک نشدنی، یا مواد دیگری در اختیار افراد بگذارد که مانع از تجمع افراد شوند. هواپیماهای نیروی هوایی می توانند اختطاریه هایی را پخش کنند و مردم را از عواقب اجتماع در خیابانها بر حذر دارند.

ج - عملیات در روز کودتا: در این عملیات اساساً از همان رهنمودها پیروی خواهد شد. به ترتیبی که در هر یک از سه وضعیت امکانپذیر باشد. این سه وضعیت عبارتند از:
وضعیت الف: اعتراض هرچه گسترده تر مرتجعین به حکومت مصدق که بلافاصله به دنبال آن اقدام نظامی بعمل خواهد آمد.

وضعیت ب: لحظه ای که شاه به زور مصدق، ناگزیر از ترک کشور می شود. این عمل مصدق یا نتیجه قوت گرفتن نیروی مخالفی است که شاه خود خواسته آن را رهبری می کند و یا بر اثر قوت گرفتن نیروی مخالف است و شاه خود ناخواسته در رأس آن قرار می گیرد.
وضعیت ج: لحظه ای که مصدق می خواهد استعفای خود را تقدیم کند، این عمل می تواند ناشی از نگرانی او از قوت گرفتن مخالفان باشد. این وضع همان شکلی را پیدا

سرنگونی دولت مصدق..... 123

می کند که در گذشته به نمایش در آمد. یعنی خواستار حمایت شخص شاه می شود و به این عنوان که شاه از این جریان حمایت نمی کند، توده ای ها را به خیابان بکشاند. در وضعیت «الف» عملیات زیر باید انجام گیرد:

در اوج وضعیت «الف» زاهدی با عملیات محدود نظامی ستاد ارتش را تصرف می کند. او بدون فوت وقت نماینده خود را بر ستاد ارتش می گمارد و اقدام به توقیف مصدق می کند. جلسه مجلس منعقد خواهد شد و مخالفان به مصدق رأی عدم اعتماد و به زاهدی رأی اعتماد خواهند داد. در این حال، خواه با در دست داشتن فرمان نخست وزیری از شاه و یا بدون آن، زاهدی حکومت را به دست می گیرد و عملیات مختلف کودتا را که در بالا بر شمرده شد، انجام خواهد داد. زمانی که زاهدی مهار خود را محکم کرد دیگر مشکلی برای کسب رأی اعتماد از مجلس نخواهد داشت. تنها در آن وقت شاه، به تهران مراجعت خواهد می کند.

در وضعیتهای «ب» و «ج» عملیات زیر باید انجام شود:

تنها تغییر در نقشه این خواهد شد که زمان بندی عملیات کودتا تا زمان بحران کنونی جلو انداخته شود و جنبه های نظامی با هم انجام شوند.

2- سازمان دهی ایجاد حداکثر مخالفت مردمی با مصدق پیش از انجام کودتا:

الف - برنامه عمومی این است که مخالفت مردمی و بی اعتمادی و ترس مردم از مصدق و حکومت او ایجاد و توسعه و تشدید یابد. برای اجرای این برنامه 150 هزار دلار اختصاص داده می شود. این برنامه می تواند مراحل زیر را در بر داشته باشد:

مرحله اول: حمایت مقدماتی از زاهدی با در اختیار گذاشتن پول برای افزایش طرفداران خود و یا اینکه اشخاص دارای موقعیت کلیدی را با خود همراه کند.

مرحله دوم: تبلیغات هرچه گسترده تر بر علیه مصدق و حکومت او است. در این میان، شخص مصدق خود باید آماج اصلی حملات قرار گیرد. این کار باید تنها یک یا دو هفته

پیش از وضعیت «الف» انجام گیرد به ترتیبی که مصدق مجال واکنش مؤثر را پیدا نکرد و بر اثر طول زمان، اثر آن از میان نرود.

مرحله سوم: این مرحله همان وضعیت «الف» است که پیش از این تعریف شد.

ب - وظایف عناصر خاص:

(1) - مطبوعات و تبلیغات: در مرحله حمایت گروه انگلیسی به مطبوعات کوچک خط ضد مصدقی خواهد داد. در مرکز سیا و در پایگاه آن در تهران مقاله‌ها، شبنامه‌ها و پوسته‌های برخی از آنها به نفع شاه و بعضی دیگر بر علیه مصدق تهیه و به فارسی ترجمه خواهد شد. نوشته‌هایی که برای بی اعتبار کردن مصدق تهیه می‌شوند، باید مضامین زیر را داشته باشند:

(الف) - مصدق پشتیبان حزب توده و اتحاد شوروی است. (این مضمون باید با مدارک جعلی ثابت کرد).

(ب) - مصدق دشمن اسلام است چرا که متحد حزب توده است و هدف‌های این حزب را به پیش می‌برد.

(ج) - مصدق عمداً روحیه ارتش را خراب می‌کند و توانایی آن را برای حفظ نظم از میان می‌برد.

(د) - مصدق عمداً عناصر تجزیه طلب را تقویت می‌کند. این کار با برداشتن کنترل ارتش از مناطق ایل نشین انجام می‌دهد. یکی از اهداف برداشتن کنترل ارتش بر این مناطق آسان کردن تسلط شوروی بر استان‌های شمالی ایران است.

(ه) - مصدق، عمداً اقتصاد کشور را به ورشکستگی می‌کشاند.

(و) - قدرت، مصدق را فاسد کرده است. به طوری که دیگر از آن آدم وارسته سالهای پیش اثری نمانده است. او اینک همان غریزه سرکوبگری را یافته است که مستبدها دارند.

(ز) - بر مبنای این مضامین باید اصرار شود که مصدق قربانی تحریکات اطرافیان

جاه طلب و بی‌ایمان خود است.

به نظر اساسی می‌رسد که زاهدی، مدیر تبلیغات مطبوعاتی را انتخاب کند و او معاون نخست وزیر نیز باشد. پایگاه سیا در تهران نام شخصی را که باید مورد موافقت آمریکا و انگلستان نیز باشد از زاهدی بگیرد. یک یا دو هفته قبل از وضعیت «الف» کوشش تبلیغاتی پر حجم باید انجام گیرد. تهیه برنامه اجرائی این تبلیغات و وظیفه اولیه پایگاه سیا در تهران است.

(2) - توجیه تمامی خبرنگاران خارجی: اگر به هنگام کودتا مجلس مشغول کار بود کوشش خواهد شد تغییر حکومت، به صورت قانونی باشد. اگر در تعطیلات بود نمایندگان توسط یکی از افسران منتخب که عضو مخالفان مصدق است، به تشکیل جلسه فراخوانده خواهند شد.

در تدارک تغییر حکومت باید به چند تن از نمایندگان به قصد خریدنشان نزدیک شد. هنوز تصمیم گرفته نشده است که خریدن نمایندگان از سوی گروه انگلیسی انجام بگیرد و یا توسط خود زاهدی. تا زمانی که او در تحصن مجلس است بهترین موقعیت را برای انجام این کار دارد. یکی و یا هر دو کار خرید نمایندگان را انجام خواهند داد. بودجه خاص برای خرید نمایندگان اختصاص داده خواهد شد با چهارچوبی که با توافق دو طرف معین خواهد شد. در این کار پایگاه سیا نیز می‌تواند از تماس‌های خود سود جوید و عوامل مختلف خود را برای انجام این عمل به کار اندازد.

برطبق وضعیت «الف» هدف اصلی این می‌شود که اکثریت نصف به علاوه یک بر علیه مصدق به دست آید. در حال حاضر برابر برآورد تعداد سی نماینده خریداری و آماده شده‌اند تا بر علیه مصدق رأی بدهند. البته در صورتی این اقدام صورت می‌گیرد که نمایندگان بیند اقبال قوی برای اکثریت یافتن آنان وجود دارد. قابل ذکر است که تمامی نمایندگان مجلس در جلسه حاضر نخواهند بود. با اینهمه، لازم است سعی شود نصف به علاوه یک نفر از آنان در لحظه رأی‌گیری بر علیه مصدق حاضر باشد. حداقل دو سوم نمایندگان باید در تهران حاضر باشند تا جلسه مجلس تشکیل شود. از این رو، باید تلاش

شود نمایندگان اضافی خریداری شوند. نه برای اینکه بر ضد مصدق رأی بدهند بلکه تنها به این منظور که در مجلس بمانند تا حد نصاب وجود داشته باشد.

(3) - عناصر سیاسی غیر از حزب توده:

احزاب سیاسی یا گروه‌هایی که اینک مخالف مصدق شده‌اند نقش کوچکی در این کارزار خواهند داشت. احزابی چون حزب زحمتکشان و سومکا و شاخه‌ای از حزب پان ایرانیست تنها و بسیار محدود در اغتشاش خیابانی به کار گرفته خواهند شد. با این وجود، حزب زحمتکشان در تبلیغات بر ضد مصدق که بیشتر آن را شرح دادیم، نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

درخور یادآوری است، در همان حال که این احزاب نقش ناچیزی را ایفا می‌کنند گروه انگلیسی می‌تواند حدود سه هزار نفر فعال خیابانی را در ایجاد وضعیت «الف» بسیج کند.

4 - تجار بازار

مقصود از تاجر، تاجر بزرگ بازار هستند که دیدگاهی نیمه مذهبی دارند و در بازار ریشه دارند و همچنین بر قشرهای دیگر بازار نفوذ زیادی دارند. با این بازاریان هم از سوی گروه کارگزار انگلستان و هم از جانب پایگاه سیا در تهران تماس برقرار است. این تاجر مخالف مصدق هستند زیرا حکومت با وجود آوردن رکود کسب قطع واردات و سخت‌گیری در اخذ مالیاتها و مضیقه پولی، تجارتشان را کساد کرده است. در مرحله تبلیغات شدید بمنزله پیش درآمد وضعیت «الف» این تاجر در مورد زیر به کار گرفته خواهند شد:

الف - پخش شایعات ضد حکومتی در بازار

ب - برانگیختن محدود جنوب تهران در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی حکومت مصدق.

و بعد بهنگام وضعیت «الف» آنها لازم است که تمامی بازار را به تعطیل بکشاند.

ج - واپسین عملیات بلافاصله پیش از کودتا

همان طور که خاطر نشان شد عملیات نظامی می تواند حاصل وضعیتهای «الف»، «ب» و یا «ج» باشند. با این وجود، فعالیتهای پیش از کودتا سازمان همان گونه که تشریح شد به این هدف انجام می گیرند که وضعیت «الف» را ایجاد کنند. این اقدامات را می توان اینگونه توصیف کرد:

1 - در روز معین باید حملات وسیعی بر ضد رهبران دینی برخوردار از احترام عمومی انجام گیرد.

2- دیگر رهبران روحانی [نما] باید بگویند این حملات به دستور مصدق و به دلیل کاهش حمایت های پیشین از مصدق، در پی تلاش های روحانیان سراسر کشور است.

3- شماری از مهمترین رهبران روحانی [نما] باید در مجلس تحصن کنند.

4 - در این هنگام این روحانیون از طریق طرفداران خود اظهارات شدیدالحنی را بر ضد اعمال ضد مذهبی مصدق انتشار خواهند داد.

5 - همزمان با عملیات (2). (ب) و (4) (ه) پایگاه سیا وسیع ترین حمله تبلیغاتی را با انتشار مدارک ساختگی که حاوی جزئیات توافق محرمانه مصدق با حزب توده است به راه خواهد انداخت. بر طبق این «مدارک» حزب توده قول می دهد تمامی توان خود را بر ضد روحانیان و ارتش و نیروی انتظامی به کار برد.

6 - در پی آن رهبران دینی از پیروان خود دعوت خواهند کرد در مساجد ادارات پست و تلگراف و تلفن و بانکها و غیره بست بنشینند. گروه عملیاتی انتلیجنس سرویس و پایگاه سیا می توانند تمامی گروهها را برای تظاهرات و تقویت صفوف طرفداران روحانیان بسیج می کنند. همزمان تجار به بستن بازار خواهند کوشید. (هدف از بست نشینی همگانی فلج کردن زندگی عادی و فعالیت در شهر و نشان دادن وسعت بیزاری مردم از حکومت است. این همان روش مقاومت مسالمت آمیزی است که سنتی دیرین در ایران دارد. قوای نظامی و انتظامی قادر به اقدام بر ضد مردمی که بست می نشینند نیستند.)

7- در کنار این جو خصمانه و غیر عادی که دائماً وخیتر می‌شود، زاهدی در مقام رئیس ستاد ارتش، دستور دستگیری افرادی را که با توقیف آنها بخش اساسی عملیات نظامی کودتا انجام می‌گیرد را صادر می‌کند.

8- درست بعد از اقدام زاهدی مجلسیان به جلسه فوق العاده مجلس فراخوانده می‌شوند تا رأی به تغییر حکومت بدهند و کودتا را کامل کنند.

II- ارزیابی احتمالات موفقیت نقشه کودتا:

مواد این نقشه به سناریو یک فیلم وسترن می‌ماند که به شرقی‌ها پیشنهاد می‌شود آن را بازی کنند. با وجود این تهیه کنندگان نقشه آن را به یمن معلومات عمیق خویش از کشور و مردم آن تهیه کرده و مو به مو آن را از دیدگاه ایرانی ارزیابی کرده و آزموده‌اند. با توجه به ناتوانی ایرانی‌ها در تهیه نقشه و یا عمل به ترتیب دقیق و منطقی ما نباید انتظار داشته باشیم چنین نقشه‌ای، همچون یک سناریو فیلم وسترن مطالعه و اجرا شود.

با این وجود، ما احساس می‌کنیم که نقشه به اندازه کافی گسترده و بقدر لازم قابل فهم است که حتی اگر صد در صد هم اجرا نشود، شانس موفقیت زیادی دارد.

با توجه به رفتار ایرانی‌ها، امنیت عوامل محلی دست اندر کار اجرای این نقشه جدی‌ترین ضعف ذاتی این نقشه است. ما باید از این امر آگاه باشیم که اگر نقشه فاش شود شانس اتخاذ تدابیری برای سرکوب کودتاگران از سوی مصدق را به همراه خواهد داشت.

طی سال‌های اخیر، تجربه‌ای از انجام این نوع کودتاها وجود ندارد. کودتای رضا شاه ماهیتی به طور کلی متفاوت با این کودتا داشت. کودتاهای اخیر در خاورمیانه مشکل زیادی نداشته است، زیرا در آن کشورها تهدید جدی حزب کمونیست وجود داشت و در رأس حکومت نیز شخصیتی با حمایت قوی افکار عمومی حضور نداشت.

مقدم بر ارزیابی شانس موفقیت طرح، توجه به نکات زیر در رابطه با برداشت عمومی از

کودتا ضروری است:

الف - شکست کودتا می‌تواند نتیجه یکی از دو امر زیر باشد:

1- اتخاذ تصمیمات شدیداً ضد آمریکائی از سوی دولت ایران و امکان اخراج آمریکایی‌ها از این کشور.

2- ضعف سیستم عملیاتی انگلستان یا کارگزاران انتلیجنس سرویس که قصد برانداختن حکومت مصدق را دارد.

ب - ممکن است کودتا به شکست منجر شود، اما آمریکایی‌ها از ایران اخراج نشوند و در تاریخی بعد حکومت سرنگون شود. اما آمریکا و انگلستان بلحاظ از میان رفتن گروه کارگزار انگلستان و پایگاه سیا در موقعیتی نباشند که از وضع موجود بهره ببرند.

ج - اگر کودتا انجام نگیرد هنوز ممکن است سفارت آمریکا بسته شود و رکود اقتصادی در حکومت کنونی مصدق با آشوب اجتماعی همراه شود و متعاقب آن حکومت مصدق سقوط کند و حزب توده و اتحاد شوروی بر کشور حاکم شوند.

د - اگر طرح کودتا در این زمان پذیرفته و اجرا نشود نقشه دیگری باید تهیه گردد تا در زمان رکود اقتصادی و آشوب داخلی به اجرا در آید.

حاصل سخن: با وجود حمایت شاه و موافقت زاهدی با مواد اساسی این نقشه تصویب تغییرات پیشنهادی او از سوی ما و اطمینان ما که او طبق نقشه و زمان بندی آن عمل می‌کند تهیه کنندگان این نقشه بر این باورند که کودتا قرین موفقیت خواهد بود.^[۱۱۵]

115- سیا یاد آور می‌شود ضمائی که از این پس می‌آیند در نقشه نبوده‌اند. این ضمائم بر انبوهی از فعالیتهای جاسوسی و اطلاعات مبتنی هستند که به نقشه و اجرای آن مربوط می‌شوند. ضمیمه‌ها فهرست بسیار تفصیلی تمامی حامیان در اختیار و یا محتملاً در اختیار زاهدی با اسامی و مقامات نظامی افسران ارتش بررسی انتقادی مواضع نمایندگان مجلس ارزیابی اهمیت مقام و انسجام رهبران دینی حامی زاهدی اعضای هیأت وزیران حکومت زاهدی و... در بردارند.

ضمیمه سوم:

یادداشت 23 ژوئیه 1953 [1 مرداد 1332] وزارت امور خارجه انگلستان

از مکینز سفیر انگلستان به اسمیت معاون وزارت امور خارجه آمریکا:

«حکومت اعلیحضرت با دیدگاه‌های وزارت خارجه آمریکا آن گونه که بر طبق گزارش در گفتگوی 7 ژوئیه میان آقای بایرود¹¹⁶ و آقای بیلی¹¹⁷ اظهار شده‌اند، نظر مساعد دارد.

ملاحظه‌ای که ناگزیر می‌نماید این است که تمام مسئله غرامت را باید به حکمیت یک دادگاه بین‌المللی بی طرف گذاشت و نیز توافقات آینده نیز باید چنان باشند که سبب برانگیختن فسخ قراردادها و یا برهم زدن قیمت‌های نفت مقرر نشوند. با توجه به این امر حکومت اعلیحضرت خود را برای بیشترین کمک... و ارائه توافقی به مردم آماده کرده‌است. این حکومت همچنان متقاعد است که هرچند شرکت بریتیش پترولیوم طرف شور قرار نگرفته است اما رفتار سخاوتمندانه‌ای درباره روشها و زمان بندی پرداخت غرامت به شرکت اتخاذ خواهد کرد.

به این ترتیب، پاسخ سفارت ما در مقابل به پرسش‌های ویژه‌ای که در گزارش آمده‌اند، عبارتند از:

الف - دولت انگلستان بدون این نفت [نفت ایران] نیز می‌تواند حیات اقتصادی خود را سروسامان دهد. با این وجود جریان نفت موجود در بازارهای سنتیش را برای خود به‌عنوان یک امتیاز تلقی می‌کند. با این وجود، حکومت اعلیحضرت [پادشاه انگلستان] نگران حل مناقشه‌ای است که روابط با ایران را به تیرگی کشانده و عامل ایجاد بحران در تمام منطقه شده است. از این رو، آمریکا آماده همکاری با حکومت جدید در تلاش برای رسیدن به یک توافق مسالمت‌آمیز است. توافقی که در آن اصول مندرج در بند دوم رعایت شود.

116- Byroade

117- Bealey

ب - حکومت اعلیحضرت مفهوم نقشه را عبارت می‌داند از اینکه ابتکار عمل در تقدم بخشیدن به حل مشکل نفت در رابطه با برنامه عمومی او و نیز طبیعت این توافق به نخست وزیر آینده (ایران) داده شود. این حکومت امیدوار است که او [نخست وزیر آینده ایران] در پیشنهادهای ماه فوریه تأمل کند. البته حکومت ما همه نوع توضیح درباره آن پیشنهادات را در اختیار او قرار خواهد داد. امید است او پیشنهادهای را با حسن نیت مورد بررسی قرار دهد، مشروط بر اینکه اصول یاد شده در بررسی‌ها لحاظ شوند.»

ضمیمه چهارم: گزارش‌هایی راجع به جنبه نظامی نقشه تی.پی.آژاکس

در اوائل تابستان 1953 کارول مأموریت یافت نقشه نظامی عملیات تی.پی.آژاکس را مورد بررسی قرار دهد. در این بررسی چند فرض باید در نظر گرفته می‌شد:

الف - عملیات باید عملیات مشترک سیا و انتلیجنس سرویس باشد.

ب - عملیات باید بر عزم نظامیان بر جنگ به نفع شاه تنظیم شود.

ج - قوای ارتش در ایران تحت حکومت مصدق قویاً تحت کنترل افسران طرفدار مصدق هستند.

د - قوای نظامی تحت نظارت انتلیجنس سرویس و سیا توانائی آن را ندارند که هدف‌های نظامی طرح تی.پی.آژاکس را محقق سازند.

این نقشه باید در برگیرنده اصول زیر باشد:

ه - مطالعه دقیق درباره شخصیت فرماندهان نظامی ایران.

و - مطالعه دقیق راجع به توانایی رزمی ارتش ایران با تأکید بر قوای مستقر در تهران.

ز - مطالعه دقیق ارتباطات، ذخیره اسلحه و مهمات، ساخت فرماندهی در ارتش ایران، فاصله زمانی و مکانی نقاط مختلف مختلف ایران با مرکزیت تهران شامل راهها و راه‌های آهن از دیدگاه نظامی.

ح - بررسی دقیق تسلیحات نظامی که انتلیجنس سرویس در اختیار دارد.

ط - امکانات نظامی کاربردی که سیا باید فراهم کند. همچنین امکانات غیر نظامی در کنترل سیا.

ژرژ کارول در واشنگتن مطالعات مقدماتی تهیه نقشه نظامی را آغاز کرد. افرادی که در تهیه این نقشه همکاریشان ارزشمند بود عبارت بودند از برگرت^{۱۱۸} و ویلیام فولکس^{۱۱۹} و اوژن ا. سیلسدورف^{۱۲۰} و الیزابت مک نیل^{۱۲۱}، کالدول^{۱۲۲} و آرتور دو بوآ.^{۱۲۳}

از طریق تلگرامهایی که در تابستان با پایگاه سیا در تهران رد و بدل کردیم کوشیدیم تازه ترین اطلاعات را درباره توان رزمی ارتش ایران به دست آوریم. هیئت مسئول ایران در ژ - 2 وزارت دفاع آمریکا می کوشید هر نوع اطلاعاتی را که به کار تهیه این نقش بیاید به دست آورد. اطلاع در دسترس در این ژ - 2 هیچ گاه به طور کامل در اختیار ما قرار نداشت. اطلاعات مربوط به زندگی نامه رهبران نظامی بسیار ناچیز بود. ژ - 2 فاقد یک نقشه تاکتیکی بود که محل استقرار نیروها را در تهران نشان دهد. باید پذیرفت که سیا نیز برای تهیه نقشه این نوع عملیات آمادگی نداشت و کارهای زیادی باید انجام می گرفت، این در حالی است که همزمان، پایگاه سیا در تلاش برای آغاز طرح تی. پی. آژاکس بود.

اولین مشکل تهیه نقشه این بود که نه در محل و نه در مراکز (سیا و وزارت دفاع) اطلاع مفصلی راجع به چهره های نظامی ایران وجود نداشت. پیش از آن نیز سیا توجه کافی به این امر مبذول نداشته بود.

به تدریج که زمان پیش می رفت ما آموختیم که گزارش های عملیاتی تا چه حد اهمیت دارد و حتی ضروری است.

118- Jerome F. Bergert
119- Willim Fowlks, Jr
120- Eugene E. Cilsdorf
121- Elisabeth E. McNeill
122- Betty J. Caldwell
123- Arthur W. Dubois .

در طی ماه ژوئن گروه مطالعه و تهیه نقشه اطلاعاتی را از ایران دریافت کرد که امکان بررسی وضعیت قوای مستقر در تهران را فراهم می‌کرد. گزارش‌های دریافت شده از ایران مشخص می‌کرد که پنج تیپ در تهران مستقر هستند که از آنها سه تیپ کوهستانی و دو تیپ زرهی. افزون بر این پنج تیپ چهار نیروی مسلح دیگر وجود داشتند: ژاندارمری و شهربانی و گارد مسلح گمرک و قوای تحت امر فرمانداری نظامی تهران نیز دانست که رئیس ستاد جوان ارتش -سرتیپ تقی ریاحی- و اعضای ستاد او از اعضای حزب ایران طرفدار مصدق برگزیده شده‌اند. به این ترتیب، فرض بر این بود که رئیس ستاد و اعضای ستاد در کنترل مصدق هستند و نیز فرض بر این بود که سه تن از پنج فرمانده تیپ‌ها به طور کامل تحت امر سرتیپ ریاحی قرار دارند. طبق آزمون، این فرضیه‌ها واقعیت داشتند. انتلیجنس سرویس گزارش داد که سرهنگ اشرفی، فرماندار نظامی تهران و فرمانده تیپ سوم کوهستانی، ممکن است به قوای مجری نقشه تی.پی.آژاکس پیوندند. این اطلاع بعداً غیر صحیح از آب درآمد.* اما گروه تهیه کننده نقشه نظامی در ماه ژوئن باید آن را می‌پذیرفت. این امر که سرلشگر زاهدی که در نقشه تی.پی.آژاکس، نخست وزیر در نظر گرفته شده بود هنوز دست مایه نظامی در اختیار نداشت و با تهیه نقشه جور نبود. به سرلشگر زاهدی حتی در تشکیل دفتر نظامی خود نیز نمی‌شد، تکیه کرد.

در اوائل ژوئیه شاخه عملیاتی قادر بود نقشه خنثی سازی پادگان تهران و منزوی کردن تمامی تیپ‌ها در ایران را تهیه کند. از همان آغاز معلوم شد که سیا تنها می‌تواند بر نیروهای بسیار اندکی، همچون تیپ سوم کوهستانی در تهران تکیه کند. از این رو نقشه اولیه ما بر استفاده از تیپ سوم کوهستانی برای دستگیری و توقیف افسران ستاد ارتش و نیز توقیف و خنثی کردن تمامی نیروهای مستقر در شهر تهران بنا شده بود.

به این دلیل که سیا هیچگونه نیروی نظامی که به اجرای نقشه تی.پی.آژاکس یاری رساند در اختیار نداشت بنا شد به سرهنگ عباس فرزندگان، عامل پایگاه سیا، تعلیماتی داده شود. در یک خانه امن در واشنگتن فرزندگان تحت تعلیم قرار گرفت. فرزندگان نمی‌دانست

* - این فرض با گفته‌های سرهنگ سرشته‌داری همخوانی دارد.

او را برای چه کاری آماده می‌کنند. اگر چه در مدرسه فرماندهی و ستاد کل (در پادگان لون ورت)^[۱۲۴] او تعلیمات عالی در لجیستیک دیده بود اما هرگز در عملیات نظامی شرکت نجسته بود. باید افزود که بمدت چند سال او معاون وابسته نظامی ایران در واشنگتن بود. پیش از آن نیز افسر رابط ارتش ایران با هیأت مستشاران نظامی آمریکا در تهران بود. از این رو، او از روش‌های نظامی آمریکا آگاه بود. او طبق حرفه‌ای که داشت افسر مخابرات بود. بخاطر شدت حساسیت طرح تی.پی.آزاکس بر روی فرزندگان با استفاده از دستگاه دروغ‌سنج آزمایش شد. در روزهای اول ماه ژوئیه فرزندگان مأموریت یافت به تهران بروند و تمامی روابط دیرین خود با ارتشیان ایران را بار دیگر برقرار کنند.

در ماه ژوئن کارول مأموریت یافت به طور موقت به قبرس بروند و با دونالد ویلبر مأمور برنامه‌ساز برای خاورمیانه و شمال آفریقا و انتلیجنس سرویس همکاری کند. همکاری با انتلیجنس سرویس را کارول بر جنبه‌های نظامی نقشه متمرکز کرد تا تعداد و کیفیت نیروهای نظامی را که انتلیجنس سرویس بر آنها کنترل داشت، به دست آورد. مرکز [سیا] سخت نگران بود. زیرا بر طبق نقشه شاه فرمان عزل مصدق را صادر می‌کرد. اما هیچ اطمینانی وجود نداشت که در صورت عدم اطاعت مصدق از این فرمان، افسران ارتش و افراد آن سازماندهی کافی برای عزل مصدق از مقامش را داشته باشند. در حقیقت، سیا و انتلیجنس سرویس نیروهای نظامی قابل سازماندهی برای تبدیل به نیروی مبارز را در اختیار نداشتند و بیم از آن بود که تدارک نیروهای نظامی جدید و سازمان دادن آنها برای تبدیل شدن به نیروی رزمنده بموقع انجام نپذیرد.

در قبرس انتلیجنس سرویس اعلام کرد که در میان ارتشیان چندین دوست داریم اما از میان دوستان آنها تنها افسری که می‌توانست به اجرای نقشه ما کمک کند سرهنگ اشرفی بود. انتلیجنس سرویس بر این بود که ما باید فرض را بر این بگذاریم که سرهنگ اشرفی همکاری خواهد کرد. برنامه‌گذار نظامی که کارول بود تردید داشت که یک تیپ برای

سرنگونی مصدق کافی باشد و صادقانه می گفت که نقشه نظامی ما باید سخت آزمایشی تلقی شود و نیز او گفت امیدوار است با رسیدن به تهران افزون بر سرهنگ اشرفی نیروهای دیگری را بیابد. از نظر نظامی مباحثات قبرس سخت ناامید کننده بود زیرا روشن می گرداند که کار بزرگ می خواهیم انجام دهیم اما وسائل اندک بیش در اختیار نداریم و باز آشکار کرد که کارول و سرهنگ فرزاتگان باید هر چه زودتر وارد ایران شوند. زیرا در آنجاست که نقشه نظامی بضرورت باید کامل می گشت.

در 15 ژوئیه [24 تیر] کارول به لندن رفت. در آنجا انتلیجنس سرویس نقشه نظامی را طی دو روز مطالعه کرد و آن را با اظهار نظرهای کمی پذیرفت. انتلیجنس سرویس پذیرفت که اگر تی.پی.آژاکس بخواهد با موفقیت اجرا شود سیا باید کار را از صفر شروع کند و با سرعت کار کند تا مگر در میان فرماندهان ارتش ایران دوستان قوی بجوید. در لندن کارول با تفاق سرگرد کین و دو افسر دیگر ارتش انگلیس که مأمور خدمت در انتلیجنس سرویس بودند دو نقشه نظامی را که شاخه عملیات ویژه تهیه شده بودند را بررسی کردند.

هر دو نقشه نظامی ما همان فهرست توقیف شوندگان نظامی و غیر نظامی را در بر داشت. این فهرست ها حاصل مطالعه طولانی در شناسائی ایرانی های هوادار مصدق بود. در عمل ثابت شد که دست کم 90 درصد آنها صحیح بوده است. پس از آنکه کارشناسان و شرح حال دانان انتلیجنس سرویس آنها را مطالعه نمودند انگلیسی ها فهرست را تصویب کردند. در سومین فهرست، توقیف شوندگان شامل توده ای ها از سوی کارشناسان حزب توده بدقت مطالعه و بدون اصلاح تصویب شد. معلوم شد که ارزیابی ما از ایرانی ها بر مبنای اطلاعات تقریباً مشابهی، بعمل آمده است.

در همان حال که فهرست های توقیف شوندگان از سوی کارشناسان انتلیجنس سرویس مطالعه می شد کارول و سرگرد کین و سرگرد انگلیسی به کار بررسی دو نقشه نظامی پرداختند. نقشه اول بر این فرض طراحی شده بود که سرهنگ اشرفی یک عامل انگلیسی تحت کنترل است و تیپ سوم کوهستانیش از او فرمان می برد. بعد از آزمون موبه موبه

هدف‌هایی که بر طبق نقشه در تهران باید خنثی می‌شد (کارخانه تسلیحات ارتش وزارت پست و تلگراف و تلفن ستاد ارتش و غیره) انتلیجنس سرویس اعلام کرد: «فهرستی که شما از هدف‌هایی که باید خنثی شوند تهیه کرده‌اید و وظائفی که ما برای هر یک از ابوابجمعی تیپ سوم معین کرده‌ایم نیز صحیح هستند و محلی که برای پیشنهاد روش دیگر قائل شده‌اید نیز صحیح است.»

سپس به بررسی نقشه نظامی دوم خود پرداختیم. این نقشه بر این فرض طراحی شده بود که کارول در تهران موفق می‌شود همکاری نیروهای دیگری که قادر باشند سه تیپ را به کنترل خود درآورند جلب کند. ما قبول داشتیم که بنا گذاشتن بر همکاری یک تیپ از پنج تیپ، خود را یکسره به بخت و اقبال سپردن است. در صورت امکان ما باید نیروهای دیگری را بخدمت در می‌گرفتیم. انتلیجنس سرویس نقشه را تصویب کرد و هر دو نقشه را در اختیار یک سرتیپ گذاشتند. روز بعد او هر دو نقشه را بدون اظهار نظری باز گرداند.

در طول این گفتگوها تلگرافی از تهران از طریق قبرس رسید. در آن پایگاه سیا «نیروهای نظامی» سرلشگر زاهدی را گزارش می‌کرد. این پیام تمامی ترسهای ما را تأیید می‌کرد. پایگاه سیا مدت‌ها کوشیده است سرلشگر زاهدی را متقاعد کند که فهرستی از نیروهای نظامی تحت امر خود را ارائه دهد و چگونگی به کار بردن آنها را معین کند. سرانجام سرلشگر زاهدی گزارش کرد که هیچیک از پنج تیپ مذکور در کنترل او نیستند. طرح نظامی او بر امکان استفاده از گارد شاهنشاهی و تعدادی از واحدهای اداره ترابری ارتش و قسمتهایی از شهربانی و گارد گمرک بنا می‌شد و نیز او امیدوار بود سرهنگ تیمور بختیار بتواند از کرمانشاه نیرو به تهران بیاورد. انتلیجنس سرویس از کارول خواست ارزیابی خود را از نقشه زاهدی برای آنها بنویسد. در کارول ارزیابی خود اعلام کرد که شاه تا زمانی که زاهدی بر او معلوم نکند چگونه می‌توان قوای نظامی مستقر در تهران را از تسلط سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش رها خواهد کرد، فرمان عزل مصدق و نصب زاهدی را به

نخست وزیر امضاء نمی کند. او احساس کرد اگر تی پی آژاکس بخواهد با موفقیت به عمل درآید باید در پنج تیپ مستقر در تهران نیروهایی هوادار اجرای طرح بگردند. در لندن، انتلیجنس سرویس بر این نظر بود که در عملیات نظامی این اولویتها باید رعایت شوند:

- 1 - تصرف و اشغال نقاط تعیین شده.
 - 2- دستگیر و زندانی کردن اشخاصی که اسامی آنها در فهرستها مندرجند
 - 3- خنثی کردن قوای نظامی هوادار مصدق در تهران
 - 4 - خنثی کردن شهر تهران (از عمل بازداشتن مردم تهران)
 - 5 - تقویت قوای هوادار زاهدی در تهران با قوای خارج از تهران.
- این اولویتها دستور العمل شد زیرا لازم آن بود که ارتباطات هرچه زودتر قطع شوند تا هواداران مصدق نتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.
- کارول در پایان این گردهماییها با اولین هوایما لندن را ترک گفت. او در 21 ژوئیه وارد تهران شد و با سرهنگ فرزندگان تماس گرفت.
- با حلاجی کردن گزارش فرزندگان پیرامون تماسها و گفتگوهای مهم خود (بعد از ورودش به تهران) کارول نام دو افسر را یافت که از لحاظ اجرای نقشه امید را نوید می دادند. فرزندگان گفتگوهای خود را با سرلشگر نادر باتمانقلیج و سرهنگ حسن اخوی در گزارش خود آورده بود. هر دو از دوستان قدیمی و خوب فرزندگان بودند. هر دو افسر ترس از حزب توده را منعکس می کردند که در پی نمایش قدرت 21 ژوئیه همگانی شده بود. گویران^{۱۲۵} و گودوین^{۱۲۶} و کارول توافق کردند که کارول هرچه زودتر باید با افسری که زاهدی مأمور کار بر روی طرح کرده است دیدار و گفتگو کند. زاهدی هیچگاه دفتر نظامی تعیین نکرد و لازم بود که ما دفتر نظامی خود را ایجاد و بسط دهیم.

125- Goiran

126- Goodwin

بعلت موقعیت آشکارا ضعیف سرلشگر زاهدی در میان نظامیان شاغل و نیز چون روشن بود که سیا باید ابتکار عمل را در دست بگیرد و نقشه نظامی و نیروهای نظامی تدارک ببیند، سعی کردیم سریعاً به توانایی‌های سرهنگ اخوی دست یابیم. سرهنگ فرزندگان مأموریت یافت معین کند چه امکاناتی را سرهنگ اخوی می‌تواند در اختیار ما قرار دهد. سرهنگ اخوی نخست نقشه «الف» را پیشنهاد کرد. یعنی نقشه یک کودتای نظامی بدون اینکه معلوم باشد، چگونه باید اجرا شود. سپس به سرهنگ فرزندگان تأکید شد که سرهنگ اخوی را متقاعد کند، واقع بین تر عمل کند. در 30 ژوئیه از سرهنگ اخوی نقشه‌ای رسید که مشخص تر اما بسیار ناقص بود. سرهنگ اخوی می‌گفت او می‌تواند ظرف دو ساعت توقیف‌ها را بعمل آورد و به هدف‌های تعیین شده در نقشه را برسد. تأسیسات و نیروهای نظامی که حاضر به همکاری نمی‌شوند را خنثی کند، ادعایی بی‌معنی بود. مهمترین امری که در گزارش سرهنگ اخوی درج گردید این بود که او با سه سرهنگ جوان در ارتباط است که در پادگان تهران احتمالاً قوای مهمی را تحت امر دارند. سرهنگ اخوی همچنین به سرهنگ فرزندگان گفته بود که سرلشگر باتمانقلیچ فاقد شجاعت است، اما اگر شاه او را به ریاست ستاد ارتش منصوب کند قدرت بیشتری پیدا می‌کند. سرهنگ اخوی نامی از سرلشگر زاهدی نبرد و بنظر نمی‌رسید که با او در ارتباط باشد. سرهنگ فرزندگان به سرهنگ اخوی گفت او را با یکی از دو فرد آمریکائی که در آمریکا ملاقات کرده‌است، آشنا می‌کند.

در این زمان شاه نیز خاطر نشان کرد که بر قوای نظامی مهمی کنترل ندارد.

کارول در 2 یا 3 اوت [10 یا 11 مرداد] با اخوی و فرزندگان ملاقات کرد و برنامه‌ریزی عملیات را آغاز کرد. سرهنگ اخوی مایل بود کار مهمی انجام دهد. اما نمی‌دانست آن را چگونه باید به انجام برساند. او گفت دوستانی دارد که می‌توانند تیپهای دوم و سوم کوهستانی را به کنترل خود در آورند، اما به سرهنگ اشرفی فرمانده تیپ سوم کوهستانی (که گفته می‌شد عامل انتلیجنس سرویس است) و به سرهنگ ممتاز - فرمانده تیپ دوم

کوهستانی - اعتماد ندارد. سرهنگ اخوی گزارش کرد که سرلشگر باتمانقلیچ روز پیش با او گفته است: «اگر شاه وارد عمل شود او حاضر به انجام هر خدمتی و در صورت لزوم مردن بخاطر شاه است.» در پی دیدار با سرهنگ اخوی معلوم شد که او خود بر نیروئی فرماندهی ندارد و تنها امیدوار است دوستان خود را قانع کند که وارد عمل شوند.

بعد کارول مستقیماً با سرهنگ اخوی و دوست او دیدار کرد. دوست او سرهنگ زند کریمی معاون سرهنگ ممتاز، از کار درآمد. سرهنگ زند کریمی فهرستی طولانی را از نیروهای موجود در پادگانهای تهران بخصوص معاونان، فرماندهان تیپها و فرماندهان هنگها ارائه کرد. در روزهای 6 و 7 و 8 اوت [15 و 16 و 17 مرداد] سرهنگ اخوی و سرهنگ زند کریمی و سرهنگ فرزندگان نقشه‌ای را آوردند که بر پایه واحدهائی که بر طبق گفته سرهنگ زند کریمی تحت فرمان دوستان او بودند تهیه شده بود. سرهنگ زند کریمی گفت دوستان اصلی او عبارتند از سرهنگ حمیدی افسر پلیس تهران و سرهنگ اردوبادی افسر ژاندارمری منطقه تهران و سرهنگ منصور پور فرمانده سوار نظام. او ابراز اطمینان می کرد که به دست این دوستان و دوستان دیگری که در میان فرماندهان هنگها و گردانها دارد و تعدادی از آنها بر واحدهای مهم پادگان تهران فرماندهی می کنند (سرهنگ روحانی معاون فرمانده تیپ سوم کوهستان سرهنگ دوم خسروپناه فرمانده هنگ توپخانه تیپ دوم کوهستان سرهنگ دوم یوسفی که به زودی فرمانده هنگ توپخانه تیپ سوم کوهستانی می شد)، پیروزی نهایی را به دست خواهد آورد. سرهنگ زند کریمی از طریق این افسران با فرماندهان گردانهای توپخانه و تعدادی از فرماندهان گروهانها در ارتباط بود. با اینهمه این افسران آن سازماندهی و تعلیم را پیدا نکرده بودند و آمادگی آن را نداشتند که کنترل سرتیپ ریاحی بر فرماندهان تیپهای مستقر در تهران را قطع کنند. برای مثال، اگر می خواستیم موفق شویم باید سرهنگ شاهرخ فرمانده تیپ اول زرهی و سرهنگ پارسا فرمانده تیپ اول کوهستانی و احتمالاً سرهنگ اشرفی فرمانده تیپ سوم کوهستانی و فرماندار نظامی تهران را توقیف کنیم. سرهنگ نودری فرمانده تیپ دوم زرهی احتمالاً

بی طرف می ماند اما بنظر ما لازم می رسید که معاون او نایب سرهنگ بهرامی باید توقیف می شد.

بدینسان از دیدگاه نظامی روشن شد که موفقیت ما به این امر بستگی دارد: «آیا پیش از آنکه ما دوستان سرتیپ ریاحی را توقیف کنیم، او دوستان ما را توقیف می کند یا نه؟» محک توانائی، تأمینی بود که می توانستیم برای تمامی دوستان خود در دوره آمادگی برای ورود به عمل بر قرار کنیم و نیز روشن بود که می بایست تدبیری بیاندیشیم تا اگر دسته اول افسران ما دستگیر شدند بتوانیم نقشه خود را اجرا کنیم. بدین خاطر دو سرهنگ (فرزانگان و زند کریمی) بمدت دو شب روی این سیستم کار کردند تا اگر افراد گروه اول توقیف شدند سیستم همچنان عمل کند.

علامت خطری که با مشاهده آن فرماندهان گردانها و گروهانها می بایست مستقل عمل می کردند توقیف سرهنگ زند کریمی و نزدیکترین دوستان او بود. ضعف نقشه ما در این بود که پایگاه سیا خود با فرماندهان گردانها و گروهانها ارتباط نداشت و از طریق زند کریمی می بایست ارتباط پیدا کند. به هنگام بحث پیرامون این امر، سرهنگ زند کریمی گفت که او می تواند با پائین ترین رده های فرماندهی ظرف 48 ساعت بعد از دریافت فرمان شاه، تماس برقرار کند.

تردید شاه در امضای فرمان، بنفع ما تمام شد. زیرا چند روز مهم در اختیار ما گذاشت که ما با کمک سرهنگ زند کریمی، به تکمیل نقشه خود پردازیم. نقشه ای که بر اساس استفاده از واحدهای تحت فرمان دوستان زند کریمی، طراحی شده بود. زمانی که سرهنگ اخوی سخت بیمار شد و سرانجام ناگزیر شد بستری شود این مشکل پیچیده تر گردید. همچنانکه روز عملیات نزدیک می شد، تنش نیز افزایش می یافت و ارتباط تنش ناشی از ترس با بیماری سرهنگ اخوی غیر قابل درک نبود. با این وجود، سرهنگ اخوی توانست بر سر پا بایستد و در 9 اوت با شاه دیدار کند. بعدها ثابت شد که این دیدار در موفقیت مرحله نظامی تی.پی. آژاکس نقشی حیاتی داشته است. تا زمانی که سرهنگ اخوی شاه را

ندیده بود، مطمئن نبود که دوستان وی در پایگاه تهران آماده‌اند بدون تصویب شاه عمل کنند. بعد از دیدار با شاه سرهنگ اخوی توانست به سرهنگ زند کریمی بگوید که شاه خواهان حمایت نظامیان است.

شاه از سرهنگ اخوی پرسید که اگر او فرمان عزل مصدق را صادر کند، ارتشیان حمایت خواهند کرد یا خیر؟ سرهنگ اخوی به شاه گفته بود با کارول دیدار کرده و نقشه سنجیده‌ای تهیه شده‌است که اگر درست اجرا شود، پیروزی را تضمین می‌کند. بعد شاه از اخوی نامهای افسرانی را پرسیده بود که حاضر بوده‌اند همکاری کنند و اخوی همان اسامی را گفته بود که پیش از آن از طریق اسدالله رشیدیان ما در اختیار شاه گذاشته بودیم. شاه از اخوی خواسته بود بدیدار سرلشگر زاهدی برود.

با گزارش مفاد اساسی گفتگوهایش با شاه سرهنگ اخوی از پایگاه سیا پرسید که آیا آمریکا می‌خواهد از سرلشگر زاهدی حمایت کند؟ به او گفته شد آمریکا می‌خواهد از او حمایت کند. هر دو افسر گفتند چند ماه است که هیچگونه رابطه‌ای با سرلشگر زاهدی ندارند اما فکر می‌کنند او فرمانده بسیار مناسبی است.

در شبهای 11 و 12 و 13 اوت [20 و 21 و 22 مرداد 1332] طرح عملیات همچنان بر به کار بردن چهل فرمانده در صف که در تپه‌های مستقر در تهران خدمت می‌کردند استوار بود. سرهنگ اخوی با سرلشگر زاهدی دیدار کرد و او پذیرفت که سرلشگر باتمانقلیج می‌تواند رئیس ستاد ارتش شود. باتمانقلیج می‌خواست با کارول دیدار کند و با او، سرهنگ‌ها فرزنانگان، اخوی و زند کریمی درباره نقشه‌ها گفتگو کنند. این دیدار تا زمانی که احساس کردیم نقشه بقدر کافی کامل است، به تأخیر افتاد تا سرلشگر باتمانقلیج مطابق آن عمل کند.

در 11 اوت [20 مرداد] زاهدی از اخوی خواست باتفاق فرزنانگان بدیدار او بروند. سرلشگر زاهدی و فرزنانگان بمدت سه ساعت گفتگو کردند. فرزنانگان گزارش کرد سرلشگر زاهدی، امداد آمریکایی‌ها را سخت ارج نهاد و از فرزنانگان خواست افسر رابط

میان او و آمریکائی‌ها در امور نظامی بگردد و نیز از او خواست افسر مسئول دفتر نظامی او بگردد که در جریان هفته گذشته با کارول ملاقات کرده‌است.

در 12 اوت [21 مرداد] فرزنانگان سرلشگر باتمانقلیچ را بدیدار سرلشگر زاهدی برد و سرلشگر باتمانقلیچ به سرلشگر زاهدی هرگونه یاری داد و نیز فرزنانگان سرهنگ زند کریمی را بدیدار زاهدی برد و او گزارش پیشرفت طرح عملیات نظامی را به زاهدی داد. اینک که بعد از وقوع به گذشته می‌نگریم می‌بینیم نیکوتر آن بود که وقت بیشتری را می‌بایست صرف بررسی طرح عملیات باتفاق زاهدی و سرلشگر باتمانقلیچ می‌کردیم. زیرا در آن زمان زاهدی می‌بایست اجرای مرحله نظامی تی.پی.آژاکس را در دست می‌گرفت. حال آنکه هیچیک از افسران جوان دست اندر کار را نمی‌شناخت و سرلشگر باتمانقلیچ نیز تعداد کمی از آنها را می‌شناخت.

در بعد از ظهر 15 اوت [24 مرداد] کارول با سرلشگر باتمانقلیچ و اعضای دفتر نظامی مرکب از سرهنگ فرزنانگان و سرهنگ اخوی و سرهنگ زند کریمی دیدار کرد. در انتظار صدور فرمان‌ها بودند. بیشتر گفتگوها در این باره بود که چه مدت لازم است برای اینکه زند کریمی با 40 فرمانده در صف دوست ما تماس برقرار کند. بعد از یک بحث طولانی همه پذیرفتند که از زمان صدور فرمان‌ها [عزل مصدق و نصب زاهدی] ظرف 48 ساعت عملیات می‌بایست آغاز بگیرند و نیز موافقت شد که سرهنگ نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی، فرمان عزل مصدق را به او تسلیم کند پیش از آن سرهنگ نصیری می‌بایست رادیوئی را به پایگاه سیا می‌فرستاد که بر اساس طول موج فرستنده فرماندهی سرهنگ زند کریمی تنظیم شده باشد.

سرهنگ نصیری فرمان‌های امضاء نشده را در 13 اوت [22 مرداد] به رامسر برد.

ضمیمه پنجم: انتقاد نظامی: درس‌هایی که از تی.پی.آژاکس جنبه‌های برنامه‌ریزی نظامی کودتا گرفتیم

1 - مسئله ارزیابی کارکنان

الف - اگر سیا می‌خواهد یک رژیم دشمن خود را با به کارگیری نیروی نظامی سرنگون کند، باید نیرو و افراد سرشناس آن را شناسائی کند، با آنها تماس برقرار کند و با دقت آن نیروها را در پیشبرد هدف خود به کار گیرد.

ب - تصمیم به یک کودتای نظامی، تنها زمانی باید اتخاذ شود که یقین حاصل شود قوای لازم بالقوه وجود دارند. در این ارزیابی می‌بایست میان «نیروی فعال» و «هم‌آواز اما نا کارآمد» تمیز داد. چرا که طبق تجربه می‌توان به این نوع بررسی نیروهای موجود پرداخت. در صورت امکان، داشتن زندگی‌نامه تفصیلی تمامی کارکنان نظامی (دوستان و دشمنان) که حضورشان بر چگونگی عملیات تأثیر داشته باشد، ضروری است.

ج - زندگی‌نامه‌ها را نمی‌توان در کوتاه مدت فراهم کرد. باید به طور مداوم اطلاعات حتی جزئیات پیرامون زندگی شخصی افسران گردآوری شوند وابسته‌های نظامی، یک سری معجاری معمولی برای به دست آوردن این گزارش‌ها در اختیار دارند. اما گروه مستشاران و کمک نظامی در هر کشور که به کار هستند بهترین منبع اینگونه اطلاعات است. زیرا آنها در کنار افسران بومی کار می‌کنند و با آنها به تفریح می‌روند. تجربه به ما می‌گوید که در این زمینه تا کنون تلاش لازم بعمل نیامده است. اطلاعات ارسال شده که در پرونده افسران گرد آمده جز اشاره‌هایی کوتاه به مأموریت‌ها، ترفیعات، مدال‌ها و نشان‌ها چیز مهم دیگری نیست. در گزارش‌های موجود از تمامی اطلاعاتی که می‌بایست نشان دهند که فلان افسر به راستی چه کسی است؟، چه عواملی او را بر می‌انگیزند؟، دوستان او چه افرادی هستند، و غیره، غفلت شده است.

د - زندگی‌نامه‌های عاملان سیا در نیروهای مسلح، کاملتر است اما این عاملان اغلب در رکن دوم ستاد ارتش و ادارات دیگر هستند و نه در میان فرماندهان نیروها.

ه - زمانی هم که زندگی نامه‌های افراد نظامی حاوی اطلاعات کافی و انگیزه‌هاشان در اختیار هستند، کار بعدی ما نقد دقیق منش هر فرد نظامی تحت ارزیابی است. در این نقد افراد به شناخت روشنی از سنتهای نظامی محلی نیاز است. برای مثال در ایران ارتش سنت جدیدی برای شکست دارد. افسر ایرانی معمولاً بی‌تصمیم است و حقارت خویش را با گزافه‌گویی و با منم منم کردن می‌پوشاند. از این رو مگر بخت یاری کند که بتوان رهبرانی یافت که بخواهند رهبری کنند و از جان مایه بگذارند. می‌توان گفت شاه «نمونه نوعی» خوبی از افسر ایرانی است. ضعف او در تمامی افسران ارتش، می‌توان یافت.

به سخن دیگر، یک رهبر واقعی در ارتش کسی است که به اندازه وزنش طلا است. زیرا ارزش او در ایران بسیار بیشتر از کشورهای دیگری است که در آنها شجاعت، ارزش است.

و - پس از آنکه ارزیابی شخصی افسران کامل شد، سیا افسران خوب و بد را در همه بخش‌ها باید تمیز دهد. انگیزه‌های سیاسی و وطن‌دوستانه، تا آنجا که ممکن است می‌بایست برآورد شوند. ذیل ارزیابی افسران، محیط سیاسی می‌بایست شناسائی شود. عملیات غیر نظامی برای آنکه شرائطی درخور تشدید یا تضعیف انگیزه‌ها، فراهم آیند و بدان عوامل و نیروهایی به صحنه درآیند که هنوز حضور ندارند، ممکن است ضروری شوند.

ز - دوستی نسبت «دنیای آزاد» و «آمریکا» و «سازمان ملل متحد» و «استعمار سفید» و بسیاری انگیزه‌های سیاسی دیگر در همه کشورها یافت می‌شود. سیا در ایران افسران را عموماً «هوادر شاه» «هوادر مصدق» یا «ابن الوقت» یافت. شدت انگیزه‌های سیاسی هر فرد در هر مورد بیش یا کم و اغلب کم اهمیت‌تر از انگیزه‌های شخصی؛ همچون جاه‌طلبی، حسادت، بیزاری افسران جوان از افسران پیر و برعکس است. انقلاب‌های نظامی در ایران سنتی نیست. اما رضا شاه کنترل حکومت را با به کار بردن موقعیت نظامی خود بمتابه سکوی پرش به‌دست آورد. با اینهمه، انگیزه سیاسی افسران و انگیزه‌های شخصی در محیط سیاسی عواملی بود که در ارزیابی افراد نظامی باید در نظر گرفت.

ح - در ایران شاه هم فرمانده کل قوا است و هم رئیس دولت است. نظرات او از هر دو جنبه اهمیتی مشابه دارد. از دیدگاه نظامی، شاه باید به عنوان فرمانده کل قوا ارزیابی می‌شد. این ارزیابی می‌بایست شامل ژرفای نفوذ او، توانائی فرماندهی او و شجاعت او باشد. استفاده از او بمتابه نقطه کانونی یا محور همگرایی که بر آن اشخاص و گروه‌های نظامی می‌توانند گرد هم آیند نیز می‌بایست مورد ارزیابی قرار می‌گرفت.

بی‌آنکه دلایلی برای آن ذکر کنیم، ارزیابی لازم بودن استفاده از شاه را در زمینه‌های زیر مثبت می‌دانیم:

1 - شاه در مقام رئیس حکومت، دولتی که خصومت می‌ورزد را برکنار می‌کند.

2- شاه فرمانده کل قوا و مظهر گردآوری و انسجام است.

در این زمینه ارزیابی ما از شاه منفی بود:

1 - نقش شاه به عنوان فرمانده کل قوا و بمتابه طراح و مجری عملیات نظامی.

ط - حاصل ارزیابی از شاه این بود که در زمینه برانگیختن بخش مهمی از ارتشیان او را بمتابه مظهر به کار بردیم.

ی - ارزیابی‌های افراد نظامی ما را به این نتیجه رساند که سرلشگر زاهدی بهترین افسری است که توانائی رهبری قوا را به نفع شاه و بر ضد دولت ستیزه گر [مصدق] دارد. دلایل ما عبارت بودند از:

1 - در ایران، او تنها فردی بود که آشکارا تلاش می‌کرد به مقام نخست وزیری دست

یابد.

2- او در عمل شهادت بی‌مانندی را از خود نشان داده بود.

3- زاهدی در گذشته شجاعت خود را نشان داده بود. او در بیست و پنج سالگی همچون یک سرباز در جنگ با بلشویکها توانائی فرماندهی جنگ را از خود بروز داده و به درجه سرتیپی رسید.^{۱۲۷}

4- یک پزشک آمریکائی او را با برداشتن چهار دنده از مرگ نجات داد.

5- او به هواداری از آمریکا شهرت داشت و فرزند خود -اردشیر زاهدی- را برای تحصیل بمدت شش سال به آمریکا فرستاده بود. همچنین، در مقام یک سرلشگر ارشد از احترام بسیاری در میان درجات مختلف ارتش برخوردار بود.

صفات منفی او عبارت بودند از:

1- چند سالی از ارتش خارج شده و افسران جوان را نمی شناخت.

2- در برخی محافل مردی پولکی بشمار می رفت. قابلیت او برای رهبری یک کودتا شناخته شده نبود. او هرگز به مقام افسر ستاد و دفتر منصوب نشده بود و همواره افسر و فرمانده صف بود.

3- بیشتر دوستانش غیر نظامی بودند. دوستان نظامی اندکی داشت.

ک- در واشنگتن، تا زمانی که اطلاعات لازم به پایگاه سیا داده نشده بود، ارزیابی دقیق فرماندهان پادگانهای تهران امکانپذیر نبود. برای مثال، مرکز سیا نام هیچیک از فرماندهان تیپهای مستقر در تهران را نمی دانست. شگفت اینکه رکن دوم [اطلاعات] وزارت دفاع نیز هیچگونه آماری در اختیار نداشت. رکن دوم وزارت دفاع و مرکز سیا نیز هیچ اطلاعی از ترتیبات نظامی و جنگی ایران نداشتند. پیش از ارزیابی دقیق از فرماندهان صف پایگاه سیا در تهران، می بایست اطلاعات نظامی را به مرکز سیا فرستاد. این اطلاعات را وابسته های نظامی روز به روز می بایست گردآوری می کردند.^{۱۲۸}

127- او در 27 سالگی درجه سرتیپی گرفت.

128- افسران دو دسته اند: افسران صف که فرمانده واحدهای نظامی در عملیات نظامی هستند و افسران دفتری که به کارهای اداری و سازماندهی می پردازند.

م - هنوز ارزیابی شخصی افسران در مرکز سیا انجام نگرفته بود که وزارت امور خارجه تصمیم به براندازی حکومت مصدق را با توسل به هر وسیله ممکن گرفته بود. این تصمیم بدون تصویری روشن از وضعیت نظامی ایران حتی بدون داشتن فهرستی از افسران و مناصب و وظایف آنان و بدون در اختیار داشتن اطلاعات افسران نفوذی که مقام‌های فرماندهی داشتند گرفته شد. بنابراین، مشخص می‌شود که چرا در تمامی مراحل عملیات لازم می‌نمود که ما با شتاب بیشتری جلو برویم. ارزیابی و تصمیم نیز می‌بایست با شتاب انجام می‌شد. بدیهی است که فقدان اطلاعات موجب کاهش ضریب امنیتی می‌شد و در این شرایط احتمال بروز هر حادثه‌ای، وجود داشت.

ن - ارزیابی ما از رئیس ستاد ارتش منصوب مصدق - سرتیپ تقی ریاحی - با دقت انجام گرفت. ما او را در پرتو تمامی محیط زندگیش مطالعه کردیم. این مطالعه شامل افرادی که سرتیپ ریاحی با آنها زندگی می‌کرد نیز بود. افرادی که او از کار برکنار کرده بود، افرادی که او به کار گمارده بود، افرادی که در ستاد گرد آورده بود، اشخاص سیاسی که همواره با او بودند نیز مورد ارزیابی قرار گرفتند. از دیدگاه سیاسی جایی برای شک باقی نیست که مصدق رئیس ستاد خود را خوب انتخاب کرده بود. (ما مطمئن بودیم که ریاحی چون سایه‌ای دنبال مصدق می‌رود و از شاه پیروی نمی‌کند). اما از دیدگاه نظامی او ضعف‌هایی داشت. ما مطمئن نبودیم که ریاحی، به دلیل اینکه افسر صف نیست و تجربه فرماندهی و رزم را ندارد، در هنگام عملیات، ضعفی از خود بروز خواهد داد که می‌تواند مهم و تعیین کننده باشد. شجاعت و صداقت او قابل انکار نبود. ما پی بردیم که او با سه تن از اعضای برجسته حزب ایران هوادار مصدق هم‌خانه است و همچنین، گروه هواداران مصدق در ارتش را رهبری می‌کند. او و بیشترین همکاران او در ستاد ارتش تحصیل کرده فرانسه بودند و در کار دفتری و ستادی بسیار دقیق و در کار صف و فرماندهی نیز بسیار مطیع بودند.

س - زمانی که پایگاه ارسال گزارشات مربوط به فرمانده تیپ‌ها و جانشینان آن‌ها و همچنین فرمانده هنگ‌ها و گردان‌های مستقر در تهران و دیگر نقاط ایران را آغاز کرد، ما با فضای بازتری وضعیت را ارزیابی کردیم. بر ما مسلم شد که لازم است بسیاری از فرماندهان تیپ‌ها را توقیف و یا برکنار کنیم و می‌بایست نیروی لازم برای عملیات را از رده‌های پائین‌تر فرماندهی انتخاب می‌کردیم. این ارزیابی بعداً صحیح از آب درآمد و موجب شد که در زمان صرفه‌جویی کنیم و از امنیت بیشتری برخوردار شویم. داشتن حصار امنیتی مستحکم، ایجاب می‌کرد که از آغاز تنها با افرادی خاص ارتباط برقرار کنیم و آنها را برای اینکه شانس پیروزی ما را تقویت کنند، آماده نمائیم.

ع - نکات بالا ما را به این نتیجه می‌رساند که داشتن زندگی نامه حاوی بیشترین اطلاعات در موفقیت هرگونه عملیات که به کار بردن افراد نظامی را ایجاب کنند، حیاتی است. بسا می‌شود که شکست یا پیروزی، به درستی یا نادرستی ارزیابی یک افسر بستگی داشته باشد.

2- اطلاعات نظامی بمثابه پایه عملیات براندازی حکومت‌های دشمن

1 - هر جا پایگاه سیا وجود دارد و ممکن است نیاز به اقدامی بنیادین پیدا شود، افسران شبه نظامی می‌بایست مجهز به یک نقشه باشند. نقشه‌ها می‌بایست به اندازه‌های مختلف تهیه شوند و در آنها ترتیب کامل نحوه مبارزه بر اساس وضعیت موجود قید شود. موجودی زاغه‌های مهمات، گازوئیل، بنزین، پوشاک، تجهیزات و غیره می‌بایست با دقت مشخص شوند. بدیهی است، زمانی که هر یک از افراد تیپ، تنها شش فشنگ دارند مأموریت دادن به هنگ برای اقدام بر ضد یک حکومت دشمن، کار بی‌فایده‌ای است.

2- تدابیر دفاعی که دشمن می‌سجد می‌بایست با دقت بررسی شود. در ایران حکومت مصدق بیشترین وسائط نقلیه موتوری را در یک موتورخانه جمع کرده است. حکومت او به هر تانک تنها برای یک ساعت کار، بنزین می‌دهد. توزیع مهمات به حداقل ممکن

کاهش یافته است. حفاظت از زاغه‌های مهمات با دقت صورت می‌گیرد. همچنین، تنها سه هفته پیش از سرنگونی حکومت مصدق، علامت‌های رمز در ارتش تغییر یافت.

سرتیپ ریاحی - رئیس ستاد [ارتش] - در دو لحظه بحرانی تمامی افسران را در پادگان تهران گرد آورد و با لحنی پر هیجان، حس وطن دوستی آنها را برانگیخت. از نظر او وطن دوستی در حمایت از مصدق بروز می‌کرد. سرتیپ ریاحی دستور داد فهرست پلاک خودروهای افسران گردآوری شود و در مواردی افسران تحت تعقیب و مراقبت ویژه قرار گیرند. خانه‌های افسران بشکل تصادفی مورد کنترل تلفنی قرار می‌گرفت تا معلوم شود کدامیک از افسران شب را بیرون از خانه می‌گذرانند.

ب - همچنین لازم است تمامی تأسیسات نظامی که باید تصرف و یا مورد حمایت قرار گیرند مطالعه شوند. برای انجام این کار لازم است نقشه تفصیلی مراکز نظامی، مراکز مهم ارتباطات و غیره تهیه شود. در آغاز تهیه نقشه تی.پی.آژاکس ما هیچیک از این اطلاعات را در اختیار نداشتیم. تنها چند مطالعه ویژه برای خراب کاری در تأسیسات غیر نظامی در اختیار ما بود.

ج - در عملیاتی از این نوع، پیشاپیش باید مقامات کلیدی کشوری که باید توقیف شوند و تأسیسات غیر نظامی که باید اشغال شوند مشخص گردند. برای ارزیابی شخصیت‌های سیاسی امکان مراجعه به چندین منبع اطلاعاتی وجود دارند، اما جمع آوری اطلاعات راجع به تلفن خانه‌ها، ایستگاه‌های رادیو، فرودگاه‌ها و غیره را می‌بایست یک افسر شبه نظامی سرپرستی کند که بداند در پی چیست. این بدان معنی نیست که یک افسر اطلاعاتی نمی‌تواند اینگونه اطلاعات را گرد آورد بلکه در صورتی که به این کار مأمور شود دستور کار او باید با دقت تهیه شود.

د - وضعیت جوی ممکن است در موفقیت عملیات نقشی حیاتی پیدا کند. برای مثال، ممکن است هوا مه آلود بشود و عامل‌های زمان و فاصله جز آن چیزی که پیش‌بینی شده است، باشند که در این صورت اجرای نقشه غیر ممکن می‌شود. باران و توفان نیز عواملی

تعیین کننده اند. تصمیم در این باره که آیا نقشه در روز باید اجرا شود و یا در شب نیز یک تصمیم حیاتی است و باید در همان محل اتخاذ شود. در جاهایی که مقررات حکومت نظامی برقرار است، وجود حکومت نظامی ممکن است شرائط را از اساس تغییر دهد. در نقاط دیگر عادات مردم می تواند از نظر نظامی با اهمیت باشد. برای مثال، عادت به خواب قیلوله و بستن بیشتر دکانها در مناطق کسب و کار می تواند به عنوان یک عامل مهم تلقی شود. همچنین روزهای مذهبی هفته و نیز ایام تعطیل باید به دقت مورد بررسی قرار گرفته و تا از آنها استفاده شود. روزهایی که در آنها گروه‌های مخالف خنثی می شوند و یا قابلیت خنثی شدن را دارند می بایست بدقت مطالعه شود. برای مثال، در برخی پادگانها تعلیم نظامی واحدها ادواری است و ممکن است اعزام یک واحد از نیروی طرف مقابل به بیرون از محدوده نظارت خود، فرصتی مناسب برای اجرای نقشه باشد.

ه - کسب اطلاعات پیرامون رکن یکم (امور پرسنلی) ستاد ارتش بسیار سودمند است. در مواردی می توان افسران دلخواه را جانشین افسرانی کرد که وجودشان محل اجرای نقشه است و یا موجبات نصب مجدد افسران را به مقامهای مورد نظر فراهم کرد. انتصاب افراد مناسب در مقامهای مناسب و در موقع مناسب البته مهمترین عامل موفقیت عملیات نظامی است و در عملیاتی از اینگونه، هیچگاه نباید از آن غفلت شود.

و - عملیاتی که ممکن است بر ضد شما روی دهد نیز می بایست با دقت مطالعه شود و باید قبلاً، اطلاعات لازم را به دست آورید و پیش از آنکه در برابر عمل انجام شده قرار بگیرید خود را برای رویارویی با آنها آماده کنید. باید دانست که از دوایر رکن دوم [اطلاعات] بشیوه‌های گوناگون می توان بهره جست. اگر شما اطلاعات منحرف کننده درباره وجود دسیسه چینی‌ها به دوایر رکن دوم بدهید شاید بتوانید از آنها در ایجاد وحشت در صفوف دشمن بهره بگیرید. در ایران از این امر که چند گروه از افسران مظنون به تدارک کودتا بودند، استفاده زیادی بردیم. همانگونه که بحران شدت می یافت،

گزارش‌های از این نوع نیز بیشتر می‌شد. اگر چه این گزارش‌ها به طرف مقابل در زمینه تهدیدات ما هشدار می‌داد، اما رفقای ما نیز کاملاً مستتر و پنهان بودند.

طبیعی است که تمامی مسائل فوق با توجه به شرایط محلی باید مطالعه شود. با این وجود، در کشورهای دیگری که اوضاع و احوال مشابهی دارند چه بسا که تجربه ما به کار آید.

ز - و نیز کاملاً مشخص است که گروه‌های نظامی دیگری نیز برای مبارزه با حکومت دشمن تشکیل خواهد شد. در این صورت ما باید هویت این گروه‌ها را بشناسیم و بدانیم قصدشان چیست. چه بسا که لازم شود برخی از این گروه‌ها را از میان برداریم و یا لازم شود آنها را جذب کنیم و در قوای خود ادغام نماییم. در هر دو حال، عمل ما می‌بایست ظریف و براساس اطلاعات بسیار دقیق انجام شود. نوع و نحوه اقداماتی که در این زمینه باید بعمل آوریم بدقت باید بررسی شود. تدابیر لازم برای جبران مافات در صورت ناکام ماندن این اقدامات و بدام افتادن هریک از دوستانمان، باید به خوبی اتخاذ شود.

ح - جمع آوری اطلاعات درباره دوستان از مهمترین بخش‌های عملیات است. برآورد میزان امنیت نیز، خود بنحو پیگیر برای کسی که تصمیمات جاری را می‌گیرد، شایسته توجه است. در ایرن در عین توجه به خطرهایی که می‌پذیرفتیم ما سرهنگ‌های جوان را در پی ارزیابی سریع تعلیم دادیم. در همان حال کوشیدیم تا جایی که ممکن است درباره افرادی که بخدمت در می‌آوردیم، اطلاعات کسب کنیم.

ط - اگر ممکن باشد نیرویی سری تشکیل شود تا رفتار دوستان ما را تحت مراقبت قرار دهد. چرا که شرایط نظامی بسیار سیال است و در نتیجه مطلقاً حیاتی است که بدانیم چه کسی زخمی یا توقیف شد و آن فرد نقش دوگانه‌ای دارد یا نه. باید جایگاه افراد طوری تعریف شود که بمحض پاره شدن پوشش امنیتی، هشدار اول داده شود. در پی آن هشدار دوم را باید به دیگر نیروها رساند. این امر در مراحل اجرای عملیات کاملاً مهم و حیاتی است.

ی - ممکن است کنترل امنیتی طرف مقابل، روز به روز تغییر کنند. ما باید از تمامی حوزه‌های امنیتی اطلاع داشته باشیم. برای مثال، در بحبوحه وضعیت نظامی سیال لازم می‌شود که یکی از افسران ما و یا یکی از عاملان اصلی ما ناگزیر می‌شوند در ساعاتی که عبور و مرور ممنوع است، سفرهایی فوری به شهرهایی که در فاصله 8 یا 10 ساعتی پایتخت هستند، داشته باشد. در تجربه ایران، ثابت شد که توانائی ما در تهیه مدارک جعلی برای انجام موفقیت آمیز مأموریتها بسیار ضروری است.

ک - اطلاعات مربوط به شبکه رادیویی و تلگرافی بسیار مهم هستند. در ایران فرستنده رادیویی نیروی هوایی، فرستنده رادیویی ژاندارمری، فرستنده رادیویی ارتش و شبکه تلگرافی شرکت نفت وجود داشتند. شمار و پهنه شبکه تلگرافی، اغلب مایه شگفتی است و به دلایل مسلم می‌بایست بدقت مطالعه شوند. در یک مرحله از عملیات تی.پی.آژاکس ما از شبکه تلگرافی دولت استفاده کردیم. از جمله‌های ساده‌ای برای تفهیم عملیات مورد نظر استفاده نمودیم. برای ارتباط با یکدیگر تلفن وسیله آسانی هم برای نیروهای خودی و هم برای قوای دشمن است. بنابراین، لازم است پیرامون گستره دستگاه‌های شنود اطلاع تحصیل شود و در صورت امکان باید بدانیم کجاها تحت شنود هستند. در ایران معلوم شد که حزب توده در سیستم ارتباطات دولت نفوذ کرده است. با این وجود، ما از این سیستم استفاده کردیم زیرا در یک مقطع زمانی دیگر وسائل ارتباطی از کار افتاده بود.

در مرکز کدگذاری حکومت و یا در مرکز کدگذاری ستاد ارتش، کد مهمترین بخش شناخت ارتباطات دشمن است. در این مرکز نمی‌توان نفوذ کرد. در نتیجه باید آن را از کار انداخت و برای نیروهای خودی، باید تسهیلات ایجاد ارتباط را فراهم ساخت.

ل - اطلاعات جمع آوری شده را بنا بر اقتضاء، می‌توان در ایجاد «بهانه برای اقدام» به کار برد. نفوذ لازم در سیستم طرف مقابل به ما این امکان را می‌دهد که اقدامات حکومت را که عموم از آن بی‌خبرند را بر ملا کنیم. لازم است که در زمان مقتضی از این طریق انگیزه افراد برای همکاری را نیز در نظر گرفته و آن‌ها را به حرکت واداریم.

3 - برنامه‌ریزی نظامی بمثابه شالوده کودتا

الف - دانش برنامه‌ریزی نظامی ژرف‌تر و شناخته‌تر از آن است که در این نوشتار بگنجد. بدیهی است افسرانی که مسئول تهیه برنامه‌ریزی نظامی هستند باید از میان افسران نیروهای مسلح که صاحب تجربه در اینگونه برنامه‌ریزی‌ها باشند، برگزیده شوند.

ب - در برنامه‌ریزی نظامی افسران باید علاوه بر سابقه در عملیات مخفی نیز تجربه داشته باشد. اساس یک کودتا، شرایط امنی است که به ما امکان می‌دهد غافلگیرانه، عملیات را انجام دهیم. اساس حفظ امنیت نیز تجربیاتی است که در گذشته به دست آمده است.

ج - ممکن است یک دفتر نظامی مرکب از افسران بومی برنامه‌ریزی خاص محل را بر عهده گیرد. خواه در خود کشوری که عملیات در آن انجام می‌شود و یا در خارج آن تشکیل شود. این دفتر تنها زمانی می‌تواند عمل کند که تمامی اطلاعات جاری و اطلاعات نظامی را در اختیار داشته باشد.

د - اعضای این دفتر نظامی ممکن است از سوی رهبر آینده حکومت دوست [کودتاچی] معین شوند و یا مستقل از او تعیین گردند. در هر یک از دو حالت انجام مخفیانه عملیات، ضرورت دارد.

ه - این امر که یک افسر سیا به دفتر نظامی معرفی شود، بستگی به شرایط محلی دارد. در ایران ما به این نتیجه رسیدیم که کار را باید به یک نقشه کش سیا بسپاریم. او نیز به نوبه خود پی برد که باید با افسران بومی در سطحی برابر همکاری کند. بدیهی است که این ترتیب از امنیت عملیات بازهم می‌کاهد و در صورت امکان باید از آن پرهیز کرد.

و - فهرست توقیف‌های نظامی را باید برنامه ریز نظامی سیا تهیه کند و تعیین قوایی که می‌بایست توقیف‌ها را انجام دهند نیز از جمله وظایف او است. افسر نظامی سیا و دفتر نظامی می‌بایست هدف‌های نظامی و غیر نظامی را مشخص کنند که نیروهای خودی آنها را از کار بیاندازند و یا اشغال کنند.

ز - در صورت امکان شبکه رادیویی سیا مخصوص کودتا می‌بایست ایجاد شود. این شبکه میان افسران سیا در محل و دفتر نظامی و میان این دفتر با مرکز سیا و فرماندهی واحدهای نظامی دوست اتصال برقرار می‌کند. در جایی که این عمل میسر نیست بر دیگر وسائل ارتباط می‌بایست متکی شد. اما در هر وضعیتی یک وسیله ارتباط و یک وسیله بدیل می‌بایست ایجاد شوند.

ح - نقشه نظامی می‌بایست بر این اصل بنا شود که تعدادی از عناصر عضو نیروهای دوست ما لو می‌روند و بدین خاطر نباید عملیات شکست بخورند. از این رو علامت‌های اعلام خطر می‌بایست اعلام خطر خود به خود گذار از یک مرحله به مرحله دیگر را در بر بگیرند. اعلام خطر بستگی دارد به اینکه چه افرادی یا چه واحدهایی بر حکومت خصم مکشوف شده‌اند. در ایران دلیل قوی وجود دارد بر درستی این نظر که علامت‌های خطر برای حفظ و ادامه موفق عملیات به قصد تغییر حکومت نقش اساسی داشته‌اند.

ط - نظامیان ما که طرح عملیات را تهیه می‌کنند امکان وقوع جنگ داخلی را باید در نظر بگیرند و در آن تدابیر لازم برای مقابله با این احتمال را منظور کنند. در نظر گرفتن این احتمال می‌تواند شامل ضرورت ایجاد وضعیت امن برای حکومت دوستی بگردد که در پی کودتا بر سرکار می‌آید. امکان‌ها و احتمال‌ها وقوع جنگ داخلی تنها بر اساس تحلیل‌های وضعیت محلی می‌بایست ارزیابی و بررسی شوند. بدیهی است که پیش‌بینی آن مشکل نیست و قطعاً برای آن باید نقشه تهیه کرد.

ی - تهیه خانه‌های امن به عنوان پایگاه‌های تماس‌های عملیاتی می‌بایست پیش از درگیری قوای دوست در عملیات انجام بگیرد. چندین خانه امن یا پایگاه امن می‌بایست در اختیار قرار بگیرند تا اگر یک یا چند خانه امن لو رفت بتوان ارتباط با عناصر دوست را حفظ کرد. در مواردی که اعضای سیا همگی در سفارت مستقر هستند عملیات ایجاب می‌کند که یک سری خانه و پایگاه‌های امن تهیه شود. این خانه‌ها زمانی که به فرستنده و گیرنده رادیویی تلفن مستقل و یا به تناسب وضعیت محل به دیگر وسائل ارتباطی مجهز

باشند نقش بسیار مهمی در موفقیت عملیات دارند. در وضعیتهایی که لازم است پول نقد، مهمات، لباس، غذا و مدارک مخفی شود در خانه‌های امن می‌بایست محافظانی به کار گرفته شوند که توانایی و تخصص نگهبانی از خانه‌ها و آنچه در آنها پنهان می‌شود را داشته باشند.

ک - خودرو تاکسی و دیگر خودروهای لازم دیگر را پیش از عملیات می‌بایست فراهم و پیشاپیش آماده نگاه داشت.

ل - هر جا ممکن باشد افراد و واحدهایی که نیروهای دوست را تشکیل می‌دهند در محل‌های جدا می‌بایست مستقر شوند. چرا که نباید در صورت لو رفتن بخشی از عملیات، افراد در بازجوئی تمامی نیروها و نقشه ما را لو بدهند.

م - افراد نظامی دفتری تحت هیچ اوضاع و احوالی نباید به طور فعال در عملیات شرکت کنند. زیرا تحت بازجوئی ممکن است همه چیز را فاش کنند.

ن - شورای نظامی می‌بایست شامل افسران هر دو صنف دفتری و صف باشد و به این دلیل که شرایط محلی را نیز می‌بایست در نظر گرفت چند کارشناس نیز باید در آن عضویت داشته باشند. وجود یک افسر ستاد متخصص در ارتباطات می‌تواند بسیار سودمند باشد.

س - احتمال واکنش بر ضد آمریکا همواره می‌بایست مدنظر تمامی افسران سیا که در اینگونه عملیات‌ها شرکت می‌کنند باشد. اگر نگوئیم هیچ عملیاتی تا کنون در حد این عملیات سخت و رعب‌انگیز نبوده است، لااقل نمی‌توان عملیاتی تا این اندازه پر مخاطره را سراغ گرفت. این امر ایجاب می‌کند که کار آزموده‌ترین افسران به کار گرفته شوند.

ع - نقشه نظامی می‌بایست احتمال شکست کامل و بنابراین، تدابیر لازم برای تخلیه افراد سیا و عوامل بومی که ممکن است لو بروند را در بر گیرد. هواپیمای وابسته‌های نظامی آمریکا، شبکه‌های فرار و دیگر تجهیزات خاص عملیات می‌بایست بخدمت گرفته شوند.

اگر هیچیک از این عوامل و تجهیزات وجود ندارند پیش از عملیات می‌بایست مخفیگاه‌هایی تهیه شوند. از این مخفیگاه‌ها در جریان عملیات، نباید استفاده شود.

ف - تعهدی که در قبال دوستان خود برعهده می‌گیریم می‌بایست تعهدی باشد که بتوانیم خوب از عهده انجامش برآئیم. در ایران، ما بنا را بر رشوه دادن نگذاشتیم. زیرا احساس کردیم افسرانی که رشوه را می‌پذیرند، در صورت قرار گرفتن در مشکلاتی همچون شکنجه، عملیات را لو می‌دهند. در ایران ما یک دینار نیز برای خریدن افسران خرج نکردیم.

ص - فکر آینده همسران و خانواده‌های افسران دوست خود را نیز می‌بایست بکنیم.

ق - هرگاه اسلحه آمریکائی، معمول ارتش کشوری نبودند که عملیات در آن انجام می‌گیرند می‌بایست احتمال به کار بردن اسلحه ساخت کشورهای دیگر را در نظر گرفت.

ر - مرکز ارتباطات را به‌عنوان نخستین هدفی که می‌بایست اشغال شود، در نظر گرفتیم. زیرا بر این نظر بودیم که جلوگیری از برقرار کردن ارتباط میان حکومت دشمن و نیروهای تحت امر آن اهمیتی تعیین کننده دارد. از دید ما، مراکز ارتباط همچون شرکت تلفن می‌بایست پیش از اقدام به دستگیری‌ها، اشغال شوند. چرا که ما تصور نمی‌کردیم نیروهای دوست بتوانند در زمان معین شده افرادی را که اسامیشان در فهرست آمده بود توقیف کنند. البته شرایط محلی می‌تواند در این تدبیر تغییراتی ایجاد کند.

ش - احتمال حبس نیروهای دشمن را در سربازخانه‌ها و پایگاه نباید از نظر دور داشت. در ایران این مکان‌ها اغلب تنها دارای یک راه ورود و خروج هستند.

ت - احتمال استفاده از شبکه رادیویی فرماندهی ارتش کشور نباید از نظر دور بماند. با وجود این علامت‌های خطر در همه ارتش‌ها معمول است. از این رو، می‌بایست متصدیان رادیوی ارتش را از افرادی انتخاب کرد که اعتماد کامل به آنها وجود دارد.

ث - احتمال درگیری با اوباش، شامل نیروهای شبه نظامی و یا کمونیست را نیز باید در نظر گرفت و در هر کشور این احتمال وجود دارد. آرایش نیروهای دوست باید به گونه‌ای

باشد که با مسدود کردن جاده‌ها و ایجاد مقررات بازرسی و کنترل و محدود کردن ساعات آن، این موانع خنثی شوند.

خ - پیشاپیش باید فهرست کاملی از جا و موقعیت افسران در ارتش جدید تهیه شود، تا اینکه محلی برای هیچگونه ابهام باقی نماند.

ذ - تا جایی که ممکن است ترجیح بر این است که از تدارکات ارتش محلی استفاده کرد و از تدارکات مخفی جلوگیری کرد و همچنین بهتر است که عملیات را از درون کشور رهبری کنیم و همچنین بهتر است عملیات زمانی انجام بگیرد که افسران سیا در محل حاضر باشند. افراد شرکت کننده در عملیات نیز می‌بایست تحت پوشش کامل باشند تا بتوان دشمن را از توان واکنش محروم کرد.

158 سرنگوني دولت مصدق

وصیت نامه‌ی دکتر محمد مصدق

(۱) وصیت میکنم فقط فرزندان و خوشان نزدیکم از عیاله‌ی من تسبیح کند در اذن و دعا و ...
 (۲) بدون سندی رسمی یا نوشته بخط امضا خود کتب مدبرین منیم
 (۳) نظر باینکه طبق بنده در فرزندانشی ر ۳۹ طران شاخ سال در خانه استغلا در ...
 خود بخشد. ام پس از آنکه تملک این جانب دار در تخرج دیر

الف - بناخ خانه واقع در کوه از برای ملک خانم خیا بخت بیات مصدق بنده ...
 ب - بناخ چهارم از خانه ۱۰ در آن سکونت دارم که در تصرف من است ...
 ج - بناخ خانه سفینه مهر خرم ملک آقای دکتر محمد مصدق بنده ...
 د - متغلات واقع میدان ناصر و کله باغی تصور میکنم در سال ۱۳۴۹ ...

از بیت بناخ سال اول سلفی در صورت هر گاه بخط این جانب سلم بنده بنام خود در آن صورت در آن ...
 در هر چه بماند برای نماز دهنده رج این جانب در بنده در آن سال دوم قطعه زمین برای ...
 دانگ و طران سب شهر با نظر بنده می آید آن زمین در روز خرابی بود که آن زمین قطعه زمین در ...
 داشته به سلف در آن زمین و یا بنام آن کانون آن زمین و کور بنده و آنجا فوج از راه ...
 جدید آن بنامه خانم وصیت امه گیری خود نکست حالت بنده یا در حکم روز دیگران است که ...
 احمد آباد ۳۰ گز راه و در کوه در جاده خرابی نشد و کله باغی ...

در ۱۴ بهمن ۱۳۴۳ در کوه کوه کوه کوه خود در تمام قطعه زمین من و سلفی در کوه ...
 بناخ خانه می طلوع در کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه ...
 با نامی محمد بیات کلات در راه و در فرزند من را بنام خانم سلفی در کوه کوه کوه کوه کوه ...
 میرزا علی است خانم خیا بخت در بنده به خط خود در کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه کوه ...

وصیت نامه مصدق برگرفته از کتاب در کنار پدرم
 مصدق نوشته دکتر غلامحسین مصدق

سرنګوني دولت مصدق 160

HISTORIAN'S NOTE:

This paper, entitled Overthrow of Premier Mossadeq of Iran was written in March 1954 by Dr. Donald N. Wilber who had played an active role in the operation. The study was written because it seemed desirable to have a record of a major operation prepared while documents were readily at hand and while the memories of the personnel involved in the activity were still fresh. In addition, it was felt advisable to stress certain conclusions reach after the operation had been completed and to embody some of these in the form of recommendations applicable to future, parallel operations. Documents pertaining to the operation described in this paper are in the Project TPAJAX files which are held by the Iran Branch of the Near East and South Asia Division. All proper names mentioned in this paper have been checked for accuracy and completeness. A serious effort has been made to supply the first name and middle initial of each individual. The omission of any first names and middle initials indicates that such information could not be located.

Dean L. Dodge, NE Division Historical Officer, March 1969.